

انکشاف

نشریهء سه ماهه
هماهنگی کمکها برای افغانها





نوبست کما چنان سببهای لفافه‌ها گرافیک‌های بلن لیش برائیم

روی جلد:

تصاویر ساختمان کلنیک تنگی سیدان قبل از ترمیم و بعد از ترمیم.



بیت‌الانکشاف

انکشاف

Inkeshaf

نشریه هماهنگی کمکها برای افغانها

سال سوم - شماره یازدهم و دوازدهم (اسد - جدی ۱۳۷۷) July - December 1998 Vol No: 11 - 12

اداره نشر کننده :
هماهنگی کمکها برای افغانها
سال تأسیس:
۱۳۷۵ هـ ش مطابق ۱۹۹۶ عیسوی

هیئت تحریر

- انجنیر محمد نعیم سلیمی
- الحاج عبدالغنی «احمد یار»
- میر امان الدین حیدری
- مدیر مسئول : میر امان الدین حیدری
- معاون مدیر مسئول : ذکیده وردک
- دبیران و عکاسی : احمد شاه

آدرس دفتر:

خانه نمبر ۱۹، چار رود
بونیروستی تاون، پشاور، نمبر تیلیفون ۶۷۸۹، فکس ۴۷۷۸۹
نمبر پست بکس پی. پی. او. ۱۰۱۳

یادداشت

مدیریت مجله انکشاف مسرت دارد که از همه هورفان عزیز و دست اندر کاران عرضه فرهنگ صمیمانه دعوت به عمل می آورد تا مطالب ارزشند خرد را در رابطه به اعاده صلح و اعمار مجدد افغانستان بخصوص در بخش های تعلیم و تربیه، صحت عامه، زراعت، ساختمان و غیره به ما ارسال دارند که از طریق مجله انکشاف به نشر سپرده شود تا از یک طرف باعث غنا و تنوع مطالب مجله گردد و از جانب دیگر سهم خرد را ایفا کرده و مصدر خدمت به هورفان خرد شوند.

از همکاری تان قلباً سپاسگزاریم. با عرض حرمت (آدار)

در برگزیده های این شماره

صفحه	عنوان
۲	بنای نو بر فرار ویرانه ها (سرمقاله)
۳	موسسه هماهنگی کمکها برای افغانها مصاحبه: محترم انجنیر سلیمی
۵	په لوگر، ویرگو او غزنی کی د غنمو پر حاصلاتو ...
۸	د هقان و مزرعه، سبزش
۱۱	د ځمکې د کرۍ نو دوڅه او زمونږ راتلونکي
۱۴	قرآن، چراغی فراراه آدمیت
۱۶	آبیا موزیم ملی افغانستان احیا خواهد شد. (مصاحبه: نانسی دوپری)
۱۹	رفوړم دهات
۲۲	شال سبز رنگ (داستان)
۲۵	زبان و ادبیات دری-درازانای زمانه ها
۲۸	طبیعی منابع او دهغو اغیزی...
۳۰	خدیجه الکبری بر بلندای ایان
۳۲	نیستان (ویژه شعر)
۳۶	طرحها و پیشنهاد ها برای انکشاف افغانستان
۳۸	برگهای اختصاصی خواهران
۴۰	کارمؤثر و سودمند (طنز)
۴۲	چرا بی حوصله گی؟
۴۴	نسل فردا و مسوولیت مادران
۴۵	اینان، بلای کشنده قرن ما
۴۶	موسم سرما، زکام و سینه وغل
۴۷	افغانستان در مسیر راه ابریشم
۴۹	خوشه ها از خرمنها
۵۰	هر گیاهی که از زمین روید...
۵۵	صندوقچه، جواهر
۶۳	گزارشها



بنای نو بر فراز ویرانه ها

سر زمین باستانی افغانستان با کوهپایه های بلندش، در درازنای سالها و سده ها، مهد و زادگاه عقابان بلند پروازی بوده است که برگهای تاریخ گواهی بر شهامت و دلیری و آزاده گی آنهاست.

تاریخ را که ورق می زنی، می نگری آریای کهن، خراسان قدیم و افغانستان سالکند، لانه و کاشانه آزاده زنان و مردان و روین تنائی بوده که با سر افرازی زیسته اند و همیشه در برابر زورگویان و مجاوز گران با همه بی وسیله گی نیرومند و مقاوم قد برافراشته، بدخواهان و بیگانه گان را با دهل و سرنا از سرزمین آزاد جاوید خود رانده اند.

باشنده گان این آب و خاک با دلپسته گی به زاد گاه و مرزو بوم خویش همواره در پی آبادانی سرزمین خویش بوده اند، ولی دریغ که آزمندان بیگانه و بدخواهان طماع هر بار که فرصت یافته اند، دست به ویرانی و تباهی این سرزمین برده، لانه، عقابها را با تیر های زهر آگین و هستی سوز نشانه گرفته اند. اما خدای را سپاس که دشمنان سرزمین محبوب مان در همه دوره ها و زمانه ها، ازین نشانه گیرهای ظالمانه و پرتاب تیر های خصمانه، جز شکست و سر افکنده گی نصیبی نبرده اند.

از هجوم سکندر که آریانا را تسخیر ناپذیر خواند، تا یورش چنگیز و هلاکو که به شهادت تاریخ متفعل اند، از تاخت و تاز ها و ستیز های انگریزان که بار بار شرمنده و خجلت زده بارزیده خود را از دیار افغان زمین برچیده و به فرنگستان خویش برگشته اند تا مجاوز قشون سرخ که با ساز و برگ عظیم جنگی و پیلان آهنین پایه مبین آزاده گان راه کشیدند و دیدیم که شکست خورده و سر افکنده و زخم برداشته از همان راهی که آمده بودند برگشتند و رود آمو شاهد برگشت و هزیمت و انفعال آنان بود، همه این اخلاص ها، هجومها و شکستها، غایبتر آنست که مردمان این سرزمین بدین باور و اعتقاد اند که: خدایت آزاد آفریده، آزاد باش.

آری، افغانها، گرسنه می خوابند ولی برده نی.

اکنون مردم ما، این آزاده گان و سرفرازان که از کوره زمان پخته و آیدیده پدر آمده اند، به خانه و کاشانه، خویش می اندیشند و باید هم بیندیشند.

اکنون آوای بهزیستی و صدای آبادانی بلند است، باید برای آبادی و باز سازی مبین فکری کرد، و درین راستا دستهای هست که یاری می رساند و دلهایی هست که بینایی.

اندیشندان، خیر خواهان و بشر دوستانی هست که طرحها می ریزند، پلانیها، روی دست می گیرند و گامهای دوستی و برادری و انسانی به خاطر بازسازی افغانستان، به خاطر جبران خسارتها و رفع دشواریها و عقب مانده گیها به پیش می گذارند، تلاش و کوشش و بقیه در صفحه ۱۰.

مؤسسه هماهنگی کمکها برای افغانها (CoAR)

انجنیر محمد نعیم سلیمی دایرکتر مؤسسه (CoAR)

در مصاحبه‌ی با خبرنگار فصلنامه، انکشاف:

در عرصه‌های بازسازی در سر تا سر افغانستان پیاده نموده است. به خاطر فعالیت بهتر پروژه‌ها و بررسی از کار و

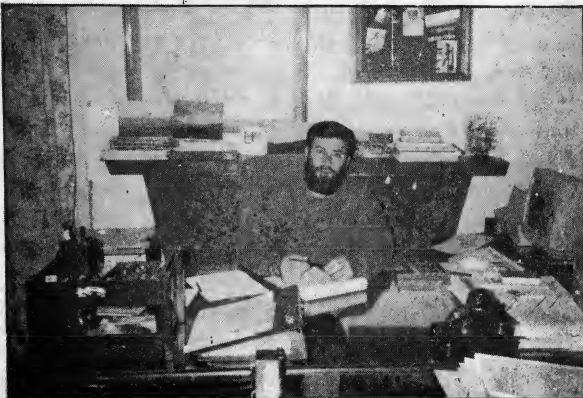
و مرکز انکشاف دهات برکی در ولایات لوگر نام برد. به صورت کل می‌توان ادعا نمود که

مؤسسه هماهنگی کمکها برای افغانها (CoAR) یک نهاد مستقل، غیر دولتی و غیر سیاسی بوده که در آخر سال ۱۹۹۸ توسط یکمده از افغانها به منظور سهمگیری در پروژه بازسازی افغانستان پایه‌گذاری گردید.

طرز العمل این مؤسسه تهیه مواد به داخل افغانستان، رسانیدن کمکهای عاجل، طرح و تطبیق پلان و پروگرامهای انکشافی طویل‌المدت با سهمگیری فعال مردم و فراهم نمودن زمینه‌ها و تسهیلات برای بازگشت مهاجرین به میهن می‌باشد.

اهداف مؤسسه (CoAR) را معاونت با مردم در راه بدست آوردن مواد اولیه و ضروری، بلند بردن سطح تولیدات و بنیانگذاری تأسیسات زیر بنایی جهت بلند بردن معیارهای عالی زندگی از طریق بهتر ساختن فعالیتهای زراعتی، مالداري، مسایل صحتی و تعلیم و تربیه تشکیل میدهد.

این نهاد تا کنون توفیق حاصل نموده تا مراکز را در بعضی از ولایات کشور به خاطر انکشاف دهات تشکیل و فعال سازد که میتوان از مرکز انکشاف دهات ولسوالی سیدآباد ولایت وردک، مرکز انکشاف دهات شهید بختر و ولسوالی مقر ولایت غزنی



انجنیر سلیمی دایرکتر مؤسسه CoAR در حال گفتگو با خبرنگار مجله انکشاف

امور مراکز وابسته به CoAR اخیراً محترم انجنیر محمد نعیم سلیمی دایرکتر این مؤسسه سفری به داخل کشور داشتند که با استفاده از فرصت گفت و شنودی با ایشان انجام داده ایم تا در مورد سفر شان و هم بخاطر آگاهی بیشتر خواننده گان گرامی با ورق بزنید

مؤسسه CoAR با پیشنهاد ده ساله توانسته است تا حدود زیادی در تطبیق اهداف خویش به موفقیت‌هایی نایل گردد. کار و فعالیت این مؤسسه روز تا روز گسترش یافته و در جریان انکشاف تشکیلاتی خویش پروژه‌های گوناگونی را

موسسه و فعالیت های آینده آن در روشنی قرار گیریم که اینک توجه شما را به این مصاحبه جلب می کنیم :

پرسش: خوب محترم سلیمی دایرکتر موسسه CoAR طوریکه آگاهی داریم، شما برین اواخر به داخل افغانستان سفری داشتید، لطفاً نمونه هدف سفر تانرا توضیح دارید و هم بگوئید که از فعالیت پروژه ما در داخل تا چه حدودی راضی هستید؟

پاسخ: با شکران فراوان از خداوند لایزال خدمت شما عرض شود که در اخیر سفری اکتوبر سال روان سفری بداخل میهن عزیز داشتیم هدف عمده سفرم علاقمندی همیشه گی ام به زادگاه و کشور بوده و همچنان بحث و تبادل نظر با همکاران دفاتر ساحوی CoAR در مورد پروگرامهای آینده، انکشافی در داخل کشور و بازدید از پروژه های اجرا شده سال ۱۹۹۸ هدف دیگر سفرم را تشکیل میداد.

بازهم خداوند بزرگ را سپاسگزارم که تمام فعالیتهای پلان شده برای سال ۱۹۹۸ با دقت کامل و کیفیت عالی اجرا گردید و باعث خوشی و رضایت مردم منطقه حکومت و منابع تمویل کننده قرار گرفته است.

از اینکه همکاران ساحوی با روحیه عالی در تطبیق پلان سال جاری زحماتی را متقبل گردیدند امیدوارم با خشنود ساختن خلق الهی رضای خداوند مهربان را بدست آریم.

پرسش: محترم انجنیر صاحب: همه میدانیم که تصویر ورکشاپها غرض تبادل افکار و نظریات و آگاهی از تجارب و اندوخته های

تازه، در عملی ساختن بهتر پروژه ها اهمیت فراوان دارد، شما چندی قبل سفری هم به کشور انگلستان جهت اشتراک در ورکشاپی تحت عنوان *From Rhetoric to Reality* داشتید اگر لطفاً نمونه دست آورد های تانرا ازین سفر و اثر آنرا در فعالیت های موسسه CoAR روشن سازید ممنون میشویم.

پاسخ: بلی در سال روان ورکشاپی تحت عنوان *From Rhetoric to Reality* در شهر یورک انگلستان دایر گردیده بود که در آن به تعداد ۶۳ تن نماینده از منابع مختلف اشتراک داشتند، درین ورکشاپ تعداد شرکت کنندگان افغان ۲۳ تن بودند که هفت تن آنها را زنان و ۱۶ تن را مردان تشکیل می دادند.

این ورکشاپ به کمک مالی DFID, EU و UNDP صورت گرفته که در یونیورسیتی یورک دایر گردیده بود. هدف عمده این گردهمایی این بود که تمام سیستم های کمک کننده به افغانستان طوری عمل نمایند که کمکهای شان در تقلیل تنازعات افغانها مؤثر واقع شود، نه آنکه در تزئید آن اثر کرده و این تنازعات بیشتر شعله ور گردد و درین ورکشاپ راههای جستجو شد که در آن موسسات غیر دولتی، منابع تمویلی و دیگر منابع ذیربط نظریات خود را روی کمک ها به افغانستان در بازسازی صلح جستجو نمایند، تمام این کمکها باید از یک راه مناسب و مساعد پیام آور و مد صلح بوده و برای احیاء و انکشاف صلح در افغانستان صورت بگیرد.

- موضوعات جنرل در ارتباط به

سیستم های امدادی موجود و پس منظر آن در افغانستان مورد بحث قرار گرفت و مطابق شرایط زمانی و مکانی کشور ها و راه ها و ستراتیژی های عملی که در روشنی آن میتوان پالیسی های آینده برای رشد استعداد ها در مرد ها و زنها برای احیای صلح در افغانستان را تعیین نموده بحث گردید، منابع بین المللی پذیرفتند که آنها هم ضرورت به تغیر و تجدید نظر در پالیسی خود دارند تا کمک ها در تقلیل تنازعات در افغانستان بیشتر مفید و موثر واقع گردد.

درین جا بسیار مشکل خواهد بود که تمام محتویات ورکشاپ تشریح گردد صرف چند نکته از نتایج و دست آوردهای دفتر CoAR را که در تطبیق پالیسی آینده آن موثر خواهد بود ذکر مینمایم.

- احیای صلح در افغانستان پروسه جداگانه نیست که به تنهایی بدست آید، حالات سیاسی خارجی و داخلی مملکت و قدرت ها و محالکی که آنرا زیر تاثیر دارند و سیستم اقتصادی کشور نیز نقش بارز دارد.

اصل منشأ و ریشه تنازعات بین افغان ها بعد از تحلیل و تجزیه مشخص گردد.

- تفاوت فکری بین سیاستمداران و عامه مردم موجود است که این تفاوت فکری و سلیقوی نباید باعث پارچه شده و تصادم بین مردم گردد،

مسئله جنرل را نادیده نگرفته و باید به آن اهمیت داد.

سیستم حل عنعنوی منازعات بین بقیه در صفحه ۵۹

به لوگر و وردگواغزنی کی دغنمو پر حاصلاتو باندی دغنمو ددولونو راود کیمباری سرود استعمال اغزی

میرامان الدین حبیری

پوهاند دوکتور عبدالقهار شین

پر لمريز ۱۳۵۷ کال کی په افغانستان کی د غنمو حاصلات په ښه توگه زیات شوی وو ځکه په نوموړی کال کی د غنمو بهیخی لږه اندازه افغانستان ته راوړل شویدی چی عمده علت ئی د اصلاح شوو غنمو کرل او په هغوی کی دسری د مناسبی اندازی او نسبت استعمال لول وه. په نو مودی موده کی زیاتره بزگرانو په جریب کی ۵۰ کبلو گرامه بوربا او ۲۰ کبلو گرامه ډای اومونیم فاسفیت استعمالول. همدارنگه په نوموړی مودی کی د غنمو د پاره دخربو لو او په په کافی اندازی سره موجودی وی او همدارنگه نباتی ناروغی په ښه توگه کنترول کېدی. په نوموړی مودی کی دغا ربوو شمیر زیات وو او محلی سړی په کافی اندازی سره استعمالیدلی چی د هغوی د کبله د خاوری سترکچه ښه وه او دهمدی لاری پانه واړوی

دسری د ښی اندازی په استعمال سره وکرل شی نوددی امکان شته چی د غنمو حاصلات څلور ځله زیات شی. افغانستان په دی وختو کی د خپلی اړتیا وو غنمو زیاته برخه د پاکستان څخه راوړی. افغانستان ته په کال کی په تخمیني توگه د ۴۰۰ زرو تربک تنو څخه زیات غنم د باندېنو هیوادو څخه راوړل کیږی چی داکار په تلونکو وختو کی دامکان څخه وزی نو دهمدی کبله افغانان باید هڅه وکړی تر څو دخپلی اړتیا وروغنم په خپله د هیواد دننه په لاس راوړی چی ددی کار دپاره باید د اصلاح شوو غنمو کرل زیات شی. اصلاح شوی غنم پر ته دسری د استعمال څخه په زړه پوری حاصلات نشی تولید کولی. په افغانستان کی د اصلاح شویو غنمو کرل او په هغوی کی د کیمیاوی سړی د مناسبی اندازی استعمالولو دغنمو حاصلات دوه برابره کیدی (۴،۱).

په افغانستان کی غنم د نورو غلو په پرتله لوی مقام لری او په زیاتی پیمانی سره کرل کیږی. په افغانستان کی د اصلاح شوو غنمو کرل د څو کلو نو را پدیخوا رواج موندلی دی. مکئی پک بو ډول اصلاح شوی غنم د ډیری مودی څخه را په دېخوا د افغانستان په زیاتره سیمو کی کرل کیږی او اوس یی د وطنی غنمو نوم ځانته گټلی دی ځکه د محلی غنمو سره گډ شویدی او حاصلات یی د اصلاح شوو غنمو په پرتله بهیخی ټپت دی. په افغانستان ک د غنمو منځنی حاصلات په جریب کی د پنځوس کابلی منو څخه زیات نه دی حال داچی د اصلاح شویو غنمو حاصلات دسری د مناسب استعمال په صورت کی په جریب کی ۲۰۰ کابلی منو ته رسوی با په بل عبارت سره که چیری اصلاح شوی غنم

<p>۲- په هوازی توگه د فاسفورس سرواستعمال په هغو خاورو کی چی د نائتروجن کمیټ ښی په زړه پوری توگه حاصلات نشی زیاتولی.</p> <p>۳- پتاشیم په زیاتره خاورو کی دغمو دودۍ د محدود کونکی عامل په توگه رول نه لوبوی.</p>	<p>لور او د غنمو کیفیت اصلاح کړی.</p> <p>د CoAR موسسی وکړای شوو چی په عیسوی ۱۹۹۴ کال کی د غنمو د څو کلونو پوه علمی څیړنه بشپړه کړی چی په هغی کی په عمومی توگه ۸۵- Attay غنمو او د سری په جریب کی د ۲۴ کپلو گرامه نائتروجن او ۴ کپلو گرامه فاسفورس</p>	<p>څخه هم د غنمو حاصلات زیات شوی وو.</p> <p>د افغانستان زیاتره خاوری د دغمنو د ښو حاصلاتو په خاطر لیر تر لره نائتروجن او فاسفورس ته اړه لری. د پتاشیم استعمال د افغانستان په ډیرو محدودو ځایو کی د غنمو حاصلات زیات کړیدی ().</p> <p>د افغانستان د کرنې د علمی څیړنو</p>
--	---	---

۴- هغه خاوره چه د منحل فاسفورس اندازه یی په مېلون کی د ۶ څخه زیاته وی د نباتاتو د حاصلاتو د لږېدو سبب نه گرځي.

Winch (۶) په افغانستان کې د غنمو د پاره په جريب کې د ۲۴ كيلو گرامو نائتروجن او ۱۰ كيلو گرامو فاسفورس استعمال ضروي گڼلې دى.

Nielson او Samin (۲) په تخميني توگه د ډوه جريب غنمو د پاره د ۵۱ كيلو گرامو نائتروجن او ۵ كيلو گرامو

فاسفورس سیار بنتنہ کریدہ۔

ثمین (۳-۴) داسی نظر لری :

۱. په افغانستان کې د غنمو د پاره د
ناتړو جني او فاسفورسي سر و استعمال
ضروري گڼل کيږي،

۲- پتاشیم دافغانستان په زباتره
خاوروکی د غنمو اړتیا پرته دهغه دسری
د استعمال څخه د غنمو اړتیا رفع کړی



د تکثيري غنمو د فارم يوه نمونه

مرکز (AAEC) په عيسوی ۱۹۹۱ استعمال په زړه پوری حاصلات تولید کړل. کال کی د غنمو د ډولونو او کیمیاوی سرو داستعمال علمی څیړنی پیل کړیدی ترڅو د غنمو بڼه اصلاح شوی ډولونه چه په نوموړو سیمو کی بڼه توافق ولری او سری په اقتصادی توگه استعمال کړی بزرگرانو ته وړاندی کړی ترڅو بزرگان و کولی شی چه خپل حاصلات بڼه په توگه

استعمال په زړه پوری حاصلات تولید کړل. تېرو علمی څیړنو ته پوره لنډه کتنه: Hauser (۱) په افغانستان کی په غنمو کی د خپلو علمی څیړنو نتیجی په لنډ ډول داسی بهان کړیدی: ۱. د افغانستان په زباتره سیمو کی نااتروجن نشترالی د غنمو د حاصلاتو د کمیدو سبب گرځی،

شی،

۳- د کیمای سرو استعمال ډیر ښه تجارت لری، ځکه دهری افغانی په مقابل کی چه په سره باندی مصرف کیږی په زړه پوری گټه په لاس راوړی.

۴- دافغانستان د پاره د غنمو د راوړلو پر ځای باید کیمایو سری راوړی شی ځکه ښه پوری سره بنایی لږ تر لږه څلور پوری غنم تولید کړی.

ثمین او نیلسن (۳) داسی راپور ورکړیدی چی په بغلان کی د ۵/۶ کبلو گرامو نانتروجن استعمال د غنمو حاصلات په سلو کی ۷-۳۷ زبات کړیدی، خو په جریب کی د ۱۷ کبلو گرامو نانتروجن او ۱۴ کبلو گرامو فاسفورس استعمال د غنمو حاصلات په سلو کی ۱۰۴ زبات کړیدی.

ثمین (۵) وېلی دی چی د بدخشان دارگو او وردوج په ولسوالیو کی چی لس ډوله غنم کرل شوی وو په ترتیب سره د Agri/NAC·Bloundan L او

د سری اندازې	د برکی ولسوالی	د مقر ولسوالی	د سید اباد ولسوالی
N0P0	۵۵۱.۱	۶۵۲.۲	۲۱/۶
N1P0	۵۵۸.۰	۵۵۴.۴	۲۴/۶
N0P1	۵۵۶.۲	۵۶۱.۱	۳۲/۲
N1P1	۵۷۰.۶	۵۵۹/۶	۳۴/۷
N2P1	۵۶۹.۴	۵۵۵/۸	۳۳/۵
N2P2	۵۸۷.۵	۶۰۰/۸	۴۳/۲
N3P1	۵۸۱.۶	۵۶۶/۷	۳۸/۰
N3P2	۵۸۱.۵	۶۰۰/۲	۳۸/۹

۹۴- Pamir حاصلات د غنمو د نورو ډولونو په پرتله لوړو، خو د اشکاشم په ولسوالی کی Agri/ NAC د غنمو د نورو ډولونو په پرتله لوړ حاصلات ور کړیدی، داشکاشم په ولسوالی کی د ۹۴-Pamir حاصلات د قناعت وړ نه وه.

ثمین (۴) د لوگر د ولايت د برکی برک په ولسوالی کی د سری اقتصادی اندازه په جریب کی ۲۴ کیلو گرامه نانتروجن او شپږ کیلو گرامه فاسفورس بنودلی ده چی دهغه په نتیجه کی دهری افغانی په مقابل کی چه پر سره باندی مصرف شوی دی ۷ افغانی سرچه گټه په لاس راغلی ده او دهر کیلو گرام نانتروجن او فاسفورس په مقابل کی ۱۷.۵ کیلو گرامه غنم په لاس راغلی دی.

مواد او طریقې:

دا علمی څېړنه د COAR د سوسی دکرنی د دیپارتمنت له خوا د لوگر، وردگو او غزنی په ولایتونو کی تر اجرا لاندی نیول شویده. ددی علمی څېړنی احصایو یی د یزاین RBD وو چی په هغه دری وارو ځایو کی ۶۴ معاملی او دری تکرارونو ځای درلود. د نانتروجن اندازی په جریب کی ۱۸/۲۷ او ۳۰ کیلو گرامه او د فاسفورس اندازی په جریب کی ۶/۰ او ۱۲ کیلو گرامه وو. په نوموړی علمی څېړنه کی ۸۵-

TM·Shaghash·Zardana·Attay
Bidi 17·Local·Marius·Mutant
۹۴-Pamir کرل شوی وو. د هر پتی اندازه شپږ مربع متره او په هر پتی کی ۱۰۶ گرامه د غنمو تخم شپنډل شویدی. د غنمو تخم او کیمایو سره د پستی شوی خاوری پر سر باندی وشپنډل شول او په مناسب ژوروالی سسر په خاورو کی پټ شول او تر هغه څخه ورسته ژور تر ژره خړوب شول د ټولو پتیو څخه لازم معلومات په خپل وخت کی برابر شویدی.

د غنمو ډولونه	د برکی ولسوالی	د مقر ولسوالی	د سید اباد ولسوالی
Amo-25	۹۹۷.۳	۵۳۹/۷	۳۳/۷
Zardana	۹۹۱.۳	۶۱۳/۸	۴۴۰.۰
Shaghash	۹۹۲/۹	۶۱۱/۷	۳۶/۴
TM Mutant	۵۵۰.۳	۶۱۲/۹	۵۳۹/۹
Marius	۵۱۰.۷	۶۱۱/۲	۳۳/۲
Local	۲۰/۸	۵۵۸/۰	۳۳/۷
Bidi	۲۶۰/۷	۴۵/۵	۵۱۳.۰
Pamir (a)	۱۱۰۰/۸	۴۸/۱	۳۶/۹

نتیجی او مباحثی:

د غنمو پر حاصلاتو باندی د غنمو د مختلفو ډولونو اغیزی په لومړی جدول کی لیدل کیږی.

لومړی جدول: د برکی، مقر او سید اباد په ولسوالیو کی د غنمو حاصلات په جریب کی په کابل منو:

نوت: په عمودی قطارونو کی هغه معاملی چی ورته توری ونه لری پر سلو کی پاتی برخه ۵۲

دهقان ومزرعهء سبزش

نویسنده: اوستا

گزیده شعری اش را که به سال (۱۳۵۶) خورشیدی به نام مزرعه دهقان در کابل چاپ شده، وقتی می خوانی و آنرا ورق گردانی می کنی، می نگری که شعر دهقان، پیام عالم معنی است، پیامی است برای جانمایی که بویی از انسانیت به مشام شان رسیده



«دهقان کابلی» در سالهای اخیر عمرش

کله سعدی و کله حافظ و کله دهقان
عشق هر روز زما نام دگر می خواهد
(دهقان کابلی)

کابل این قلب پریش میهن ما در گذرگاه زمان، همواره سخنوران آزاده و عارفان و ارسته بی داشته که نام آنان بر صحیفه روزگاران درج بوده، هر چندی که زمانه بی مهرهای فراوانی در حق شان روا داشته است.

یکی از فرزانه مردان کابلی که زمانه اش چنانکه بایسته بود، ارج و بهای کلام و مقامش را در نیافت «دهقان کابلی» است، عارفی وارسته، شاعر آزاده و درویش شوریده که اسمش غلام سرور بود و در شعر و سخنوری دهقان تخلص می کرد.

الحاج غلام سرور دهقان مرد صاحب دل و صاحب سخن و صوفی و متصوف خدا پرستی بود که عمری به کار شاعری و سخنسرایی پرداخت و در گوشه فقیری و خلوت گزینی، بدور از حرص و آرزو و فریب و شهرت طلبی داد سخن داد، شعر را این «دُر دری» را هرگز در پای به اصطلاح «اسم و رسم داران» زمان نریخت، بلکه آنرا برای جمعی پاکدل و اهل دل که طالبان معنی و خدا پرستان آگاه بودند عرضه داشت.

«دهقان» این شاعر عارف که به سال (۱۳۵۴) خورشیدی به رحمت ایزدی پیوست و (۷۲) سال عمر کرد، طی نیم قرن کار شاعری و سخنوری، در انواع شعر مثل غزل، مثنوی، ماسدس، قصیده، ترجیع بند، رباعی و دو بیتی طبع آزمایی کرد و با تعهد و ایمان داری، معانی عارفانه و مفاهیم صوفیانه را با مهارت و استادی آمیخته، با جوهر هنری در قالب شعر ارائه داشت. در سر آغاز دیوانش چه خوش گفته است:

کله سعدی و کله حافظ و کله دهقان
عشق هر روز زما نام دگر می خواهد

های چهاردهمی برای همیشه مسکون گردید او در دهموری امروزی زمین گرفت و قلعه بی آباد کرد که تا دو دهه قبل پا برجا بود.
آخرین خلف خانواده میرزا محمد اعظم چغتایی بود که در مستوفیت کابل در زمان امیر حبیب الله رتبه، دفتری داشت. در سال ۱۲۸۲ میرزا محمد اعظم، صاحب پرسی شد که نامش را غلام سرور گذاشت، این پسر در کودکی نزد ملا سراج الدین نام و پدرش قرآن آموخت و کتب معمول وقت «حافظ و گلستان سعدی را فرا گرفت، در پانزده تابست ساله گی خط میرزائی نستعلیق را یاد



مدون و ناشر
میرزا محمد

یکش
نامروری

کابل ۱۳۵۶ ش

گرفت و بعد او در اولین وزارت مالیه امانیه میرزا شد. غلام سرور که تخلص دهقان را برگزید، شامل مکتب حکام گردید و مدت کوتاهی در پنجشیر و استائف علاقه داری کرد، شور و اشتیاق غلام سرور دهقان به شعر و ادب و عرفان او را از کار دفتر و دیوان باز ووق برونید

است، پیامی است برای انسانهای که فرق میان جان و تن را در یافته اند، پیامی است از کسی که گذشته خود را باز یافته و احساس شور انگیز این یافت را در لایلهای شعر و سخن ریخته و می خواهد به اهل دل برساند.

تا که به گلوان رسم، خار ز پا نمی کشم
آبله پوش می روم، هیچ صدا نمی کشم
سلطنتم اگر رسد بر دروس نمی روم
سبلی فقر می خورم، منت شاه نمی کشم
دهقان، این مومن عاشق و عارف صادق که بی دربان و صاحب خانقاه و مدرسه در کمال صفا و بی آلاشی زیست، زمانه اش توانست او را درست بشناسد و توانست از عرفان او استفاده کند و کمتر کسی سراغ او را گرفت که بپرسد، در عرفان چه مقامی دارد و در کلام چه پایگاهی؟ با وجودی که او خود صدا می زد:

من عسarf تشبیه و تمثال نباشم
گوشیده امرم عرق الود بیامم
و باز این خود اوست که از مردم زمانه اش شکوه سر می دهد:

راز درونم همه ناکفته ماند
در صدفم لولوی نهفته ماند
نیست چوتیلیغ به کار شما
رفتم ازین شهر و دیار شما
و در جایی هم با لحن جدی تر و بر افشخته تر می گوید:
مردم پرست دهر را دره به نزد شرع زن
پند بگیر، زنده ام، بوسه مکن مزار را
پس مردی که چنین در عرفان و ادب، جایگاه و مرتبت دارد، پایسته است، با اشتیاق تمام و خلوص نیت و ارادت، یاد جلیل و ذکر نیلش را به میان آوریم و به شرح حال و احوالش بپردازیم و بدانیم که او چه کلام و پیامی داشته است و چه طلوع و غروب...؟ به گفته خودش:

زسبک پری جو خورشید نگرتم آشیانی
زکجا طلوع کردم؟ به کجا غروب کردم
ان گونه که در زیستنامه، شاعر، دهقان کابلی آمده است، در زمانهای بعد باهر که کابل شهر دروازه هند شد، شخصی از میرزا زاده های منسوب به خانواده، الغ بیگ معروف در یکی از قلعه

دهقان درین سفر مقدس حال واحوال مخصوصی داشت، بیتی از
یک غزل چنین حالش را ثبت کرده است:

از پیش اشکم سارینِ محمل به صحرای می برد
محمل به صحرایِ جنون از راه دنیا می برد
بعد از تشریف به حرین، دهقان از دوره انقلاب برای همیشه
برآمد و وقتی که به کابل رسید، زمینهای آبی دهمری رابه وزارت
معارف فروخت و در حصه چنداول دکان قالین فروشی باز کرد،
سالهای درازی را با این شغل معاش و مایحتاج خود و مستمندان را
تهیه می کرد که در سال های پیش از وفاتش عملاً این شغل را
متروک نموده و در کلبه عارفانه خویش انزوا اختیار کرد و در حیات
تأملی عبتی که مخصوص عرفان فقیر است چنان فرو رفت که همه
ماحول خویش را فراموش کرد... بالاخره با سرودن این آخرین بیت
خویش:

مورغ روحم به وطن میل پریدن دارد
چون کبوتر دلم از شوق تپیدن دارد
او در در شب (۱۱) حوت سال (۱۳۵۴) خورشیدی چشم از
جهان پوشید و در گلخانه چهاردهی کابل به خاک سپرده شد.
مستان خدا به روز صد بار بمرود
اندر صف زنده گلن همی روزی خورد
و این هم سخن خود اوست که می گوید:

بعد مودن تا نگوندم که دهقان بی کس است
درد ما با داغ گریده داغ ما با دودها
در باب پایه و مایه شاعری و ادبیات دهقان، محقق و صاحب
نظری نگاشته است که دهقان در دوره انقلاب، در میان سنین
(۱۵-۲۰) در ویرانه ها و کشتزارهای چهاردهی نخستین شعرش را
چنین سرود:

آن عهد را که با تو بستیم بسته به
عهدی اگر به غیر تو بستم شکسته به
بی تو بروی ما در گلزار بسته بلد
بلبل خموش و شیشه غشوت شکسته به
او در پیشه ها و باغستان های کابل شب را به روز می آورد و
می سرود:

من نمی دانم کجا این عشق پلرم می کشد
شهر در شهر و دیار اندر دیارم می کشد
بقیه در صفحه ۵۸

داشت و او به دنیای ادب و عرفان غوطه ور گردید.

حالت جذب و بیخودی در سالهای (۱۳۰۶ و ۱۳۰۷) برای وی
دست داد و تا سال ۱۳۱۳ به انزوا پرداخت. اقارب و دوستانش او
را در بانک ملی شامل کردند، اما او که در معرض تغییرات شدید
روحي و درونی قرار داشت شغل پدري یعنی کار و مامویت را برای

زنده گینامه دهقان

بسی شاعرانه و عارفانه و

عاشقانه است، ابتدای آن به

زنده گی شمس و اوسط آن به

زنده گی عطار و آخر آن به

زنده گی حافظ کم و بیش

شباهت داشت.

همیشه ترک گفت و سالهای زیاد به سیر آفاق و انفس پرداخت، در
مثلث شهر های باستانی و تاریخی و عرفانی غزنی، هرات و بلخ
می گشت و از خاک سنایی ها، جامی ها و مولوی ها الهام می
گرفت. در اواخر این مجنونیت به شوق حرم و یثرب می تپید،
باری می خواست از راه مشهد و نجف و بغداد برود که در سرحد
کاروان را نیافت و در کراچی رسید که کشتی رفته بود، بالاخره در
سال ۱۳۲۲ روانه حجاز شد و فرهاد کرد:

ای شه و دیوش و وزیر و دبیر
مرد وزن و شیخ و صغیر و کبیر
من عجمی ام به عرب می روم
کعبه حق بهر ادب می روم

د ځمکې د کړۍ تودوخه او زموږ راتلونکي

د درغون کور (green house) اصطلاح د لمړي ځپل لپاره د يوه سويديني کيميا پوه چې ساتنې آره هينس نومیده په ۱۳۶۵ هـ ش کال کې استعمال شوه. ده اټکل کړی ده چې د بطرولي محروقاتي موادو له سوځيدو څخه په هوا (atmosphere) کې چې 0.03 فيصدي کې دی لورشی. او دا کار به زموږ سياره توده کړي. دا عملیه له ميليونو کلو راهيسې ادامه لري. يعنی دی عملیې له صنعتی عصر څخه دمخه هم ادامه درلوده چې د زرغون کور گازونه ډیر لږه او يوازی دومره تودوخه به ئې جذبوله چې د ځمکې تودوخه 15 درجې سانتی گرید وساتي. پخوا له دی چې ددی گازونو له ناوړه اغيزو څخه په تفصيل خبری وکړو راځي چې دا گازونه او پيژنو چې ميخانیکيکي نی څه دی. دا گازونه او دوی د بدلون وړ فيصدي چې په تودیدو کې برخه اخلي له 55 فيصده کاربن ډای اکساید 24 فيصده C.F.C فلورو کاربن 15 فيصده میتین او یو فيصد نایترس اکساید دی

او C.F.C او کاربن ډایاکساید 79 فيصده کيږي. او دا دواړه گازونه له صنعت څخه لاس ته راځي او C.F.C په یخچالونو، سفنج او د تودوخې په عاتقو موادو کښی استعمالیږي. کله چې دا گازونه تولید شول نو د اوږدی مودی لپاره په هوا کښی پاتی کيږي

لمر خپله انرجی د څپو په غیر ځمکې ته رالېږي او له بنفش څخه تر سرو څپو پوری دی. له اتموسفیر څخه د تیریدو په وخت کښی داڅپې ډیری لږ جذبیږي او زموږ سياره تودوی. د ځمکې له تاوده مخ څخه د انفراد (Infrared) چې په سترگو نه ښکاري، فضا ته بیرته منعکس کيږي دغه څپې د دغو گازونو له خوا چې مخ کې وویل شول جذبیږي د غی عملیې ته د زرغون کور (green house) تاثیرات او یا د ځمکې د کړۍ تودیدل وایی. دغه پروسه آن تر صنعتی کیدو څخه د مخه له کال ۱۸۰۰ څخه ورو ورو زیاتېږي. له هغه وخت څخه تراوسه پوری دا عملیه چې

کاربن ډای اکساید هوا کې گډیزي 20 فيصده زیاتوالی راغلی ده او د C.F.C ستونزه په همدی ډول ده. اوس راځي هغه ناوړه نتیجې چې نړی له تودیدو څخه مینځ ته راځي او یا راغلی دی وڅیړو او وگورو چې هر هیواد ته اهمیت لري او په نهائی تحلیل کښی مضر ثابتیږي.

۱- د سمندرونو د سطحی لوړیدل: له پېړیو راهیسې د تودوخې درجه د سمندرونو سطحه لوړوی، علماو دا پیش بیني کړیوه چې د تودوخې بی کنترول له لوړیدل د قطبینو د کنگل دویلی کیدو سبب شی. او په نتیجه کې دا کار د اوبو سطحی د لوړیدو سبب گرځي. د کنگل هغه لونی توتی چې د قطب له یخ څخه په ۱۳۵۵ کی جدا شوی، چې ۳۳۵ کیلومتره په ۱۰۰ کیلومتره وی او بله توته ۱۳۷۴ کیلومیتره جدا شوه چې ۷۸ کیلومتره په ۳۷ کیلومتره او پنډوالی یی ۲۰۰ متره وه. پرته له دی لویو توتو څخه وری توتی هم لیدل شوی دی چې له ویلیدو یی معلومات پاته وایي.

نشسته چه د کال دوه زره متر مکعب کنگل بیلیری. همدارنگه له انترکتیکا څخه د کنگل بیلیدل د سمندر سویه لوړوی. دا کار به د سمندرونو د پراختیا سبب هم وگرځي. د تودوخی پراختیا داوبو د تودوخی له اساسی درجې سره فرق لری. په پنځو درجو کښی دیوی درجی تو دوحی جگیدل داوبو حجم په سلوکښی ۰.۰۱ زیاتوی. په داسی حال کی چه په تودو سیمو کی مثلاً په ۲۵ درجو کی داوبو حجم په سلو کفی ۰.۰۳ زیاتیږی. د تودوخی توره درجه د زرغون کود گازونه د جگوالی سبب هم گرځي چه وضع په لاتوده هم پسی خوا به کړی

نو دا طبیعی خبره ده چه د سمندرونو غاړی به له ډیرو ناوړو نتایجو سره متاثری کړی. او په میلیونونو هکتاره لڼده ځمکه به د اوبو لاندی شی. علماو اټکل کړی دی چه د سمندر شل سانتي متره لوړوالی به د امریکی، اروپا او نور هیوادونه لکه هند، پاکستان، مالدیو، بنگله دیش، اندونیزیا، سنیگال، سورینام او داسی نور هیوادونه متاثر کړی همدارنگه ویل شویدی د هوا ککړوالی په پاکستان کی ډیره لوړه ده او په ښارونو کی د تودوخی درجه د ۱۳۲۹ کال راهیسی په جگیدوده چه البته دا کار ډیر خطرناک دی دا قلم د تغیر د

بین الدول منصفه هئیت (I.P.C.C) په دی ورستیو کی اټکل کړی دی که چیری کاربن دای اکساید په راتلونکی پیری کی راتیټ نشی دنړی د تودوخی درجه به ۳.۵ درجی د سانتي گراد لوړه شی چه البته دا کار به د سمندرونو او به یو متر لوړی کړی ددی خبری مفهوم دادی چه ډیر جزیروی هیوادونه او د سمندرونو غاړی به په اوبو کی ډوبی شی.

۱- په راتلونکی کی زره یگنیدونکی کرنیزی ستونزی: دځمکی د تودوالی په اثر به په بیره اقلیمی بدلونو نه مینځ ته راشی. ویل کیږی چه په قطبی نیمه کره کښی چه مونږ په کی ژوند کوو پسرلی به دوخته راځی او د اورښت اندازه به زیاته شی. همدارنگه د اورښت شکل به توپیرلری او په ځینو سیمو کی به اورښت کی په سلو کی شل کمښت راشی. په ځیو ځایونو کی به چه له اول څخه ساړه وی د کرنی د تولید اتو لپاره به مساعد شی او ښه حاصلات به ورکړی. تراوسه پوری په یقینی ډول نه ده معلومه چه په قطبی نیمه کره کښی د لوړو حاصلاتو علت د باران او تودوخی زیاتوالی دی او که څرنگه؟ ایا دا زیاتوالی به د کمبود مخه ونسی؟ همدارنگه دنړی زراعتی تولیدات به په ساحلی سیمو کی ر سیلابو نو په اثر

متاثر شی. بله ستونزه داده چه د سیندونو خوړی او به به چه کرنه کښی ورڅخه کار اخیستل کیږی ککړی شی په متحوله جهانی اقلیم کی د وچکالی او سیلابو نو له میځه وړل هم ناممکنه ده.

۲- د نړیوالی تودوخی په اثر به د حشراتو، قارچی او ویررسی نارغیو بروز هم زیات شی او د لوړو حاصلاتو دا خیستلو په لاره کی به ستونزی مینځ ته راشی. همدارنگه د حاصلاتو په زیرمه کولو کی هم ستونزی مینځ ته راوړی. د تودوخی د درجی لوړوالی نه یوازی د حشراتو زیاتوالی سبب کیږی بلکه ددوی د مهاجرت سبب به هم وگرځي یعنی هغه ځایونه چه ددوی لپاره ډیر تاوده دی له هغه ځایو څخه لیږدی همدارنگه د تودوخی د لوړو درجو په اثر به مهمی ناروغی او مضره حشرات مینځ ته راشی چه د متخصصینو لپاره به چلنج وی. ددی لپاره چه له نویو حقایقو سره مخ شو د ستونزو دله مینځه تللو لپاره نوی تکنولوژی او ستراتیژی چه په پرمخ تللو هیوادو کی مینځ ته راځی چی بیا به د پرمختیایی هیوادونه مجبور دی چی هغه تعقیب کړی.

۳- روغتیایی ستونزی: د تودوخی د درجی لوړتیا به بشری روغتیایی ستونزی مینځ ته راوړی د ځکلو اوبو او خوړو په برابرولو باندی به منفی اغیزی

وکړی. دنړیوالی تودوخى زیاتوالی چی دلوړو ښارونو مینځ ته راتگ ورسره یو ځای دی دنویو ناروغیو په مینځ ته راوړو او هغه ناروغی کومى چی د هغوی له منځه تلل اټکل کیږی دبیرته مینځ ته راتلو سبب گرځی. ډاکټر پال اپشتاین ادعا کړیده چه په هغو ښارونو کی چه په کافى اندازه حفظ الصحوى چاری موجودی نوى دداسی حشراتو د یو دم زمینه برابر دی چه بکتیریا او وایرس لیدو دی ده په یوه بین المللی کنفرانس کی وویل چه د تودوخى جگیدل او د نفوس زیاتوالی د ذات البینى تعامل په اثر به بېولوژیکى طبیعى مدافعه زیانمنه شی او په دى ترتیب به بشرى روغتیا ته ضرر ورسیدی.

داد خطر زنگ دی چه دنړیوالی تودوخى لوړېدو په اثر نړى ناروغی کله کولوا، سل چیچک په قوت سره بیرته مخ په راگرځیدو دی. هغه اقلیمی شرائط لکه د تودوخى جگه درجه او جگ نسبتی لمډل ددى ناجورتیا د زیاتیدو لپاره ضرورى ده. غینى عمده ناروغتیاو په نم او تودوالی کی ښه ژوند کوی او مقاوم ډولونه نى مینځ ته راځی. هغه نفوس چه له دى شرائطو څخه زمانن کیږی او د پرمختگ په حال

کښی ژوند کوی په تیره هغه کسان دی چه عایدی لری. د هغه الجى ډیره زوروره وده (plankton) چه سمندریی په سره او

احتمال لری چه له دى ستونزی نه د پرمختگ په حال کی هیوادونه زیات زیانمن شی. دا ځکه چه دا هیوادونه غریب دی د پوهی سطحه یی ټیټه، او خواردی چه نشی کولای ځان د ناوړه معیشتی شرایطو سره برابر کړی څرنگه چه دنړیوالی تودوخى لوړوالی له حد نه زیات صنعتی کیدو څخه مینځ ته راغلی دی نو باید ددى مسؤلیت پرمخ تللی نړی په غاړه واخلي. او بیرته پاتى نړی څخه څه تمه ونلری دا ځکه چه دوى له تخنیکى نظر نه ډیر مخکى دی داد دوى مسولیت دی. دوى باید په دى کارونو کی خپل مسولیت ادا کړی او فعاله برخه واخلي یوگډ پلان جوړ کړی چه ټول هیوادونه په دى مبارزه کښی برخه واخستى شی او دوى په جدی ډول ټینگ نظارت وکړی

۵- وروستی پرمختیاوې: په دى وروستیو کی چه د (I.P.C.C.) غونډه د چاپان په کیوتو کښی دائره شوی وه ښی چه داغونډه به چټکى نتیجى ولری چه په نژدی راتلونکى کی په عملی شی د ۱۶۰ هیواد د نولس زره کسانو چه په دوى کښی ۲۵۰۰۰ تنه دمخلفو ځانگو عالمان وؤ برخه اخستى وه او فیصله یی وکړه چه د کاربن ډای اکساید

ددى لپاره چه
د دنیا له تودیدو په ضد د چټکى
پرمختیا په هکله موثر تدابیر نیول شوی وی نو
لازمه ده چه په دى هکله په بین المللی سطحه
تصمیمونه ونیول شی ځکه چه
اتمسفیر ملی سرحدات
نه پیژنی

نصواری رنگ اړولی ده په بنگله دیش کښی دلوړو ویا (کولرا) د انتقال سبب گرځیده کشف شوه، ښائی دا الجى د خړو ویاو ډکبانو او نورو ژویو په واسطه هلته تللی وی چه دا اوبه هلته څښل کیدی. دا عملیه په تور سمندر گى کی تکرار شوه چه په ماسکو کی یی ویا مینځ ته راوړه.

د ځمکى دکړی د تودوالی د مخ نیوی لپاره مسؤلیتونه:

۴- که څه هم چه د نړیوالی د تودوخى د لوړیدلو او دعواقبو مسؤلیت له پرمختللو هیوادو سره دی خو ډیر



دربزرگداشت از ماه مبارک رمضان

ماه رسول قرآن عظیم الشان

قرآن، چراغی فرا راه آدمیت

نوشته: حنا

طولانی ترین سوره های قرآن، سوره مبارکه بقره (۲۸۶) آیه و کوتاه ترین سوره ها «کوثر» است با سه آیه از خود قرآن کریم، در آیات شریفه با عناوین و اسامی گوناگونی یاد شده است مثل: قرآن، فرقان، نور، کلام الله، ذکر، احسن الحدیث، مثانی، تنزیل، بیان، بلاغ، مبین، مجید، کریم و کتاب.

هر یک از (۱۱۴) سوره قرآن شریف اسمی دارد، بعضی سوره ها هم به چندین نام یاد شده است، به عنوان مثال: سوره «حمد» بیست و چند نام دارد، نام بعضی از سوره ها هم به اسم پیامبران الهی است، مانند سوره های یونس، هود، یوسف، ابراهیم، محمد، نوح، و... و نام بعضی از سوره ها طه، ص، یس، و اکثر سوره های دیگر به نام پدیده های طبیعی، حیوانات، گروه های اجتماعی و حوادث تاریخی می باشد، نام سوره ها اکثر به تناسب مسأله ای است که در سوره مطرح شده، یا از موضوعات گوناگون یک سوره، چشمگیر تر بوده است.

اندیشمندان و عالمان در باب معنای سوره نگاشته اند که کلمه سوره، از ریشه لغوی سور گرفته شده است، سوره به معنی رفعت و منزلت است. با روی شهر را سور می نامند و سوره بخشی از قرآن است همانند شهری که حصار و دیواره های آنرا از قسمت دیگر جدا می کند.

بخشی از مباحث شناخت قرآن کریم، شناخت آیات و سوره های مکی و مدنی است و نیز شناخت آیاتی که در مکه در باره اهل مدینه نازل شده و در مدینه در باره اهل مکه سوره ها و آیه های مکی به آنهایی گفته میشود که قبل از هجرت نازل شده باشند سوره های مدنی، به سوره هایی که بعد از هجرت نازل شده اگرچه در مکه باشد.

بعضی از علما هم ملاک مکی یا مدنی بودن سوره ها را نزول آنها در مکه یا مدینه دانسته اند، نه قبل از هجرت و بعد از هجرت.

مسلمان بودن و بیگانه گی با قرآن سازگار نیست، اعتقاد به اسلام و نا آشنایی نسبت به کلام الله مجید گناه است.

پنده خدا بودن و با پیام خدا انس نداشتن، باور نکردنی است، ادعای دوستی خدا کردن، ولی کلام دوست را نخواندن و نفهمیدن، قابل قبول نیست، با این حساب، وظیفه یک مسلمان نسبت به قرآن کریم آنست که کتاب مقدس آسمانی را که مجموعاً پیامهای الهی و وحی خداوند (ج) به پیامبر بزرگ اسلام حضرت محمد (ص) و حاوی دین اوست، در مرتبه اول بتواند درست بفخواند، از آن پس معنی آیات مفهوم سوره ها را درک کند و در مرحله سوم به دستورات قرآن عمل کند و در عمل هم اخلاص داشته باشد و در راه تحقق بخشیدن به اهداف آن و اجرای قوانینش بکوشد.

برای شناخت تفصیلی قرآن و آشنایی با دریای مواج حقایق آن و سیراب شدن از کوثر زلال و گوارای معارفش، جد و جهد بسیار و همیشه گی باید کرد، ولی برای بدست آوردن شناختی کلی و اجمالی نسبت به کل این کتاب مبارک و محتوای سوره های آن، حد اقل کاری است که برای هر مسلمان ضروری و حتمی است. قرآن که معجزه جاودان پیامبر بزرگ اسلام است، کتاب شناخت و معرفت است، کتاب انسان سازی و تربیت بشر است، کتاب نور و روشنائی و حکمت است، کتاب اندیشه و تفکر و خدا شناسی است.

قرآن کتاب ایمان و عمل صالح و جهاد و عدالت اجتماعی است این کتاب مقدس الهی به تدریج در مدت (۲۳) سال در شرایط گوناگون و طبق نیاز نازل شد و احکام و مقررات و عقاید و معرف اسلام از طریق وحی به حضرت رسول کریم (ص) رسید و حضرت پیغمبر (ص) هم آیات کتاب را به مردم ابلاغ کرد. قرآن مجید (۱۱۴) سوره دارد و بیش از شش هزار آیه و مجموع قرآن را هم به سی جز تقسیم کرده اند و هر جز هم از چهار قسمت بنام حزب تشکیل یافته است.

پروردگار مردم، فرمانروای مردم و معبود مردم، از شر وسوسه گران، از جن و انس پناه ببرد.
سوره مبارکه «ناس» شش آیه دارد.

تین (انجیر)

درین سوره به انجیر و زیتون و طور سینا قسم یاد شده است. تین و زیتون نام دو میوه است، یا به درخت دو میوه قسم یاد شده است و به قول بعضی ها نام دو کوهی است که دمشق و بیت المقدس برآن استوار گشته، رمز سرگند خوردن به این دو کوه و به طور سینا آن است که این سه جا خاستگاه و محل بعثت بسیاری از پیامبران بوده است.

بعد از همه این ها، سخن از انسان و آفرینش او و ایمان و عمل صالحش می باشد و اینکه در اثر بی تقوایی، انسان به پست ترین جایگاه هاهم سقوط می کند، مگر مؤمنان صالح.

این سوره در سال سوم بعثت نازل شده و هفت آیه دارد.

پس (از حروف زمر قرآن و خطاب به پیامبر):

درین سوره مبارکه، پایه های سه گانه دین (توحید، نبوت، معاد) مطرح شده و نیز حالت مردم را در قبول و رد دعوتها و سرانجام مجرمین و متقین را در قیامت بیان کرده است. و از رویش گیاه در زمین مرده، رویدن باغها و میوه ها، زوجیت عمومی در مخلوقات، شب و روز و ماه و خورشید و حرکت کشتی ها در دریا، به عنوان آیه و نشانه پر خدا یاد شده است.

این سوره مبارکه «قلب قرآن» هم نامیده شده است و همچنان به «ریحانة القرآن» هم معروف است.

عنکبوت:

با تشبیه کردن کافران در عقاید الحادی خودشان به عنکبوت که سست ترین خانه ها را دارد و تار و پودش در برابر بادها در هم می ریزد، سستی بنای اندیشه، مشرکان و ماده گرایان را باز گو می کند که حباب اندیشه های شان بر روی سرباهی خالی و پوچ استوار شده است.

این سوره به طور کلی، در گهری ایمان آوران را بافتنه انگیزی ها و کار شکنی ها و اغوا گریهای مخالفان بهان می کند و نمونه هایی چند از زنده گی حضرت ابراهیم و انبیای دیگر وفدا کارهای شان در راه خدا می آورد و مومنان را به یاد تکالیف و تعهدات و صبردرین راه می اندازد. مشتمل بر (۶۸) آیه است.

حدید (آهن):

در آیه (۲۵) از آهن به عنوان مظهر قدرت و منفعت در کنار نازل کردن کتاب و میزان (سمبول مکتب و عدالت اجتماعی) یاد می کند، هدف اصلی این سوره شریف، تشویق به اتفاق در راه خداست که از ایمان و تقوا سر چشمه می گیرد.

این سوره مدنی است با (۲۸) آیه در سال پنجم هجرت نازل شده است.

نزول اغلب سوره های کوتاه قرآن مجید در یک نوبت و یک پارچه بوده است و همچنین بعضی از سوره های متوسط قرآن، حدود پنجاه و سه سوره از سوره های این کتاب آسمانی به این صورت فرود آمده است، ولی بیشتر سوره های بزرگ در چند نوبت و به مناسبت های گوناگون نازل شده و بعداً مجموعه آنها بصورت یک سوره در آمده است، که گاهی فاصله زمانی آیات نازل که در یک سوره آمده به چند سال هم می رسد.

باید دانست که در مورد درک و فهم و شناخت آیات و سوره ها از «شان نزول» سخن گفته می شود. «شان نزول» یعنی شناخت موقعیت و مناسبتی که در آن آیات نازل شده است، این شناخت به ما کمک می کند که آیات و معارف آنها را بهتر و دقیق تر درک کنیم، انگیزه و حکمت بعضی از احکام را بدانیم و آیاتی که مفاهیم کلی است، مصداقهای جزئی و خاص آنها را بشناسیم. همچنان در باب تفسیر قرآن باید گفت که تفسیر به معنای روشن ساختن و پرده برداشتن از روی یک چیز است علم تفسیر یکی از علوم مهم اسلامی مربوط قرآن است، علمی است که برای ما کشف پرده از چهره الفاظ و آیات قرآن می کند و ما را به فهم مفاهیم واقعی قرآن و او امرخدای تعالی نزدیک می سازد. «تفسیر» یا در مورد الفاظ مشکل و غیر مانوس است که موجب ابهام در فهم معنی آیه یا آیاتی می شود، یا اینکه مواردی بصورت مجمل و مختصر بیان شده که احتیاج به توضیح و تفصیل و تشریح دارد.

قرآن، این کلام مقدس خداوندی را که کتاب همیشه گی و همه جانبه و جامع است باید شناخت و با سوره ها و آیه های مبارکه آن که پیام آسمانی است آشنایی عمیق و درک دقیق حاصل کرد.

آری، برای آشنایی و شناخت سوره های قرآن پاک با دقت تمام به خوانش و آموزش پرداخت و اینک با آنچه گفته آمد، درینجا باب آشنایی با چند سوره مبارکه قرآن را می گشائیم:

فاتحه (گشاینده)

چون قرآن با این سوره شروع شده و آغاز گرقرآن است فاتحه نامیده شده است و به خاطر حمد و ستایشی که درین سوره از خداوند بعمل آمده، نام دیگر سوره «حمد است» و نیز بنام «شکر» و «واقیه» و «نور» و «ام الکتاب» هم از آن یاد می شود. این سوره هفت آیه دارد و در سال سوم بعثت نازل گردید است و چهل و سومین سوره است که در مکه نازل شده است.

فلق (صبح)

درین سوره مبارکه فرمان به پیامبر است که به خدایی که آفریدگار فلک و سپیده دم است، از شر همه پدیده ها و شر ظلمت، فراگیر و جادوگران و حسودان پناه ببرد. این سوره در مکه نازل شده و دارای پنج «آیه» می باشد.

ناس (مردم)

درین سوره، خداوند به پیامبر اسلام (ص) فرمان داده که به

ایا موزیم ملی افغانستان احیاء خواهد شد؟

سپک (SPACH)

انجمن حفظ میراثی فرهنگی افغانستان

گفت و شنودی با خانم نانسی جیج دوبری موزخ و افغانستان شناس
رجسته و عضو انجمن حفظ میراثی فرهنگی افغانستان- سپک (SPACH)

خانم دوبری زندگی خوش را در آسیای
جنوبی جاییکه پدرش اولین پیشقدم انکشاف
روستا ها بود آغاز نموده بعداً در میکسیکو
رکوستاریکا هم زندگی نموده. بعد از اخذ درجه
ماستری از یوونتورن کولمبیا در لسان چنایی

مشاور فرود فرودیشن وزارت تعلیم و تربیه
پنجاب در لاهور کار نموده است.
بعد از عروسی با Louis Dupree
لوتیس دوبری که باستان شناس و بشر شناس
بود در کابل و در قریه های
نزدیک ساحه، حفريات چندین
ماه سال را زندگی نموده
است.

خانم نانسی دوبری را به ارتباط انجمن حفظ
میراث های فرهنگی افغانستان (SPACH)
به نشر میسپاریم:

سوال: خوب خانم دوبری بهتر است صحبت
را از سفر های تان به افغانستان آغاز نموده و از
شما بپرسیم که نخستین سفر تان به افغانستان
در کدام سال و به کدام ولایت و مناطق
افغانستان بود؟

جوابه: اولین بار در سال ۱۹۶۲ به
افغانستان سفر نمودم، به استثنای ولایات
نیمروز و خوست تقریباً از تمام ولایات افغانستان
دیدن کردم. البته حکومت وقت بنا بر عدم
امکانات و تسهیلات رفیق به نیمروز و خوست
را به سیاحین مشوره ندادند. در سال ۱۹۶۶ با
لوتیس دوبری عروسی نمودم وی در آنوقت
حفريات در ولایات هلمند را به اقام رسانیده و
در صفحات شمال مصروف کار بود و من هر
سال ماه های جون، جولای و اگست را در قرا
نزدیک های حفريات زندگی مینمودم، با ریاست
گرخندوی همکاری داشتم کتاب رهنمای
گرخندوی را نوشتم، که شامل رهنمای وادی
بامیان در سال (۱۹۶۳)، رهنمای تاریخی
کابل (۱۹۶۵)، رهنمای مصور هرات
(۱۹۶۶)، سرک بلخ (۱۹۶۷) و در باره موزیم
ملی افغانستان با لوتیس دوبری در
(۱۹۷۴) بود.

خانم نانسی در سال
۱۹۸۹ در موسسه اکبر در
پشاور، با مرکز منبع و
معلومات افغانستان
(ARIC) که جامعترین مرکز
منبع اشیای افغانی در منطقه
است همکاری آغاز نموده و
در بیست سال گذشته مقاله
های بیشمار در باره جوانب
مختلف کلتوری افغانستان
نوشته و چاپ نموده اند. تا
گفته نباید گذاشت که خانم
نانسی از جمله اعضای
مؤسس انجمن حفظ میراث
های فرهنگی افغانستان

(SPACH) میباشد.

اینک درین شماره مجله انکشاف بخاطر
معلومات بیشتر خوانندگان عزیز مصاحبه



کابل واقعاً يك شهردوست داشتني بود.

بعيت مشاور و تئوتشكر در تعليم و تربيه انسانيت
حکومت سيلون، بعداً بعيت متخصص انکشاف
رقاء (UNTA) پاکستان، و به حيت

زندگی در آنجا بسیار خطرناک است چطور امکان دارد؟ وقتی پرايشان گفتم که شما مردم خود را نمی شناسید مهربان و مهمان نواز هستند، و زندگی با آنها هیچ مشکل ندارد، واقعاً حکومت مرکزی مردم خود را شناسایی نکرده و از خصوصیات آنها واقف نیستند.

سوال: شما تا حال کدام آثار و کتابها را در مورد افغانستان نوشته اید؟

جواب: من در باره افغانستان تقریباً در حدود ۱۸۰۰ الی ۲۰۰۰ نشریه نوشته ام.

بیشترین کار من با شوهرم بوده است. نوشته هایم بیشتر در مورد تاریخ، رهنمایی سیاحت، کلتور (موزیم، باستان شناسی)، رسوم اجتماعی و یا فلکور، محیط زیست، تعلیم و تربیه، مهاجرین و پراپلم های آنها، زراعت، زنان، زنان و قانون، و غیره بوده است.

سوال: آیا (SPACH) اقداماتی در مورد احیاء و جمع آوری آثار تاریخی افغانان نموده است؟

نظر شما در مورد پلان آینده احیای میراثهای فرهنگی و تاریخی افغانستان چیست؟

جواب: انجمن حفظ میراث های فرهنگی افغانستان SPACH یک موسسه بیطرف و یا غیر جانبدارانه بین المللی بوده که برای افزایش معلومات و آگاهی در باره، میراث ها و حفظ آن بپورود آمده و کوشش مینماید که مردم را آگاهی بدهد که چطور مشکل را درک و آنرا بادیگران طرح و راه حل آنرا جستجو نمایند.

قبیل از جنگ در افغانستان، تنها تاریخ سیاسی تا حدی تدریس میشد و آنهم در مورد سلاطین و پادشاهان بود اما از تاریخ میراث ها و آبدیات فرهنگی و کلتوری و افتخارات تاریخی کشور نام برده نمیشد. از طرف دیگر بیست سال جنگ، و دوری از وطن اطفال و نوجوانان در دیار هجرت مصروف فراگیری و رق بزنید

بگویم که بنابر خواست حکومت نتوانستم از نيمروز و خوست دیدن نمایم زیرا آنها نمیخواستند نظر به شرایط نامساعد آنجا بعد از تهیه رهنمای این دو ولایت توریست ها از آنجا دیدن نمایند.

باید بگویم که کابل واقعاً یک شهر دوست داشتی بود. زنان، مردان، جوانان، پوهنتون، هوتلها و رستورانها، موسیقی و غیره شادابیت خاص داشت. همیشه به آسانی دوستان افغانی پیدا کرد.



عمارت موزیم کابل واقع منطقه دارالامان کابل

هر سال سه ماه جون، جولای و اگست را در قریه های مثل باپه درویش و آق کوپرک میگشتاندم. و قتیکه در قرأ و دهات زندگی میکردم دریانتم آنچه را در مورد زنان دهات افغان میگفتند: (شرایط زندگی برای زنان دهات دشوار است) صحت ندارد و دانستم که زنان دهات بقدر نیرومند و با شهامت هستند. در حالیکه زنان و مردان افغان که در کابل زندگی میکردند از رفتن به دهات و قرأ هراس داشتند من برای آنها گفتم که من به قریه- آق کوپرک رفتم، همه تعجب میکردند و میگفتند که

سوال: لطفاً از برداشت ها و خاطرات جالب اولین سفرتان به افغانستان چیزی بگویند؟
جواب: بعد از عودت از اولین سفرم به بامیان با عبدالوهاب طرزی رئیس گرخندوی ملاقات نمودم. محترم طرزی از چگونگی سفر من به ولایت بامیان پرسیدند؟ گفتم که بامیان یکی از عجایب دنیا است اما هنوز این ولایت کتاب رهنمای توریزم ندارد مردم چطور در مورد تاریخی بودن آن بداندند؟ و این یک کمبود جدی میباشد. طرزی در مورد تهیه آن با من

مرافقه نموده و خواهش نمودند تا رهنمایی درباره آن بنویسم. همان بود که رهنمای توریست وادی بامیان و رهنمای کابل را نوشتم. نظر به علاقه بی که با تاریخ دان شهر پروفیسور احمد علی کوهزاد داشتم محترم عبدالوهاب طرزی مرا با وی معرفی نمود باید گفت که محترم کوهزاد واقعاً یک تاریخدان خوب بود. بعداً رهنمای هرات، سرک بلخ، سنگان، تاشقرغان، کندهار و غیره را نوشتم. نظر به خواهش محترم طرزی رهنمای عمومی افغانستان را تهیه نمودم. ولی با تأسف باید

درس هستند از تاریخ و میراث های پر افتخارفرهنگی آبیایی خویش در باره افغانستان اندک معلومات ندارند حتی افغانهای که در سن ۴۰ یا ۵۰ قرار دارند از تاریخ میراث ها آبدات فرهنگی و کلتوری و افتخارات خویش آگاهی ندارند، بگونه مثال يك خانم افغان تحصیل یافته در حدود پچل ساله که در یکی

از موسسات بین المللی مصروف کاراست وقتی تصاویر و منظره های نشریه های مرا در مورد افغانستان دید درحالت بهت زده و تعجب میپرسد این افغانستان است؟ بلی این کشور باستانی و پر افتخار پلران تو است که متأسفانه تو از آن بی خبری درحالیکه شما مردم افغان مسرولیت حفظ و نگهداری آنرا دارید،

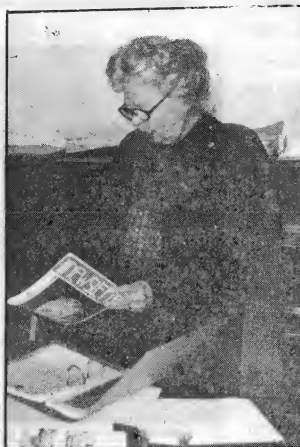
محترمه خانم نانسی در حالیکه فوتوهای آثار باستانی را که با نهایت دلسوزی و علاقمندی در الوم ها جابجا غوده بود نشان داده و در مورد هر یک توضیحات مختصر و جالب دادند و اضافه نمودند

که افغانها آثار بسیار زیبا مناظر زیبا و دوست داشتنی دارد:

این مسئله در قانون آثار تاریخی و فرهنگی چنین تسجیل شده است: آثار تاریخی و فرهنگی افغانستان مربوط مردم آن بوده که در راه تکمیل میراث های فرهنگی عالم بشریت سهم و نقش مثبت ملت افغان را انعکاس داده و برجسته میسازد. حفظ آثار تاریخی و فرهنگی وظیفه دولت و مردم افغانستان است. در حالی این جملات را میگفت

که از چهره اش غم و اندوه و تأثر مشاهده میشد و با گلی گرفته ادامه داد:

به این تصاویر نگاه کنید. این تصویر آبی خانم است. شرقی ترین شهرک یونانی بوده که تا حال کشف شده و در تقاطع دریای کوکچه و آمر در ولایت تخار موقعیت دارد. تاریخ آن از قرن چهارم تا قرن دوم قبل از میلاد



من در باره افغانستان در حدود ۱۸۰ الی ۲۰۰ نشریه نوشته ام.

تثبیت شده است. در تصویر حفريات پيشمار دیده میشود وی اضافه کرد که این حفريات همه غیر قانونی و غیر فنی سالهای اخیر بوده که آثار را به شکل بیرحمانه آن بدست آورده و قاچاق مینمایند. و برای مردم افغانستان و فرهنگ تاناک شان خطرناک است.

بعداً با سبیلای که غم و اندوه در آن آشکار بود به تصویر دیگر اشاره نمود و گفت: موزیم کابل که روی از غنی ترین موزیم های جهان محسوب میگردد امروز ۸۰ فیصد آثار آن به

یغما برده شد و تاراج گردیده اما غنوتیاریم بگوریم که همه آثار به یغما برده شده است شاید بعضی آنها در جای محفوظ باشند. نکته دره انگیز این است که یکی ازین آثار اوزشمنند بعد از سرقت بفروش رسیده است کسانیکه این تابلوی حکاکي شده را فعلاً باخود داشتند قیمت آن (۲۵۰۰۰۰) دالر گذاشته است که واقعاً از توان خرید بالا است ولی با تأسف باید گفت که این مدال قیمت بها و اوزشمنند تاریخی هم از افغانستان به سرقت برده شده است.

بدیمتوال شش مدال بزرگ دیگر را هر يك به قیمت (۱۵۰۰۰۰) دالر قیمت گلزاری نمودند. بعد از يك نیم سال صحبت به خرید آن به قیمت پایاتر موفق شدم. که این شش مجسمه فعلاً نزد SPACH موجود است و در شرایط صلح دوباره برگردانیده خواهد شد.

آثار تاریخی وادی با میان مربوط قرن سوم میلادی میباشد. در وادی با میان بالای پلان ترمیم بلند ترین مجسمه با حزب وحدت کار میکردم. بعد مسرولیت حفاظت آنرا طالبان بهمه گرفتند، متأسفانه در شرایط جنگ کنترول بالای ملیشه دشوار بوده و یکی از طلبای کرام با غیر راکت به قسمت بطن آن سوراخی بزرگی بوجود آورده است.

قلعه با طاق بست لشکرگاه به ترمیم ضرورت دارد در غیر ان این اثر گرانبها را از دست خواهیم داد.

منار جام غور از قرن ۱۲ میلادی در ولایت غور یکی از آثار با ارزش و ناب جهان بوده و خطر دریا آنرا تهدید میکند. برای تحکیم کنار دریا SPACH گبین کاری کنار دریا را با متخصصین ناروی عقد قرار داد غوره تا منار جام را از خطر سقوط و تخریب حفظ کند. متأسفانه قبل از عزیمت منخصصین ناروی به محل کار مشکل UN و NGO ها بقیه در صفحه ۵۶

رینفورم دهات

احمد سیر

این نقیصه دست زدن به تغییرات در عنعنات و رسم و رواج های اهالی دهات کاری است بغرنج و پر پیچ که باید با آن مجادله نمود و طرقي را دریافت کرد تا حل مطلب شده به هدف نهائی نایل شد. در اینجا لازم به تذکر است که غرض رسیده گی به حالات فوق الذکر ایجاب میکند تا در طرح و تطبیق پلان و احیای مجدد کشور قدامت را در جهت ترقی و انکشاف دهات در نظر گرفت و شامل کار های اولی ساخت.

اهالی ده مردمانی بی آرایش و دارای قلب پاک میباشند که تغییرات را به کندی و به سخت قبول میکنند. لذا لازم است در پروسه نو آوری باید جهات مثبت ستراتیژی کار را در نظر گرفت و مراتبیکه اهالی نظر ما را بپذیرند باید قبل همه افکار آنها را به ان جلب نمود. زیرا که عدم آمادگی آنها در تطبیق پروگرام اصلاحی برعکس به ناکامی روبرو میشود که جنبه منفی ان باعث ضیاع وقت و خساره مالی میگردد.

وظایف اساسی پروگرامهای اصلاحی انکشافی زنده گی در دهات را علی الاکثر دگر گونی عمومی در قیامی ساحات و عرصه های زنده گانی مردم آنجا تشکیل می دهد که باید تمامی ساحات در تغییرات شامل گردند. بگونه مثال تغییرات مذکور

دورق بزنید

فلاحت و چوپانی و رمة داری بدوی تشکیل میدهد.

در رابطه پژوهشهای مزیدیکه از طرف علما و دانشمندان علوم اجتماعی، خصوصاً سازمانهای اجتماعی و سازمان جهانی مواد و خوراکه جهان (F.A.O) بعمل آمده در خور ستایش است. طبق راپوریکه از سازمان FAO بدست آمده عاید ملی سرانه سالانه یکنفر دهاتی کمتر از یک بر سوم حصه عاید افراد را می سازد که در شهرها سکونت دارند. از همه افراد جامعه زنهای حالت بدی را سپری مینمایند. زیرا که آنها در فقر، فقدان مواد غذایی، صحتی و آموزشی و پرورشی و سایر خدمات اجتماعی در یک سطح کاملاً پائین قرار دارند.

افغانستان نیز از زمره کشورهای عقب مانده و یا جهان سوم قرن ما بوده که به عین مصیبت و حتی بدتر از همه قرار دارد. هویداست که زنده گی مردمان دهات مانیز بمراتب رقت بار و حاوی وضع ناخنجار بوده است در جامعه ما که اکثریت نفوس آن راءردمان ده تشکیل میدهد اقتصاد نابسامانی را به پیش میبرند. مشکلات عدیده آنها از ناحیه اقتصادی و اجتماعی کاملاً قابل دقت است و جهت رفع

از زمره خصوصیت های کشور های عقب مانده یکی هم زنده گی اکثریت نفوس آن کشورها در دهات است. که به آنها از هیچ نگاهی کمکی صورت نگرفته و توجه مبذول نگشته است، بنابر مبنای عدم رشد در ساحات و جهات مختلفه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی چنین کشور ها عدم رشد دهات و قصبات آنها نیز به اصطلاح «پسه پر های» بوده و برخلاف کشورهای، انکشاف یافته تحرکی از آنها دیده نمیشود. بنابر همین علل و سایر علت های دیگر زنده گی درم و برهم مناطق دور از مرکز حالت کاملاً فلاکتباری را میگذرانند و همین موضوعات سبب میشود تا عده کثیری از نفوس کشور های جهان سوم در دهات به کشت و زراعت، مالداري و گله داری و تربیه حیوانات و مواشی اشتغال ورزیده و امرار حیات نمایند. چون افراد این مراجع الی الاکثر به زراعت اشتغال دارند و آنهم به شکل عنعنوی آن و از تکنالوژی عصری کاملاً بی خبر، لذا در قدم اول تغییرات در نوع زراعت و رینفورم زراعتی در خور تعمق است. و تغیر در سیستم اجتماعی محیطی آنها سست و بطی میباشد در حقیقت گفته شده میتواند که اساس زندگانی اقتصادی و اجتماعی دهات را همانا زراعت عنعنوی،

رامپتون در عرصه های صحی، تغذی، انکشاف ساحه وی، آموزش و پرورش (تعلیم و تربیه)، رهنمای خانواده و خدمات عامه با در نظر داشت مناطق نیازمند که در بهبود سطح زنده گی دهاتی ها رول داشته باشد متمرکز ساخت. به همین قسم شرایط زنده گی افراد ازبویه گیهای خاص برخوردار است که از طریق برنامه های مخصوص قابلیت تغییر را دارند و در کارهای روزانه و غیر رسمی لطمه را وارد آورده نمیتواند. و به شکل يك آلترنیٹف خوب در عملی ساختن برنامه عملی از آن کار گرفته شده میتواند. از این سبب تطبیق این نوع برنامه ها مورد قبول خود اهالی دهات قرار میگردد. و راه را برای تحول دگرگونی در زنده گانی مردم آنها هموار میسازد. و مردم را وادار به تطبیق و سهمگیری ساخته و در جهت سرعت عمل کمک یاری میرسانند. در مرحله اول مسأله عمده همانا آماده ساختن مردم دهات به سوی پذیرش میباشد، چینیکه از طرف آنها اطمینان حاصل شده تطبیق پروگرام به سهولت صورت می گیرد و تغییر در سایر برنامه های زنده گی آنها را فراهم میسازد.

فکر میکنم که بهترین شیوه رسیدن به اهداف اینست تا سعی شود از تجارب کشورهای مشابه نیز استفاده بعمل آید زیرا که تغییر در زنده گانی دهاتی های کشورهای رویه انکشاف دیگر شبیه افغانستان راه هایی را پیموده و یا می پیمایند که استفاده از تجارب مثبت آنها خالی از فایده نیست. شیوه های استفاده ذیلأ شرح داده میشود:

- آموزشهای غیر رسمی و عناصر آن: یکی از اهداف در تغییر آموزشهای غیر

رسمی و فعالیتها در دهات، همانا بهبود سطح زندگی مردم انجاست که اهالی دهات برای خود و فامیلهای خویش و منطقه خود بعمل می آورند، در این جهت جستجوی مناسب علمی و تخنیکی ضروری است که باید در بین مردم تعمیم شود تا تطبیق آن در پیشبرد کلتور يك تکنالوژی علمی و عملی عصری، صورت پذیرد جای عنعنات و کلتور قدیم را احراز کند. جهت انجام آن دو اصل ذیل ضروریست که به منصفه اجراء قرار گیرد:

۱- تغییرات و تطبیق پلان با در نظر داشت خصوصیات و خواست مردم.

۲- اینکه تغییرات سازماندهی و عملی گردد، که در اینجا آموزشهای غیر رسمی جهت تطبیق برنامه و قبولی تمامی برنامه و پروگرام ها باید ذهنیت عامه را آماده پذیرش ساخت و آنها را در تطبیق بهتر آن راهنمایی نمود و چاره اساسی را دریافت کرد.

البته موفقیت ما در این عمل در گامهای نخست در قبولی مردم نهفته است تا کار ما قابل قبول و منظور نظرشان واقع گردد. بعبارت دیگر عناصر مهمی را که در تطبیق پروگرام و پلانهای تطبیقی شامل اند بحیث جزء در نظر گرفته و مورد تطبیق قرار دارد.

عناصر اساسی را که جهت تغییر باید مورد تطبیق قرار داده شوند و متخصصین آنها را ست و مهم ارزیابی نموده و بشکش میدارند حسب ذیل اند:

استفاده نمودن از دانش مردم ده: واضح است که مردم دهات در مناطق زیست مینمایند که يك ساحه جغرافیائی خاصی را تشکیل میدهد و محل زیست آنها با محیط و ماحول آن ارتباط قابل

ملاحظه می دارد و باوجود پروبلما و مشکلات پایشان عدم داشتن سواد لازم کاستی ها و کمبودها مشکلات شان آگاهی داشته وحتی با تدبیر در رفع آن مبادرت می ورزند. زیرا عده از آنها دارای تجارب و معلومات کافی بوده راجع به نحوه زنده گی شان در منطقه، شرایط زیست و محل زیست خویش تا اندازه خوب میدانند. آنها از محیط زیست خود، از خاک و آب خود و از نباتات و حالات ایکولوژیکی نسبت به موسسات اجتماعی و غیره خوب آگاه بوده و معلومات کافی دارند و میتوانند مشکلات شانرا تا اندازه مرفوع سازند. در تطبیق برنامه های اصلاحی و ریفورم بقدم اول مردم ده در آوردن تغییرمشکوک و هم کاملاً محتاط میباشند و در مقابل تغییراتیکه از بیرون مرزهای شان وارد میشود در نهایت مقاوم بوده عکس العمل نشان میدهند، لذا با در نظر داشت خصوصیتهای آموزش غیر رسمی و تطبیق برنامه ها باید هر دو خصوصیتها یعنی از مردم واز تغییر برنامه در نظر گرفته شوند و در فورمولبندی پروگرام ها عطف توجه بیشتری بعمل آید به عین قسم آنها نظر به موجودیت عده می از عوامل طبیعی و غیره بالای خویش داشته می باشند و در شك و تردید پسر میبرند از انا با متانت باید استفسار و پرس وپال بعمل آید تا مشکلات را خودشان بازگو نموده برملا سازند و خارج از اراده آنها باید تشریحاتی صورت نگیرد و با در نظر داشت فهم و ادراك شان با آنا سر صحبت را باز نموده تا راه حل را جستجو نمایند، مشکلات و طرق حل ان باید با اوشان با مشوره حل و فصل شود. در اینجا غرض معلومات مزید پروژه تجربی کشور

مشابه را مورد مذاقه قرار میدهم.

در کشور بنگله دیش پروژه تجزیهی کلمه Comella وجود دارد که این پروژه در قسمت تغیر و ریغوم دهات دست بکار شده که در آن کارگران طبق پروگرام شامل کار شده اند. میان تطبیق کننده گان برنامه و مردم اسكانات تبادل افکار موجود بوده که شاملین این پروژه را زمینداران خرد و متوسط کارگران بی زمین، کارگرانیکه بالای زمین کار نمیکند، اعضای برجسته یا وکلای شورا، معلمین مکاتب، دوکتوران قریه، روغتیا پال ها، دایه ها و ترسهای ده، متنفذین و روحانیون، جوانهای ده مخصوصاً آئنده از جوانانیکه در مکاتب ناکام مانده، هنرمندان ده، ترکتور چپها، میخانیک ها و واتر پمپ چلاتها و سایر اشخاص بی بضاعت و بی کار و سایرین تشکیل میدهند به همین منوال درجهت تغیرات و تطبیق برنامه، اصلاحی ده از تمامی مردمان با تجربه استفاده نموده و از تجارب متقابل بهره مندی بعمل می آید، که کار به وجه احسن آن پیشرفت نموده نتیجه خوبی از پروژه مذکور بدست آمده است.

هدف از استفاده از تجارب وچیز فهمی و درایت و دانش مردمان قریه اینست تا از موجودیت آنها در راه انکشاف در زمینه تحقیق پلان به شکل مشر آن استفاده و برهمنای آنها در دگر گونی و رشد و گسترش و توسعه، نگرانی اهالی منطقه در پذیرش ریغوم جدید کار گرفت و انها را وادار ساخت تا، تغییرات وارده را در نحوه زنده گی شان جامه عمل بپوشانند و آنرا ملاک عمل شان قرار دهند. عنصر دیگر عبارت است از:

به معیارها و ارزشهای ثقافی وکلثوری

مردم ده ارج گذاشتن:

حرمت وعطف توجه به ارزشهای ثقافی و کلثوری مردم در خور ارزش مهم و قابل اندیشه است که باید حتماً در نظر گرفته شود. زیرا که در پهلوی سایر پروگرام های زنده گی اجتماعی ارج گذاری به ارزشهای کلثوری و ثقافی اهالی ده و قرات قابل دقت است. زیرا در طول تاریخ آن ارزشهای کلثوری در زنده گی دوشا دوش هم بوده و باهم پیوند نا گسستی دارند که از اثر آن در زنده گی اجتماعی نمی توان انکار نمود.

بنابر آنچه گفته شد کلثور و معیارهای ثقافی که به زنده گی انسانها سروکار دارد دارای ارزشمندی خاص خود هست و عدم توجه به آن ممکن است سبب بروز، جار و جنجال شده و در پلان وضع پروگرام ها و تطبیق مرام سد قرار میگردد و پروژه را به سوی نابودی و ناکامی سوق نماید، درحالیکه ارج گذاری به آن سبب پیشرفت امور محوله علی الخصوص تطبیق پلان میگردد. به همین سبب باید تغیراتیکه بعمل می آید مطابق نظریه اشخاص صاحب نظر محل و درتفاهم با آنها تعمیم گردد تا آنچه را که معیارها و ارزشهای ثقافی و کلثوری شان میسازد از نظر دور نندارد.

زمانی هم بعضاً ارزشهای کلثوری و ثقافی نسبت به سایر موضوعات در عملی، ساختن و تطبیق پلان و استراتژی کار زیاد باهم توافق داشته باشند گاهی هم مغایر ناموافق ظهور نماید بگونه مثال آئنده از پروگرامهایتیکه به خواستهای مبرم مردم پاسخ جدی داده و در رفع مایحتاج آنها اثر فوری داشته باشد قابل پذیرش هست

بطوریکه کارها و خدماتیکه مشکلات اساسی آنها را رفع کند، تولیدات و کشت حاصلخیزی زمین های شان را بالا ببرد، فقر و گرسنگی شان را رسیده گی نموده و آنرا محو نماید، مجادله علیه امراض تباه کن و مبارزه علیه امراض مزمن و مدشش، مجادله علیه سو تغذی و از بین بردن اثرات ناشی از آن که بظهور میرسد و غیره صورت گیرد قابل پسند و مورد قبول واقع میگردد. در این برنامه ها بعضاً ارزشهای کلثوری و معنوی مردم عوض میگردد با آئهم و به آسانی قابل تطبیق است. اما آئنده از پروپولیمانیکه ارزشمندی حیاتی قابل ملاحظه را نداشته و دارای ارزش حیاتی اندک باشند باید به تفصیل در رابطه به آنها کار کرد و تشریحات مزید را عنوان نمود و از طرق ترکیب کلثور قبلی و بومی منطقه استفاده نمود و کار را با در نظر داشت به آن آغازید. در جهت رفع چنین مشکلات راه های دیگر هم وجود دارد تا با عملی ساختن آنها می توان به نتیجه رسید. مثلاً از برگزاری نمایشات و آموزش عملی به ستراتیژی کار خود نایل شده میتوانیم. قبل از تطبیق پروگرام در عمل در اکثر کشورهای جهان آموزش قبلی دیده و به عبارته دیگر بالای کارمندان پرووئی را انجام میدهند، که اینعمل آنها جنبه آیین تثین را داشته و با در نظر داشت به آن قبل از آنکه در تطبیق پروگرام موقوف شوند. از مردم و تجارب آنها آگاهی قبلی حاصل میدارند که از زمره فراگیری دانش و معلومات مزید آنها یکی هم ارزشهای کلثوری و فرهنگی آنهاست که در آن دخیل میباشد.

بقیه در صفحه ۶۱

داستان کوتاه

شال سبز رنگ

نویسنده: علی احمد تعمیسی

خاکی هم مجالس عشرت بر پا باشد.

آری، تو ای خواننده، عزیز، علت بیداری مرا درین شب می دانی؟ نه! من خود برایت قصه می کنم:

موجب بیداری من صدای رفت و آمد چند پای محدود و آواز صحبت مشتاق زن و مرد است که از محوطه، غریب و بی چیز همسایه ما در گوشم می رسد، آبا چه حادثه بی در آنها رخ داده است، تنها این قدر محسوس است که مرگ و غمی در میان نیست، بلی، در آنها عروسی دوشیزه بی زبیا است با مرد جوانی!

بیچاره پدر و مادر،
جز همین دوشیزه که پیش از زنده
سال ندارد، فاقد هرگونه
سعادت اند، چیزی ندارند و
حاصل زنده گی پر ملالت
چندین ساله آنها فقط و فقط
همین موجود و تحفه، قشنگ
است که دارای قد موزن،
رخسار مدور، گونه های

لطیف، چشمان مہشی و بر افروخته و موهای سیاه و مجعد است. دختری
است زهره صورت و فرشته سیرت، از سالهاست که با خانواده خود در
همسایه گی ما سکونت دارد، پدر و مادر بیچاره که شش تن از فرزندان
خود را کوچک و بزرگ در آغوش خاک سیاه سپرده اند، امروز مایه امید و

چرا درین شب قوز، گیتی چنین فرخنده و خندان به نظر می رسد؟ چرا
در خود سرور و فرحناکی احساس می کنم؟ چرا بر حسب اقتضای موسم،
حرارت و گرمی شبیه مرا متالم نمی کند؟ چرا جهان بر جهانیان می خندد؟
چرا موجوداتی که در چشم می آیند، شیفته، چیزی غیر محسوس و
مرموزی اند؟

بلی، فلک جشن سرور و شادی بر پا نموده، ماه، عروس شب با کمال
رعنائی سر از حجله پدر
نموده و چهره زیبای خود را
به جهان و جهانیان
مینمایاند، شال نیلگون
آسمان را که با ستاره گان
معمد زینگار است بر سر
دارد، در این دل شب،
هیچ صدایی جز آواز زهره
و صدای چنگ ناهید
شنیده نمی شود، درین
بزمگاه با عظمت جز زحل
و عطارد و مریخ . . .
هیچ چیزی درتردد و

حرکت نیست حتی باد شبانگاهی هم از حرکت باز مانده است، عالم سراسر
در خواب عمیق فرو رفته و ازین منظره، جلال انگیز کائنات و بساط طرب
خیز آن معتمتع نیستند.

امشب نه تنها در عالم بالا عروسی بر پاست، شاید بروی این صفحه،

شادمانی حیات آنها همین يك دختر است و آرزویی در زنده گی جز سعادت و خوشبختی او ندارند.

محبت فرزند طرفه چیزی است که در نهاد انسان گلسته شده، اما محبت این مادر به دخترش مافوق تصور است، مادری که گیسوان خود را سپید کرده و طی يك عمر منزلت و خواری، روزگار لحظه بی هم بروی او نغذیده است، باید محبت او به یگانه دخترش نسبتاً بالاتر از محبت مادران دیگر باشد.

مادر و پدر در صد تأمین سعادت دختر بودند، جوانی از کسان ایشان به طلبگاری آمد، آنهم، پس از غور و تدقیق موشگافانه و با در نظر گرفتن رضایت دختر، در خواستش را پذیرفتند و دختر خود را با او نامزد نمودند، چون از خلق و رفتار، و اهلیت و لیاقت او اطمینان داشتند، به آینده دختر خود ایمان داشتند. جوان هم طوری که آنها تعیین کرده بودند، باهوش، متفکر و صاحب ذوق پسنیده بود، بالا بلند و خوش اندام بود.

درین ساعت شب که با شما از آن حکایت می کنیم، عروس و داماد را بر تخت سعادت و عروسی نشانده اند. شال سبزرنگ پشمی و گلدار، عارض عروس را از نظر مهمانان پوشانیده است. ظرف همواری که محتوی مقلاری از حنای تر کرده بوده و چند عدد شمع کوچک با چند دانه گل مصنوعی در چهار گوشه آن قرار داده شده است، در مقابل عروس و داماد گذاشته شده، به اصطلاح شب حنای آنهاست، چند تن از زنان و مردان که از ده نفر تجاوز نم کنند، به دور ایشان جمع اند، مادر عروس هر لحظه به گرد دخترش می گردد و چیزی آهسته می گوید که تنها این دو گلشن، مختصر بلایت ده سرم، از خلال آن شنیده می شود.

این محفل ساده و غریبانه بسیار پر کیف است، مرا مجذوب نموده، با اینکه عروسبهای مجلل و با شکوه را دیده ام، مگر تا این حد مرامنفون نساخته است. دوسه تن زن و مرد که وابسته گان خیلی نزدیک اند، شروع به خنده و شادی و کف زدن کرده اند، مادر عروس از فرط شادمانی رنگ چهره خود را باخته، حالت چنین آمیزی دارد، زنان دایره را گرفته و سرود حنابندان رامی خوانند. این نقشه بر من تاثیر عمیقی نداشته، مرا با گوش شده ام. او را نمی توانم این چارچوبی را بشنوم، این ها چرا درین شب شادمانی و نشاط آنرا می خوانند، حنابندان و عروسی ما با این کلمات چه مناسبت است؟!

شاید مفهوم آنرا نمی دانند؟ شاید به وزن و قافیه، دیگر ابیات برابر آمده

باشد، و گرنه این شعر و این شب؟!

از کونل نالقلن کسی تیر نشد
از مردن آدمی زمین سیر نشد
بیا که برویم به پیش استاد اجل
مردن خو حق است ولی جوان پیر نشد
حنا بپارید بر دستش بهالید
حنای کابل پر جوز و قونقل

مگر نمی دانم بر دست داماد حنا بپسند یا خیر، فقط این قدر می بینم که جمعیت بر خاست و يك مشت نقل بر سر عروس و داماد تثار کردند، حنا بدان قام شد.

مادر به شوهر:

الحمد لله بخت با ما یاری کرد، شکر دختر خود را به پرده و نام نیک عروسی کردیم و هم داماد ماها ما همخانه است، از خود کسی نلود. دو خراهرش هم از خود خانه و شوهر دارند، شکر دختر داشتیم، خوانند کریم بچه بی هم به ما اعطا نمود.

خیر است، اگر من و تو و داماد ما به عروسی دختر چیزی نداشتیم و آرمانهای ما بر آورده نشد روخت و لباس گرانبها خریده نتوانستیم، چندان قابل غم و غصه نیست، داماد ما ان شا الله مانند يك فرزند اهل و صالح با تو بازو میدهد و ازین فلاکت وادبار نجات می یابیم. آن وقت به خیر قام آرزوها و آرمانهای خود را به شب شش و سستی بچه هایش تمام می کنیم. راستی دیدی عروس و داماد چقدر با هم خوش بودند.

پدر:

زن، تو راست می گویی، دارایی و غریبی از جانب خلاست، هر چه براده. اوست، ما به آن راضی و شاگرد هستیم، شکر تا حال پخته و گرسنه نماندیم، دست ما از روی حاجت پیش کسی دواز نیست. از اینکه تو می گویی به تولدی نوازه های ما آرمانهای خود را تمام می کنیم، آیا تا آن وقت من زنده بخواهم بود؟ تو حیات خواهی داشت؟ آیا خلوند آتقتر هر بر روی دختر ما خواهد داد؟ این ها يك سلسله اندیشه هایی است که انسان را متعجب و اندوهگین می کند.

پس از ادای این جمله اشک از چشمان او روان گشته و عقده ره گفارش را می بیند، مادر زبان به ملامت و تسلی گشوده میگوید بسم الله بگو، درین شب شادی یاد مرگ و مردن چیست؟

دوق یزید

دنیا به امیدخورده شده، از درگاه خدای کریم و توانانایید نا امید بود!

* * *

اینک که یکسال و نیم یا چیزی بیشتر از این واقعه می گذرد، در همسایه گی ما دگر حادثه تاکنون رخ نداده که مورد نظر قرار بگیرد، جوان داما کمر همت بسته به جدیت و فعالیت ادامه داده است.

... ولی باز از دو شب به این طرف اضطراب و هیجان در آن آشیانه سعادت روی داده و آرامی و سکون آنها به یک نوع پریشانی مبدل گشته است. شب و روز در تردد اند، دیشب کمتر، ولی امشب هیجان آنها بیشتر است، خدا رحم کند، در حیرتم چه واقعه روی داده؟ دگر عروسی هم در کار نیست، زیرا آنها دگر فرزندی ندارند. عصر بیگاه و دیر است، هوا تاریک شده، به زحمت می توان چیزی را دید، دم درب منزل رو به کوچه ایستاده به فکر فرو رفته ام، ناگهان از حویلی همسایه ما کسی با فانوس بیرون می آید می خواهم از او چگونه گی را بپرسم، پیش می روم، جوان داماد است، می پرسم:

آقا انشا الله خیرت ایت؟

اضطراب بسیاری بر او مستولی است، سر از پا نمی شناسد، دیوانه وار به من نگرسته می گوید

عقب دایه می روم.

سر به زیر انداخته راه خود را پیش می گیرد.

امشب باز از شبهای شادمانی آنهاست، کودک معصومی با نور پاک خود خانه آنها را روشن می کند، شادمانی که سالها آنها منتظر آن بودند، طفل فرشته رحمت است، با خود سعادت می آورد، تا کوچک است مانند گل نوشگفته بروی پدر و مادر می خندد، مادر از شنیدن هر کلمه و جمله او بخود می بالد، همه سختی ها و ناگواریهای حیات را بروی او حل می کند...

گرچه باز هم شب خوشی آنهاست، مگر این خوشی باشادمانی سال گذشته تفاوت دارد، نشاط و شادمانی آنها درین شب با ترس و خوف مرگ توأم است، هر لحظه برای بیماریم هلاکت است، پدر و مادر حق دارند بی قرار باشند، زن گیسوسپید هر لحظه به درون اتاق در آمده فوراً خارج میشود، طاقت آورده نمی تواند، فرزندی را که بیست سال تمام مانند گل تربیت نموده به زیر یک عالم درد و ستوه مشاهده کند چشم دیدن آنرا ندارد، درین قلب شب هر لحظه به صحن حویلی برآمده جبین بر زمین می ساید.

* * *

شش روز است که باز سعادت به روی این خانواده کوچک و مسعود چهره گشایی نموده، شور و شغف بر پاست، خویشان و دوستان به خاطر اظهار تبریک کودک نو به دنیا آمده می آیند، حرفها با نشاط و خنده آمیخته است، شب گذشته که به اصطلاح شب شش بود، دوستان زیادی دعوت بودند، دیگر تشویش و اضطراب در بین نبود.

اسم کودک را مسعود گذاشته اند.

نمی دانم چرا نگاه مادر جوان پاس آمیز است؟ چرا هر لحظه بدون اراده آه حسرت ناکی ازدل بیرون می کند، ضعیف شده، انشا اله بزودی به حالت عادی می آید، می خندد و حرکت می کند، خیلی جوان است، چرا آزرده و غمگین باشد.

به سرعت از پا نمی افتد و زود نا امید نمی شود.

همه مراحل این شادی تازه طی شد، شب شش و نامگذاری تمام شده...

چرا بعضاً تب بلند است؟ چه شد که آن قامت رعنا از پا در افتاد، چرا متوالیا داد و فریاد بلند است؟ هزیان می گوید، در جواب به جز نام طفل خود چیزی به زبان نمی آورد:

مسعود کجا بی؟ مسعود کجا بی؟ چرا او را از من دور می کنید، مادر جان... مادر... این پیراهن فراخ را از تن من جدا کنید. خدا یا توبه! واخ! مسعود را بگیرد! خارجش کنید... خانه را خون گرفته شوهرش را صدا زده می گوید:

از تو جدا نمی شوم... تو کجا می روی؟ مگنار مرا بپوش، چرا مرا تنها می گذاری... جوان بیچاره سراسیمه عقب دوکتور می رود.

پدر در کنجی خزیده و در های اشک را نذر صحت پایی فرزندش می نماید، گاهی بالای سر او آمده بر عارض و دستانش بوسه می زند و بعد بیرون رفته می گیرد، امشب غیر از خود شان از خویش و قوم کسی در اطراف شان جمع نیست که آنها را تسلی بدهد...

مادر مظلوم از کار افتاده است، پایش توان حرکت ندارد، اشک در چشمانش خشکیده...

آواز قدمها در حویلی شنیده می شود، داکتر پس از پانزده دقیقه معاینه دقیق مرض را تشخیص نموده، از سیماش علایم و خامت مرض هویدا می شود. یک شیشه دوی سرخونگ از بکس خود بیرون آورده و برای مریض توزیق می کند:

بقیه در صفحه ۶.

زبان و ادبیات دری در درازنای زمانه ها

فارسی یادی و استعمال آن در اشعار شاعران

تلخیص و نگارش : خدیجه صدیقی

چنانکه تذکر دادیم زبان دری یا پارسی و یا هم فارسی به همین زبان معمول پس از اسلام اطلاق میشده که اینک شواهد این نکته را به نقل از اشعار شعرا و موجودیت کلمه پارسی، فارسی و دری در لایه لای اشعار شان میاوریم:

همان بیورسپش همی خواندند چنین نام بر پهلوی راندند
کجا بیور از پهلوانی شمار بود در زبان دری ده هزار
(شاهنامه، فردوسی - ص ۸۲ ج ۱)

دل بدان یافتی ازمن که نکو دانی خواند
مدحت خواجه آزاده به الفاظ دری

(فرخی، دیوان مصحح عبدالرسولی ص ۴۰۰)
اندر عرب در عربی گویی او گشاد
و او باز کرد پارسیان را در دری

(دیوان فرخی، ص ۳۸۳)
خاصه آن بنده که مانده من بنده بود
مدح گوینده و داننده الفاظ دری

(دیوان فرخی، ص ۳۷۹)
سمع بکشاید ز شرح لفظ او جگر اصم
چون زبان نطق بکشاید به الفاظ دری

(انوری ابیوردی نسخه خطی)

ورق برزید

در مورد اینکه این زبان را چرا دری و یا فارسی میگویند، سخن بسیار است. در متون کلاسیک اسمایی چون دری، پارسی، فارسی دری، پارتی دری و غیره به زبان مذکور اطلاق گردیده است؛ ولی از آنجاییکه مطالعات نشان داده در اوایل دور اسلامی این زبان را جایی فارسی، جایی دری و جای دیگر فارسی دری میخواندند.

در برخی از روایات از این زبان به عنوان دو زبان جداگانه یاد آوری شده، که (دری) رازبان مختص در بار و درگاه و پارسی یا فارسی را زبان موبدان، دانشمندان و اهل فارس خوانده اند.

به هر صورت، اگر این زبان در نخست دری بوده و در درگاه ساسانیان منجبت زبان تشریفاتی از آن استفاده به عمل میامده، بعداً من حیث زبان علمی و ادبی در سرزمین فارس در میان مردم مورد استفاده قرار گرفته است که از این لحاظ (فارسی) یا (پارسی) شده است، چونکه زبان مردم سرزمین فارس گردیده.

صرف نظر از این گفته ها، با نگرش در آثار باستانی و کنونی این زبان کوچکترین مورد اختلافی را نمیتوان دریافت که روی آن، زبان مورد بحث را به فارسی و دری تقسیم نمود. و اینکه از زبان مذکور لهجات زیاد و متعددی شاخه کشیده موضوعیست جدا، که نمیتوان آن را دلیلی برای انقسام این زبان به دری و فارسی انگاشت.

صفات روی وی آسان بود مرا گفتن
گهی به لفظ دری و گه به شعر دری

(سوزنی سمرقندی نسخه خطی)

نظامی که نظم دری کار اوست
دری نظم کردن سزاوار اوست

(نظامی، گنجینه گنجوی چاپ ارمغان ص ۶۱)

دید مرا گرفته لب، آتش پارسی زتب
نطق من آب تازیان برده به نکته دری

(خاقانی، دیوان مصحح عبدالرسولی ص ۴۲۹)

بربط اعجمی صفت هشت زبانش دردهان
از سرزخمه ترجمان کرده به تازی و دری

(دیوان خاقانی، ص ۴۳۵)

کس بدین منوال پیش از من چنین شعری نگفت
مر زبان پارسی را هست با این نوع بین

(منسوب به الواعیاس ص ۱۰۱)

پسی رتج بردم در این سال سی
عجم زنده کردم بدین پارسی

(فروز انفر سخن و سخنوران ج ۱/ ص ۳۷)

خویان پارسی گو بخشنده گان عمرند
ساقی بده بشارت رندان پارسا را

(حافظ، دیوان مصحح قزوینی ص ۵)

یکی تازه کن قصه زرتشت
به نظم دری و به خط درشت

(۲)

بفرمود تا فارسی دری
نوشتند کوتاه شد داوری

(فردوسی)

خرد نامه ها را ز لفظ دری
به یونان زبان کرد کسوتگری

(نظامی)

گزارنده داستان دری
چنین داد نظم گزار شگری

(نظامی)

هزار بلبل داستانسرای عاشقرا
بباید از تو سخن گفتن دری آموخت

(سعدی)

چو عندلیب فصاحت فروشد ای حافظ
تو قدر او به سخن گفتن دری بشکن

(حافظ)

ز شعر دلکش حافظ کسی شود آگاه
که لطف طبع و سخن گفتن دری داند

(حافظ)

گرچه هندی در عنایت شکر است
طرز گفتار دری شیرین تر است

(علامه اقبال)

در مورد اطلاق پارسی دری بر این زبان دایره المعارف
اسلامی چنین مینگارد:

دری به کسر اول، بفتح دال؛ و معنی آن پروژه تحدید زبان
درباریان (در) (مخفف دربار یا درگاه) است و به زبان فارسی
معاصر اطلاق میشود. در ترجمه فارسی کوتاهی که از رسایل
اخوان صفا به عمل آمده است، این زبان به امیر تیمور لنگ به
پارسی دری ترجمه شده است.

دایره المعارف الاسلامیه ج ۱/ ص ۲۲۸.

با در نظر داشت تحلیل زبان دری و زبان فارسی و
همانگی آنها اکنون میتوان این زبان را با در نظر داشت وجه

تسمیه آن نیز مورد بررسی قرار داد.

چنانکه گفته آمدیم، واژه درى سابقه تاریخی قدیمیتری از قرون سوم و چهارم هجری داشته است و در مباحث گذشته قول ابن المقفع را آوردیم که این زبان را زبان شهر های مداین شمرده و زبان مردم بلخ را در آن غالب دانسته بود. از سوی دیگر نخستین گوینده گانی که به این زبان شیوا شعر سروده اند و یا نویسنده گی کرده اند آثرا پارسی درى نامیده و پارسی و درى نیز گفته اند، اما در مورد و چه تسمیه آن به درى نظریات گونا گونی وجود دارد. که جهت روشن شدن موضوع برخی از این نظریات را نقل مینماییم:

۱- دکتر ذبیح الله صفا، پژوهشگر ایرانی به نقل از (ص - ۳۳۵ احسن التقاسیم) وجه تسمیه آنرا چنین شرح میدهد: درى زبانی است که نامه های پادشاه بدان نوشته میشود و عریضه های که به خدمت وی فرستند نیز بدان زبان است. و اشتقاق درى از (در) است. که به تازی (پاب) گویند، یعنی زبان است که در درگاه پادشاه بدان سخن میگویند.

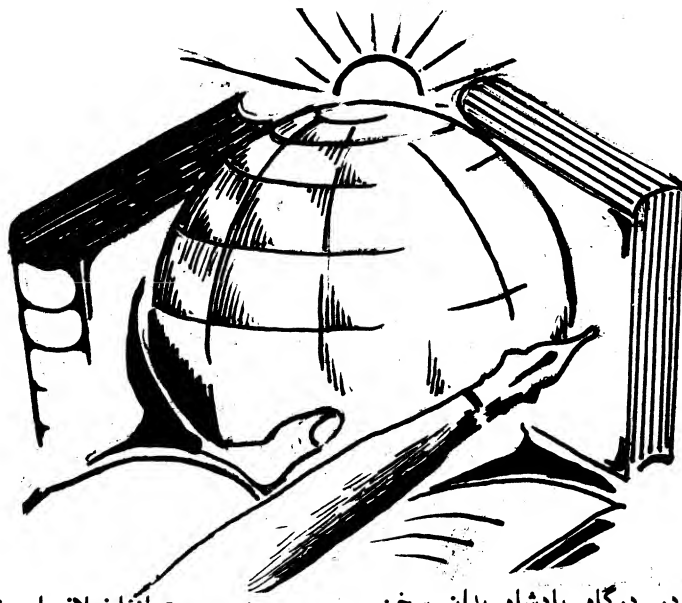
۲- گروه دیگری از دانشمندان، (دری) را مخفف (تخاری) میدانند، که تخاری به مرور زمان به تهری مبدل گردیده سپس چونکه اجتماع (ت) و (ه) - قبل از حرف (ر) - در زبان ایجاد ثقالب نموده آنرا به (د) مبدل کرده اند. که واژه درى به میان آمده و اسم این زبان گردیده است.

۳- برخی واژه درى را منسوب به دره (کوه) میدانند که روستاییان در دره ها بدین زبان متکلم بوده اند و زبان مذکور در دل دره ها به هیچ زبانی دیگر اختلاط نپذیرفته و همانگونه شسته و خالص حفظ گردیده و شاید هم به اعتبار خوشخوانی به

کيك درى نسبت داده شده باشد که زبانی است سهل المخرج، خوش آهنگ و دور از ثقلت.

۴- همچنان در این مورد در صفحه ۵۱ مقدمه کتاب دستور پارسی چنین آمده است:

درى به فتح اول، بر وزن پرى لغت پارسی باستانی است، وجه تسمیه آن را بعضی به فصیح تعبیر کرده اند و هر لغتی که در آن نقصانی نباشد درى گویند، همچو اشکم و شکم و بگوی و گوی و بشنود و شنود و امثال اینها: پس اشکم و بگوی و بشنود درى باشد. و جمعی گویند لغت ساکنان چند شهر بودهاست، که آن بلخ و بخارا و بدخشان و مرو است و بعضی گویند درى زبان اهل بهشت است. (.) که رسول الله (ص) فرموده اند: «لسان اهل الجنة عربی او فارسی» و ملایکه آسمان چهارم به لغت درى متکلم میکنند (.) و طایفه برآند که مردمان در گاه کیان بدان متکلم میشده اند.



به هر صورت از اختلاف این نظریات نمیتوان به نتیجه صد در صد درست رسید و آن را پذیرفت، ولی اگر این را پذیرا شویم که درى را به دره منسوب ساخته اند در سقتر خواهد بود، زیرا همانگونه که مطالعه کردیم زادگاه زبان درى مناطقی بوده کوهستانی که این زبان نغز و شیوا از دل همین کوهها و کوهپایه ها نشأت و تطور نموده واز همانجاها ساعده انتشار خویش را وسعت بخشیده و پس از طی راه های دور و دراز تا دور دستها منتشر گردیده و بالاخره از دره به دربار و درگاه شتافته و دوباره در میان مردمان راه بسط و توسعه گشوده است. از این لحاظ اگر این زبان را به دره (کوه) منسوب بدانیم بیجا نخواهد بود. ادامه دارد.

د پرمختیا د مزینې مجلې محترم دفتر ته

طبیعی منابع او د هغو اغیزی د ژوند په چاپیریال باندې

لیکونکې منگل (احمدی)

زمونږ گران هیواد افغانستان د پری طبیعی منابع او زیرمی لری او دا ډیره ارزښت ناکه پانگه ده.

دا طبیعی زیرمی لکه اوبه، کانونه، ځنگلونه، ورشوگانی او داسی نور یوه الهی تحفه او ودیعه ده چی په ټول ملت پوری اړه لری هیڅوک دهغه څخه د شخصی استفادی حق نلری.

د ډیر و طبیعی منابعو له جملی څخه چه ځینی نی له نیکه مرغه پتی پاتی دی او ذخیره دی ځینی نوری نی چه د ځمکی مخ پری بنایسته دی او له همغو خنبو شوؤ سرو او سپینوز روځخه نی ارزښت لوړدی تربحث لاتندی نیسو، چه له هغی جملی څخه به په ځنگلونو او ورشوگانو باندی خبری وکړو.

د ځینو معلوماتو له مخی چه څه ناڅه ځنگلونه نه وه قطع شوی 2 فیصده ځنگلونه موجود وه، چه له هغی جملی څخه د انقلابونو او جنگونو په نتیجه کی ځنگلونو ته سخت تاوان ورسید، ببارد د شول وسوځیدل، بی رحمانه قطع او له منځه لاړل. په هر صورت له ځنگلو نو څخه په مستقیم او غیر مستقیم ډول گټی اخیستل کیږی. مستقیمی گټی نی چه له لرگیو څخه په تعمیراتو کی د پوښښ د روازی، کرمکی او داسی نور جوړول دی او په صنعت کی هم ور څخه استفاده کیږی او د حرارتی انرژي د

تولید لپاره په سونگ کی هم استعمالیږی. په غیر مستقیم ډول ځنگل د هوا د تصفیه کولو ډیره لویه فابریکه ده چه د ټولو ژوندیو موجوداتو لپاره اکسیجن تولیدوی او کاربن ډای اکساید او نور مضر گازونه چه ځینی طبیعی گازونه ډیر خطرناک دی او د ډیرو نارغیو سبب گرځی جذبوی. د ضیائی ترکیب عملیه چه په نباتاتو کی د ډیر زیات اهمیت لری د نورو عناصرو په مرسته سر ته رسوی. ډیره ښه معطره او زرغونه فضا ایجادوی چه هر انسان په خپل ماحول کی د ښه ژوند د تیریدلو لپاره 50m2 شنی فضا ته ضرورت لری.

د ډیرو سختو سیلابونو مخه نیسی. نه پریر دی چه آسمانی نزولات لکه د واورې، باران، او گلی او به په ځمکه جاری شی. هغه په ځمکه کی جذبیږی او د ځمکی د ابو زیرمی زیاتوی یوه برخه نی بیرته هوا ته تبخیر کیږی چه هوا مرطوبه ساتی او د ځمکی جذب شوی اوبه د چینو، کاریزونو او سیندونو په شکل د کرهڼی د استفادی وړ گرځی. نه پریردی چه دا اوبه د سیلاب په شکل حاصل خیزه خاوره تخریب کړی یا د سختو سیلابونو او طوفانونو له کبله لکه ځنکه چه لیدل کیږی د طبیعت د تخریب په نتیجه کی په سل ها وؤ کورونه او باغونه ویجاړیږی او په زرگونو جریبه حاصل خیزه زراعتی ځمکه د هغه له حاصلاتو سره

ددی. بلا په خوله کی لوپړی، انسانان او خاړوی فنا کیږی.

په نتیجه کی ناروغی پیدا کوی او د لویو بدمرغیو سبب گرځی دونو ځنگلو او بوټو پوښښ په آسانی د دی فلاکت مخه نیولی شی. په لویو بڼتو او صحراوو کی چه ونی او ځنگل نشته د شپې او ورځی د حرارت د درجی توپیر ډیر زیات وی هلته ژوند ډیر کم یا هیڅ نشته د ځنگلو د شته والی له برکته کله چه تبخیر صورت موی هوا تر 1500 متره پوری متأثره کوی نه پریر دی چه د لمر وړانگی ژوی متأثر کړی.

د نړی په زیاتره هیوادونو کی چه خدای پاک ښه طبیعت ورته عطا کړی» د ځمکی 25/100 برخه ځنگلونو پوښلی د کال په مختلفو فصلونو کی د حرات درجه ډیر کم تفاوت پیدا کوی د باران کلنی اندازه نی ډیره زیاته وی. زمونږ د خاوری 2/100 برخه په ځنگلو نو پتی دی ډیره باملرنه په کارده چه وساتل شی او د سختو او ناوړه عواقبو مخه ونیوله شی.

څرنگه چه لیدل کیږی د باغونو جوړول په آبی ځمکو کی څومره زیار او زحمت او مصرف غواړی، پاتی خوشول د ځنگلونو احیا کول. دا خود هیچا په وس کی نشته چه یونیا لگی دی هم د هغی ونی په ځای چه اټلا 400 کاله

عمرنی درلود او د شخصي گټو قرباني شوی دی کينوی، وی روزی، او بیاني هغی درجی ته ورسوی. دا کار ډیر مشکل اوله امکان څخه لیری دی. او جبران ئی هم ممکن نه دی.

ونی او ځنگلو نه د شدیدو او طوفانی با دونو اثرات چه د هوا د فشار د کموالی په نتیجه کی رامنځ نه کیږی کمی. د گردونو، ډورو او روانو ریگو نوچه لاری او سرکونه بندوی زراعتی سیستمونه خرابوی او حاصل خیزه خاوری تخریبوی مخه نیسی.

دنړی ډیر خلک په ځنگلونو یا د ځنگلونو په شاوخوا کی ژوند تیروی. د ځنگلونو له محصولاتو څخه قانونی استفاده کوی په شنه او زرغونه فضا او راحت کی شپي ورځی سبا کوی. خو چیرته چه ځنگلونه له منځه تللی دی علاوه له دی چه محیطی مشکلات زیات شوی خلک د خپل نغری د سونگ لرگيوته حیران پاتی دی په داسی حال کی چه کومه بله حرارتی انرژي یا منبع هم نشته نو دا ستونزه خلک ډیر زیات تهدیدوی.

ځنگلونه د ښکلو مرغانو او وحشی حیواناتو کورد دی د خدای پاک دی شکلو مخلوقاتو ځنگلونو ته لاینه بڼه ورکړی ده او د سیاحینو او خلکو نظرنی ځان ته جلب کړی دی. دی ټکی ته هم باید اشاره وشي چه مرغان او وحشی حیوانات چه بیولوژیکي، اجتماعی، اکولوژیکي، اقتصادی ملی او بین المللی اهمیت لری او زیاتره ئی په حالت د نابودی کی دی خاصه پاملرنه وشي. پری نړدی چه ځینی خلک دا الهی ښکلی تحفی چه زمونږ د خلکو په برخه ئی کړی دی په لومو کی ونیسی او بهرته ئی په غیر مجاز توگه یوسی. همدا مرغان دی چه له اکوسیستمو څخه خبری کوی. نه څوک ورته دانه اچوی او نه څوک اوبه ورکوی. پری

دی ښودل شی چه ددی قهرمان افغانستان ښکلی او با عظمته فضا په خپلو الوتلو او موجونو ښکلی وبریښوی.

په ځنگلونو کی راز راز طبی نباتات شته چه د انسان وروغتیا لپاره هم کیمیا ده. که نن دهغو ځینی بوټی لکه زیره، شیرین بوټه، اینجه، ترخه او داسی نور تنها په نامه پیژنو، که خدای پاک (ج) کول او په گران افغانستان جاری جنجالونه حل شول په هغه صورت کی به له دی بوټو څخه چه ډیر ښه طبی ارزښت لری په عصری او مدرنه توگه راز راز دواگانی او درملونه جوړشی.

د ځنگلی ونو میوی لکه پسته، جلفوزی، گرگری، زیتون، کوهی چهارمغز او داسی نور هم دیادونی وړدی. ځنگل د سولی په وخت کی ډیر ښه ځای او د جنگ په وخت کی ډیر پوخ او کلک سنگردی او سوق الجیشی اهمیت لری. د ځنگلونو پساتنه کی چه ددی قهرمان ملت د جهاد کارنامی پکی نغنتی وی باید هڅه وکړو، پری نیروچه دا ملی پانگه موله لاسه ووځی.

تر ټولوبنه خبره داده چه ددی سترامانت د حفاظت او ساتنی په باره کی ډیر زیات ملتفت شو او ددی الهی (ج) تحفی د بقا او پایښت لپاره کوشش وکړ.

نا ویلی دی پاتی نشی چه دگران افغانستان ورشوگانی او علفچرونه چه 54 میلیونه هلثاره ځمکه ئی پوښلی ده ډیره د پاملرنی وړده ځکه د دی بوټو پوښښ ځمکه د تخریب (erosion) څخه ساتی. نه پری دی چه دا حاصل خیزه خاوره د سختو طوفانونو قربانی شی علفچرونه او بوټی د باران اوبه په ځمکه کی جذبی او دځمکو د اوبو ذخیری زیاتوی.

څرنگه چه زمونږ گران وطن افغانستان یو زراعتی هیواد دی نو دلته مالداري ډیر زیات اهمیت لری همدغه ورشوگانی دی چه دمالونو دروزلو په برخه کی ستر رول لوبوی. که غیر شو ډیر حیوانی محصولات چه پروتینونو او ویتا مینونو اصلی منبع گڼلی کیږی لکه شیدی، مستی، کوچ، غوړی، غوښی او نور او ځینی نور محصولات لکه پوستکی، وړی هم د ورشوگانو له برکته له حیواناتو څخه لاس ته راځی او دگرانو بزرگانو اقتصادی بینه تقویه کوی.

ورشوگانی په خپل ماهیت کی له زراعتی ځمکو څخه زیات اهمیت لری خودیده مرغه د جنگ په دوران کی ورشوگانی او دعلفچر و ځمکی غضب شوی، تخریب شوی او قدرت مندو خلکو تر خپلی ولکی لاندی راوستلی د گران هیواد مالداران ډیر زیات زیان من شوی دی او له مالچرونو څخه معقوله استفاده نه کیږی.

ورشوگانی ډیره زیاته ارزښتناکه سرمایه ده که په فنی اوو معقوله توگه له هغه څخه استفاده وشي زمونږ د محترمو وطنوالو ډیر مشکلات به په خیر سره حل شی. خدای پاک (ج) دی په گران هیواد کی ارامی او سوله برقراره کړی خو ټول وروڼه ملتونه په خپل گډ کور کی د وروڼو په شان ژوندو کړی او د وطن رښتینی او صالح بچیان ددی پاکي او مقدسی خاوری لپاره چه دمیلیون ها وؤ شهیدانو په وینو ساتلی شوی ده مخلصانه اونه سترې کیدونکی خدمتونه ترسره کړی او ددی دردیدلی، وړی او زخمی ملت د دردونو دوا

آمین

زنای بزرگوار در صدر اسلام

خدیده کبرا، بریلندای ایمان

نوشته: مدینه

برابر حکیم زانو بر زمین زد و گفت:

«دیشب در عالم خواب امری بس حیرت افزا مشاهده کردم، آن اینکه خورشید از جای خود در آسمان جدا شد و به سوی آسمان مکه سرازیر آمد، آنگاه دمی درنگ کرد، با گردشی چند به دور خود، به سوی خانه من فرود آمد، حال ای پسر عم بزرگوار، از تومی خواهم تا تعبیر این رؤیای من بازگویی.»

لختی پیر مرد با چشمان بسته، ولی قلبی انباشته از نور و روشنایی به کاوش رمز خواب و آن رویا پرداخت و با جستجوگری به کشف حقیقتی نایل آمد که آن رؤیای رمز آمیز را برملا می کرد، آنگاه رو به خدیجه کرد و گفت:

«مژده بزرگی برای تو بادا! تو در آستانه پیوند زنده گی و همسری با مرد بی همتا و والا قرار گرفته ای که چون خورشید بلند آوازه و جهان افروز خواهد بود.»

آن بانوی خردمند ازین مژده شاد شد، قلب و روحش شگفت و با دل مالا مال از خوشی و شادمانی به خانه بازگشت.

مژده بزرگ، عشق بزرگ، بزرگی و عظمت را فقط پارسایان عاشق و عاشقان صادق در نهانخانه قلب و اعماق روح خود احساس می کنند.

آری، این روح بزرگ و نجیب خدیجه و قلب بی آرایش و پرمحبت اوست که کلمه های پر از عطر و رقه راهمانند رشته مروارید با چشم دل می نگرد و به پیکره بی از نورو سپیده و پاکیزه گی می اندیشد.

... کاروان زمان صحاری سوزان را در می نوردد، سایه نورانی و سیمای پر از جذبه و فروغ سرشار از صلابت و نجابت جوانی از قریش اندک، اندک چون آفتاب پدیدار می آید. کم کم در افق مکه ندا در می پیچد که: محمد... محمد امین و هر جا که این نام پرشکوه و عظم بر زبان می آید و طنین می افکند، هرکسی به تعظیم و تکریم لب می گشاید.

آوازه محمد این مرد بلند مرتبت و امین و اینکه پیشگویی های و رقه بر آن گوهر تابناک موافق می آید، روح تازه به اندیشه های رویی حدیث

حضرت خدیجه، کبرا (رض) يك نام پر شکوه در تاریخ زرین اسلام است، او نخستین همسر حضرت محمد (ص) و اولین همدم و همگام پیامبر بزرگ اسلام (ص) در روزهای سختی و دشواری و در روزگار بی مهری و آشفته گی بود.

خدیده بانوی ثروتمند و خردمندی که در دنیای عرب آوازه بی بلند داشت چنان به پارسایی و پاکدلی زیست که پاکدامنی و نجابتش بیش از ثروتش دیده ها را به تحسین و ستایش وا می داشت، او قبل از آنکه افتخار همسری پیغمبر اسلام را بیابد، همه جا از وی به عنوان زنی پاکیزه اندیش، روشن ضمیر و با طهارت یاد می شد.

خدیده طاهره، دختر خویلد و دختر عم و رقه بن نوفل حکیم دانا و آگاه عرب بود که به بصیرت در تعالیم انجیل و تورات شهرتی فراوان داشت و یکی از بشارت دهنده گان طلوع آفتاب جهانتاب اسلام بود.

به نگارش متون معتبر تاریخ هر بار که خدیجه هوشمند و جستجوگر به دیدار رقه می رفت، از چراغ پر نور اندیشه های او، روشنی هابر می افروخت و از گفته ها و روشنگریهای آن حکیم هوشمند در آسمان ذهن و قلب خود، ستاره و سپیده برمی افروخت، او برایش مددگار فکری و روحی بود، زیرا التهاب حالات ذهنی و اندیشنده گی خویش را به نسیم روح بخش گره گشایی ها و پندهای وی صفا و جلا می داد و تسکین می بخشید.

نقل است که باری حضرت خدیجه سپیده دمی از خواب شبانه سر برداشت رؤیای دلپذیری در ذهن داشت، رویایی که روح و روانش را به شگفتی اندر می ساخت.

دمی با خود به خلوت نشست، به هاله بی که فضای ذهن و قلبش را فرا گرفته بود اندیشید، جستوگر درون خویش شد و بی محابا برای دریافت تعبیر بهتر و دقیقتر به یاد پسر کاکای هوشمندش رقه افتاد، چاره کار همان دانست که به دیدار او بشتابد، تازه سپیده صبح در رگهای شب دمیده بود که راه خانه وی را در پیش گرفت، دق الباب کرد، رقه در را گشود و او را به کلیه محقر فراخواند، بانوی بیدار دل در

می دهد، بخصوص آوانی که می نگرده علمای مسیحی با ورقه همصدا می شوند و شکاکان پادریافت و درک نشان نبوت پر محمد (ص) دست از تردید و وسوسه باز می دارند.

بازهم کاروان زمان آرام آرام ره می زند. سیاهی ها دامن می چینند و سپیدی ها بدنبال هم گره می خورد، درین میان خدیجه با سودای عارفانه در رؤیای شیر ینش دل و دماغ تازه می کند و ستایش بهین چیز، پیکره نجات و ایمان، تارهای نازک و لطیف روح و روان و قلبش رابه ارتعاش می آورد.

خدیجه پیکری به دنبال جوان امین قریش که در راستی وامانت داری، نامش ورد زبانهاست می فرستد و به او پیشنهاد می کند که سرمایه یی از وی بگیرد و برای تجارت رهسپار شام شود.

محمد (ص) این پیشنهاد را می پذیرد و به همراهی میسره غلام بانوی ثروقتند مکه به سفر تجارتی می پردازد.

درین سفر تجارتی، محمد امین اموال را می فروشد و با خیر و برکت ومنفعت به مکه بر می گردد. بار دیگر بازهم خدیجه سرمایه بیشتری در اختیار وی قرار می دهد و سود بیشتری نصیب می شود. میسره هر بار که از سفر واز همراهی محمد (ص) باز می گردد، از فضایل و اوصاف عالی وامانت داری او شرح بسیار می دهد.

سر انجام بانوی فرهیخته و پاکیزه تصمیم می گیرد که با آنحضرت ازدواج کند لذا به وسیله دوست صمیمی و همدم و ندیش «نفیسه» چنین پیام می فرستد:

«به خاطر فضایل و امانت داری و اخلاق نیکویت و به خاطر راستگوئیت تمایل پیدا کرده ام که با تو ازدواج نمایم.»

محمد امین این موضوع را به آگاهی عمموی ارجمندی می رساند و همراي جمعی از خویشان درحالیکه ابوطالب پیشاپیش آنهاست، به منزل خویلد می آیند خواستگاری آغاز می شود و ابو طالب لب باز می کند: ستایش خدا را که مارا از نسل ابراهیم خلیل الله بوجود آورد و در جوار خانه کعبه و حرم امن خود جای داد و درمیان مردم به ماشوکت بخشید، منظور ازین دیدار این است که برادر زاده من که جوانی تهیدست است و از لحاظ فضیلت و مردمی برجسته گی دارد، خواهان ازدواج با خدیجه

است و خدیجه هم نسبت به این امر تمایل دارد، به هر اندازه مهر لازم باشد از مال خود می دهم، آینده پس درخشان در انتظار اوست.»

مراسم خواستگاری به انجام می رسد، عقد نکاح و ازدواج صورت می گیرد و حضرت خدیجه (رض) با مهر بیست رأس شتر به همسری حضرت محمد (ص) در می آید. در آن هنگام حضرت خدیجه چهل سال و حضرت محمد (ص) بیست و پنج سال داشتند. ثمره این ازدواج دو پسر به نامهای قاسم و عبدالله و چهار دختر به نامهای زینب، ام کلثوم، رقیه و فاطمه می باشد.

حضرت خدیجه نخستین کسی است که به خدا و پیامبرش ایمان میاورد، او نخستین مسلمان است... يك زن و هر آینه شکوهمندی است و ارج گذاری بسیار.

این بانوی بزرگوار و فرزانه که آمیزه یی از عشق و ایمان بود، هستی خویش را نخست درپای عشق و محبت همسری ریخت و بعد در پای حقانیت و اسلام، پیغمبر (ص) در نخستین مراحل وحی پیامهای را که در می یافت بلافاصله برهمسرش خدیجه کبرا برمی خواند و قلب او اندکی پس از قلب پیامبر سرشار از عشق خداوندی می گردید.

ام المؤمنین خدیجه کبرا، رکنی از پیشرفت اسلام بود، تمامی ثروتش را در راه خداوند و اعتلای اسلام به خرج داد.

شکوه و ارج و بزرگی از محبت بر می خیزد و از ایمان پدید می آید، سپاس و ستایش بانوی بزرگ پیامبر اسلام را، خدیجه (رض) را که دریای خروشان عاطفه و مهربانی و محبت است و چشمه جوشان عقیده و ایمان.

او بلا درنگ فرمان وحی را که بر رسول خدا نازل می شود و به پیامبری برگزیده می شود، از ته قلب تأیید و تصدیق می کند و با شور و شوق به اسلام عزیز می گراید، و همراه با حضرت پیامبر اکرم (ص) نماز می گزارد، اولین نماز گزار هم اوست. يك زن.

حضرت خدیجه (رض) در راه نشر تعالیم والای اسلام، رسول خدا را یاری می رساند.

بزرگواریها و فضیلت های حضرت خدیجه (رض) چنان در روح بزرگ پیامبر تأثیر داشت که هرگز آنحضرت (ص) پس از مرگ او یاد عزیزش را از خاطر نه زدود. و همواره با مهر وری نامش را بر زبان می آورد. بقیه در صفحه ۶.

او بلا درنگ فرمان وحی را که بر رسول خدا نازل می شود و به پیامبری برگزیده می شود، از ته قلب تأیید و تصدیق می کند و با شور و شوق به اسلام عزیز می گراید، و همراه با حضرت پیامبر اکرم (ﷺ) نماز می گزارد، اولین نماز گزار هم اوست. يك زن.

تحت نظر عاصی

ای ہلمندہ

اگر بہ باغ رسیدی

اگر بہ باغ رسیدی

وگر ترانہ سراپان باغ را دیدی

پیام خاطر در خون سوگوار مرا

بہ بلبلان برسان

و عشق را بہ زبان دری

زبان درد، زبان حماسہ

زمزمہ کن

بگو کہ نعرہ زنجیری گلوی مرا

کہ آفتاب ازش پارہ پارہ می گردد

بہ پیشواز بہار

بہ نام سروستان،

بہ نام جندہ، مولا علی برافرازند

اگر قبیلہ درویش و سرفراز مرا

بہ مهمانی تلخان و دوغ میرفتی

وگر کہ بتہ کنان ہمیشہ عاشق را

کہ چشمہ سار بہ دنبالہ، ترانہ، شان

... می شود دریا

درخت را و مرا

سرخ و سبز می سازد

بہ جای آوردی!

از این ہمیشہ تنای های های بلند

از من -

تیری سرگن

اگر بہ باغ رسیدی

یاری اندر کس نمی بینیم یاران را چه شد؟
دوستی کی آخر آمد. دوستداران را چه شد؟

اب حیوان تیرہ گون شد خضر فروخ پی کجاست
خون چکید از شاخ گل باد بہاران را چه شد؟

کس نمی گوید کہ یاری داشت خق دوستی
حق شناسان را چه حال افتاد و یاران را چه شد؟

حافظ

ہلمندہ ماوی چہ پہ شنو جلگودی
یو واری بیا دتیر پرتم دوران شی
سپیرو دبتو سپیری خولی پورته شی
پہ سپیروشاوکی دبرم دوران شی
لہ اوینکو پاکی شی د سترگو گوچینی
بیا د ژوندون پہ لارہ سم دوران شی

* *

ہلمندہ ماوی چہ جومات جومات دی
پہ منارونو کی لمرونہ پت کری
ہلمندہ ماوی چہ حجرہ حجرہ دی
پہ خیلہ غیرکی تور نمونہ پت کری
ہلمندہ ماوی چہ قلم قلم دی
پہ رنو کرینو تور داغونہ پت کری

* *

ہلمندہ زد درنہ جهان لتوم
داسی جهان چہ نوی نور ولری
چہ د مومنی ارادی مظہر وی
چہ جلود گاہ د کودہ طور ولری
چہ د تکبیر پہ چغودک جهان وی
او دغو چغو کی شعور ولری

* *

راخہ چہ دوارہ پہ توفان ورگیشو
لار د ایمان او د وفا ونیسو
د تور نفاق لہ تورو لرو خوا
لمن د مینی او حیا ونیسو
سرد رایو کرو یاغی شوی خپی
او سپیشہ مخہ د سیا ونیسو

جهاد

مردی گمان مبر که به زور است و پردلی
با نفس اگر جهاد کنی مرد کاملی

از خود رمیدن

پیلی را آوردند بر سر چشمه بی که آب خورد، خود را در آب می
دید، ولی می رمید و می پنداشت که از دیگری می رهد، نمی
دانست که از خود می رهد. همه اخلاق بد از ظلم و کین و حسد
و حرص و بی رحمی و کبر، چون در تست نمی رنجی، چون آنرا در
دیگری می بینی می رمی و می رنجی

دود غم

اگر غم را جو آتش دود بگودی
حهان تاریک بودی / خاوداشه
درین گیتی سراسر گر بگودی
خردمندی نیایی شادمانه
شهید بلخی

د غرو نو باده در لند دی گام کرد
د مظلومانو روح په آرام کرد
د شهیدانو وارد زگیروی لا
د غی فضا کی ورسرد پام کرد

(رهبری)

گذر

من،
ز تنهایی يك كوچه
گذرمی کردم
و به تنهایی يك پنجرهء بسته،
نگاه

و به تنهایی من
چشم تنهایی ماه

باران

باران اگر دوباره نیارد
بر پشت بام کاهگی شاید
خوشبختی پرنده عاشق
تار جفت غروب باید
اما،
اینکه صدای ریزش باران

شعلهء طور

چون شمع نیستم که بسوزم به بزم عیش
مثل شهاب بر شب تاریک بسته ام
بر موی نقره بین تو ای مادر گدا
دل بسته ام، به موی طلایی بسته ام
یارب تو یاز شعله طوری برون بریز
چو پانم و ز ظلمت این دشت خسته ام

(محمود فارانی)

د چارتوت کلی

زمونږه کلی، آ په خلکو باندې ښکلی کلی

د خواری کښو بزرگوانو کلی

د ساه زړو، مؤمنانو کلی

په جنگ کې لوټ شو، کنډ واله شو، وچ کالی شوه پکې.

زه به نور نه یادوم، صرف:

د یوه سپن کلی چې نوم به یې چارتوت بللو

په یاد به ژاړمه، سلگی سلگی به ناسته یمه

ځکه، هغه زما کلی و، هغه زمونږ کلی و

کلی مو وران شو.

وبالې مو وچې شوی چینجی نی وکړه

د تاندو تاندو ونو ملاوې ماتې ماتې شولې

او د چمن په سوزیدلې ټیټر پریونلی

چونگښی، تیرې، گنگې کښناستی د مرگ په قه

چوغکې والو تلې.

ژړو بلبلو خپلو څالونه، خسونه یوړه

د توتکیو هنری کورونه ونړیدل

د برنډې په غولی

او برنډه شوه دې وړی هرلې ته راغله

هرڅه روان شوو و نیستی په لوری...

د مور پیرونی می یادونو چورولو پسې

څوڼي د سوی او ساړه تناره خوا ته یوړ

د خور گومځ می د وینتانو د جړیوسره

د حویلی د دیواله په ترق کې

او ترو غږ په سارونو باندې و پوښله

خو د پیغلوتو پاکې څنې بی حجاب نه شې.

زما د پلار د سپینوزرو د نصور و کونې

د صدقې تسبیحو خواته بی خاونده شوله

زما د پلار قلم چې اصل انگریزی قلم و

ها خوا د پانی پانی شوو کتابونو سره

په څاڅکو څاڅکو کی نی وینی له وینکیوتللی

زما د وړو په مکتبی بسته کی

د نان خورکو، چرچر کو خالی جوړې شولې

د الفبا پانی د خاورو سره خاوری شولې

ننی قلم نی د صفی ډډې ته

د مور کانو په غارونو کی نی نینی پر تې

کلی مو چوپ دی نه خندا ده نه ژړاده پکې

کلی موسوی نه مو باغ شته، نه باغوان دی پکې

نه مو کلا شته نه نی هغه پخسه نی بر جونه

نه می د پلار د چار مغزی همساتکونه واخی

نه نی د اصلی مشدی پگړی ولونه ښکاری

نه می د مور د تناره لمبی په چت لگیری

نه می د خور د چپت کمیس د گلوباغ تازه ده

او...

نه می د ورور د مکتبی سلام غږو نه راخی

چو په چوپتیاده، کلی مړدی نغری ساړه دی

آ، بی اسری و گړی هم ژوندی ژوندی څښ شوی

کلی مو غلی، نه شم ر لری نه ساندی کوی

کلی مو چوپ دی

ځکه چې کلی کلیوال نلری

ولی چې کلی مور او پلار نلری...

سال ۱۳۷۶ شمسی

سال ۱۹۹۷ عیسوی

از بلقېس مکیز

هیچ ترتیبی و آدابی مجو
هر چه می خواهد دل تنگت بگو
(مثنوی معنوی)

که آفتاب بلند ...

در انتهای تعدی

چه می توانم گفت؟

که آفتاب بلند است و

دست ما کوتاه.

آن زمان

و ماچی گونه توان سرودن داشتیم

بادلی که پای بیگانه در آن بود

با مرده گانی که در میدانها

برغلنهای خشکید ازین

رها شده بودند،

با ناله، بیه مانند کودکان و شیون

مادری که

به دیدار فرزند زندانی خود میرفت

چه روز های سیاهی داشتیم.

(کواری مودهو شاعر ایتالیایی)

ازمتون کهن:

افسانه بی بگو

دلنگ گشته ام
از داستان در به دری ها
مادر
افسانه بی بگو
از سرنوشت سبز پری ها
* * *

دیرانه گان شهر
بسیار بدترند
از مهرهای هفت سرقصه ها
بگذار
چتری بر آوریم
از پرنیان رویش رویا
در پشت کوه قاف
در افتداد رهگذر قصه ها
بگذار
اندیشه های خسته ما را
با خود فرا برد
اورنگ بی درنگ تخیل
* * *

تاریخ
با بوتساز کوچه تقویم است
در کارگاه بی بصری ها
مادر!
افسانه بی بگو
از سرنوشت سبز پری ها!

(عبدالسمیع حامد)

لـزوم مـشورت

بدان که راه دو کس نه چون یک کس
باشد، چه یک چشم آن نتواند دید که دو چشم
بیند، یک دست آن نتواند برداشت که دو
دست بردارد.

قابوسنامه

سباوون

زما د زره د زخم هره موسکا لاره خاری
زما د قام د یوه رویشانه سباوون په مینه
دا سیکرلی خو ننگیال ولس دوینو خپی
غورشی دخپلو تقدیرونو دبدلون پور مینه
(ننگیال)

جاودانه گی

برای جاودانه گی نگاهت
هرشب از آسمان

ستاره می چینم
و برگیسوی مضطرب شب
می آویزم
هما ظافر

وطن

مویجم که سفر از وطنم دور نمازد
آواره گیم باعث دوری و وطن نیست
(کلیم)

طرحها و پیشنهادها برای انکشاف افغانستان

نوشته: محمد رحیم وردك

است و در شرایط کنونی کشور عزیز ما طرحها را به دو قسمت تقسیم مینمایم ولی نه به این مفهوم که دو قسمت بین خود هماهنگی و همکاري نداشته باشد. این دو قسمت عبارت از پلانهای موسسات ملی و بین المللی و حکومت افغانستان است.

کمک هائیکه تا الحال از طرف موسسات کمک دهنده به افغانستان صورت گرفته است به اندازه نبوده که ما بتوانیم برنامه های اساسی را که باعث حل تمام مشکلات در عرصه های اقتصادی، اجتماعی و انکشافی گردد طرح ریزی نمایم. پس به هر دو جانب لازم است تا به نوبه خود پالیسی های اقتصادی مؤثر و مناسب را غرض جلب ها چه بیشتر مساعدت های کشور های دوتر و جوامع بین المللی طرح و زمینه سازی نمایند. پس يك سلسله پیشنهادات و نکات باید غرض رشد انکشاف همه جانبه رعایت گردد که ذیلا به آن تماس می گیریم:

۱- موسسات و جوامع بین المللی:

۱- در سطح ملی و بین المللی باید تدابیری غرض هماهنگی که البته انعطاف پذیری هر دو جانب را نیاز دارند ایجاد و انکشاف عاجل دراز مدت و کوتاه مدت که تامین کننده رفع ضروریات و يك ستراتیژی

ممالك قرار گرفت.

طی یکی دو سال گذشته موسسات ملی و بین المللی نام از انکشاف و برنامه های انکشافی بزیان می آوردند و در بعضی از رساله ها، مجلات و اطلاعات جمعی به آن اشاره ها میگردد و در عمل نیز کم و بیش

کمک هائیکه

تا الحال از طرف موسسات کمک دهنده به افغانستان صورت گرفته است به اندازه نبوده که ما بتوانیم برنامه های اساسی را که باعث حل تمام مشکلات در عرصه های اقتصادی، اجتماعی و انکشافی گردد طرح ریزی نمایم.

پروگرامهای انکشافی از طرف موسسات روی دست گرفته شده بود. اصولا بخاطر رسیدن به این هدف به طرح های و پلانگذاری اساسی ضرورت

گرچه در دو دهه قبل نیز افغانستان از جمله ممالك کمترین انکشاف یافته به شمار میرفت تجاوز روسها و جنگ های فرسایشی و ویرانگر که منجر به قتل ملیونها انسان بیگناه گردید خسارات مادی و معنوی را بر پیکر ضعیف اقتصاد ما وارد نمود.

بیسوادی، فقر، گرسنگی و بی سرپناهی، امراض و مرگ های ناهنگام جامعه ما را تحت تحدید جدی قرار داد. به این اساس فاصله افغانستان را با ممالك پیشرفته به اندازه بي بیشتر ساخت که تصور آن نمی رفت.

علت دیگری که اقتصاد افغانستان را تحت تحدید قرار داد قطع کامل مساعدت های رسمی انکشافی از طرف دولتهای وقت و معطل قرار دادن کمکها به اساس عوامل مختلفه بین المللی بود. و از نگاه اقتصادی و انکشافی این دوره در تاریخ افغانستان تاریک ترین دوره و دشوار ترین مرحله محسوب خواهد شد.

از پلان های انکشافی و برنامه های معقول اقتصادی بر علاوه اینکه اثری وجود نداشت اعمال صورت گرفت که آنچه بنام انکشاف و برنامه اقتصادی داشتیم محو و نابود گردید و افغانستان از نگاه اقتصادی و انکشافی در قطار عقب مانده ترین

انکشافی در ازمدت باشد ایجاد گردد.

۲- مراجع تمویل کننده بایستت تأمین کننده نیازمندی های عاجل در کوتاه مدت و طولی مدت باشد.

۳- موسسات و سازمانهای بین المللی تدابیری را اتخاذ نمایند تا با عملی ساختن آنها امکان حل نسبی پرابلم افغانستان میسر شود.

۴- کشورهای انکشاف یافته منحبث وجیبه انسانی خویش قسمت عمده یی از منابع شانرا بخاطر رشد انکشاف افغانستان به دسترس سازمانهای خیریه و بین المللی برای افغانستان اختصاص بدهند.

۵- مساعدت کننده ها باید پلان زمانی را ترتیب بدارند تا افغانستان در یک زمان مشخص از حالت موجود بیرون آید و در حالت مشخص دیگر اقتصادی و انکشافی قرار گیرد.

۶- هرگونه پیشرفت درین رابطه تحت حمایت جهانی و بین المللی قرار گرفته و از پلتهای مطروحه جداً حمایت صورت گیرد و موانع در راه تطبیق پلتهای در فرصت های ممکنه از بین برده شود زیرا انکشاف با ثبات و دومدار به آن نیاز جدی و همیشه گی دارد.

۷- چون در دهه گذشته تعدادی از موسسات ملی و بین المللی در سرتاسر افغانستان مصروف تطبیق پروگرام های امداد رسانی، بازسازی و انکشافی بوده تمام تجارب آن ها تحت نظر یک پلان واحد با در نظر داشت ظرفیت های موسسات تقسیم بندی منطقی و با هم تقسیم بندی سکتوری گردد.

۸- از تجارب کشورهای هائی که در راه انکشاف قدمهای استوار و موثر برداشته اند استفاده اعظمی صورت گیرد.

II دولت اسلامی افغانستان:

۱- جلب توجه همه سازمانهای امداد رسانی و همکاری موسسات تطبیق کننده پروژه ها و پروگرام های انکشافی و اقتصادی.

۲- در مورد توزیع متوازن منابع با در نظر داشت ازتباطات متقابل اثرات تکمیلی پروژه ها و پلتهای برای هر سکتور توجه جدی صورت گیرد.

۳- پالیسی های اقتصادی و انکشافی باید ضامن ثبات مالی و بودجوی بوده تا ارزش پول در برابر اسعار خارجی از ثبات ممکنه برخوردار گردیده و از انفلاسیون جلوگیری بعمل آید.

۴- امکانات دولت در عرصه های ساختمان زیربنا های اساسی ساحات خدماتی و اجتماعی خاصاً تعلیم و تربیه و صحت عامه اختصاص داده شود.

۵- به پالیسی روابط ذات البینی و هماهنگی بین سکتور های خصوصی و دولتی که منسج به برقراری روابط متقابلاً مفید میگرد ارجحیت داده شود

۶- دولت از ظرفیت های موجود در کشور استفاده معقول و اعظمی نموده و در احیای ظرفیت های که صدمه دیده است اقدام و نگهداری آن را وظیفه ملی خود بداند.

۷- تقویه و تشویق ظرفیت های علمی به خاطر تطبیق درست پروگرامهای مطروحه.

۸- دولت پلتهایی را روی دست گیرد که معادن را به شکل معقول آن استخراج و در حصه صنعت، زراعت، مخابرات، تجارت، ترانسپورت، مالیات و بازاریابی برای محصولات موثر باشد.

۹- جلسات بخاطر بررسی وضع مملکت

برای تهیه و انسجام یک پالیسی انکشافی سوال حتمی بوده و باید ارگانهای پلانگذاری درین رابطه مسولیت جدی احساس نمایند و این امر ضرورت به متخصصین ورزیده داشته در توظیف آنها توجه نمایند.

۱۰- دولت باید روابط لازم را بین گروههای انسجام محلی، حکومت و موسسات غیر دولتی ایجاد نماید.

۱۱- دولت باید از تجارب موسسات غیر حکومتی که با تمام اقشار جامعه سر و کار دارند استفاده نموده و با آنها تبادل نظر نمایند.

۱۲- دولت و سازمانهای غیر حکومتی با کمک جوامع بین المللی راپور جامع و همه جانبه وضع اقتصادی و اجتماعی کشور را هرچه زودتر تهیه نموده مشخصات اقتصاد ملی، قدامت ها و اولویت های انکشافی و تثبیت منابع ضروری را برای انکشاف تنظیم و فهرست پروژه ها و تاسیسات واقعاً ضروری را برای نیازمندیهای عاجل تثبیت و مشخص نمایند.

خلاصه اینکه حسن اعتماد و ابتکارات جانبین و استفاده اعظمی از مواد فوق بحسبیت یک اصل قبول شده تلقی و به فعالیت های اقتصادی و اجتماعی فوق قلباً ارزش قایل گردد.

تحقق این پروسه نیازمند تلاشهای معقول انکشافی بوده و در صورت تطبیق اصولی و دلسوزانه مشکلات موجود در افغانستان کمتر خواهد شد.

امیدوارم در اول همه افغانها و جوامع بین المللی هر کدام بنویه خود قدمهای استوار را برداشته و در دهه آینده کشور عزیزما با درنظرداشت منابع سرشار و دست ناخورده یی که دارد درقطار کشورهای انکشاف یافته عرض اندام نماید.

حقوق زن در اروپا

در قرن بیستم برای نخستین بار مسأله حقوق زن در برابر حقوق مرد عنوان شد، انگلستان که قدیمی ترین

کشور

دیموکراسی به

شمار می

رود،

نقطه

در

اوایل قرن

بیستم برای زن و

مرد حقوق مساوی قایل

گردید.

در ایالات متحده با آنکه در قرن

(۱۸) ضمن اعلام استقلال، به حقوق عمومی

بشر اعتراف کرده بودند، در سال (۱۹۲۰) میلادی

قانون تساوی زن و مرد را در حقوق سیاسی تصویب

نمودند.

همچنان فرانسه در قرن بیستم تسلیم این امر گردید.

ازین رو برای اولین بار در اعلامیه جهانی حقوق بشر

که پس از جنگ جهانی دوم از سوی سازمان ملل متحد

منتشر شد در مقدمه، آن تذکر رفته:

ملل متحد ایمان خود را به حقوق بشر و مقام و ارزش

فرد انسانی و تساوی حقوق مرد و زن مجدداً در منشور

اعلام می کند.

اگر زبان می داشت...

اگر کودک معصوم و شیر خوار می توانست حرف بزند، این

خواهشها را پیشکش مادر می نمود:

۱- از ادویه یی که می گویند طفل به واسطه آن دندان می

کشد، به من مده و همچنان از دواهای مسکن به من مخوران و هر وقت مشاهده کردی که بی موجب گریه می کنم مرا نزد داکتر ببر تا علت را دریابد.

۲- ای مادر نازنین، زنهار ازینکه خود سرانه به من داروی مسهل بنوشانی.

۳- کمر مرا سخت و محکم ببند و لباس تنگ بر من مپوشان ویرجامه ام سنجاق مزن.

۴- شهادم به دم برایم شیرمده و اگر گریه و بیتابی کردم، کمی شربت برایم کافی است.

۵- در غذا دادن به من زیاده روی نکن، زیرا من در ۲۴ ساعت صرف به شش وعده غذا ضرورت دارم.

۶- غذای مرا در معرض هوا و گرما و غبار و مکروبها مگذار.

۷- در حالت خوابیده به من غذا و آب مده.

۸- پیش از موعد طبیعی مرا به راه رفتن وادار مساز.

۹- غذایم را به تدریج

افزون ساز و مرا از

پرخوری دور

نگهدار.

۱-

عصبانی و

خشمناک

مشو مادر خوب

من زیرا نموده

خشونت و عصبانیت در شیرت اثر نموده، باعث بیماری من می گردد.

* * *

آوای مادر

زیبا ترین کلمه پرلپهای بشریت کلمه «مادر» است.

او سر چشمه عطوفت، همدردی و گذشت است.

هرچیزی در طبیعت حکایت از وجود مادر می کند.

استقلال زن

در امر تعیین سرنوشت

- روزی دختر جوانی هراسان و نگران نزد رسول اکرم (ص) آمد:
- یا رسول الله از دست این پدر...
 - مگر پدرت با تو چه کرده است؟
 - برادر زاده یی دارد و بدون آنکه نظر مرا بخواهد، مرا به عقد او در آورده است.
 - حالا که او کرده است، توهم صحه بگنار و مخالفت مکن.
 - یا رسول الله من نمی خواهم با او ازدواج کنم.
 - درین صورت اختیار با خودت، هرکسی را می خواهی به شوهری برگزین.

* * *

زنان روستایی و فقر

فقر، این بلای خانمانسوز و وحشت انگیز که دامن میلیونها انسان محروم و مظلوم این کرهء خاکی را در چنگال مرگبار خویش دارد اینک در زمانهء ما به يك مسألهء حاد و قابل اندیشه یی مبدل گردیده است.

درجهانی که ما زیست می کنیم، در هرماه، هر هفته، هر روز، هر ساعت و هر دقیقه، صدها انسان در مانده، با این درد و این مصیبت هستی بر انداز دست و پنجه نرم می کنند و چه بسا انسانهای بی پناهی که در هر لحظه قربانی این دیو بزرگ می گردند.

به گفتهء یکی از دانشمندان، اگر می بینی که در يك نقطهء جهان کسی از فریادی جان داده است، بدان که در گوشه یی دیگر، انسانی از لاغری مرده است...

آری، درجهان آشفتهء ما هم وضع بدین منوال است تا دستی از غیب برون آید و کاری بکند.

در گزارشی که اخیراً در یکی از کنفرانسهای بین المللی در ژنو که روی مشکلات و پروبلم های اقتصادی روستاها برگزار گردیده بود، گفته شده که در حال حاضر حدود (۶۰۰) میلیون تن از زنان روستایی در کشورهای عقب مانده، در فقر مداوم بسر می برند و بیش بینی می شود که شمار آنان تا سال (۲۰۰۰) میلادی به (۸۰۰) میلیون تن افزایش یابد.

و زیبا ترین اوا، آوای مادرم، این کلمهء آکنده از عشق و امید است، کلمه یی شیرین و مهر انگیز... مادر همه چیز است. او در غم و اندوه تسکین دهنده ماست، در بیچاره گی امید ما و به هنگام ضعف و ناتوانی قوت و نیروی ما.

خورشید مادر زمین است و غذای گرما بخش خود را به ان می دهد و در هنگام شب، تا وقتی که زمین را با آواز دریا و نجوای پرندگان و جویبارها به خواب نهد، جهان را ترک نمی کند.

و زمین مادر درختها، و گلهاست، زمین آنها را می زاید و پرستاری می کند، و بعد آنها را از شیر میگیرد، درختها و گلها نیز مادران میوه ها و دانه های خود می شوند.

و مادر به آن نمونهء نخستین تمام هستی و روح جاودانی است که لبریز از عاطفه و محبت و زیبایی است.

* * *

سمنبو،

شاعره یی از دیار حنظله

سمنبو فرزند محمد یوسف، از اقوام فیروز کوهی ولایت بادغیس است، در سال (۱۳۰۸) خورشیدی چشم به جهان گشوده نظر به دشواریهای فراوانی که سر راهش قرار داشت، نتوانست به دامان آموزش و سواد دست بزند، ولی استعداد فطری، احساس انسانی و اثر پذیری از محیط پر شور بادغیس، یاد حنظله و وطن خوش دوبیتی های محلی، روان وی را صیقل نموده و سوزی خاص به آن بخشیده است.

سمنبو با مدد حافظهء نیرومند و شوق سرشاری که در نهادش بود، توانست احساس خود را به زبان محلی و قومی خویش تا حدودی ادا کند.

این شاعره که دست یی مهر روزگار از نعمت خواندن و نوشتن محروم گردانیده با طبع روان این طور فریاد بر می دارد.

من استم بیسواد الله الله ز تو خواهم مراد الله الله
و اینکه:

بی سوادم در حیات خویش خوار افتاده ام
مثل مجنونم به دشت و کوهسار افتاده ام
از او دو مجموعه شعر به چاپ رسیده است: «ناله های سمنبو» و گلهای سمنبو

* * *

طنز

کار مؤثر و سود مند

از: ع.ج



روز های اول را با نابلدی و بازیگوشی گذشتاندم، کم کم راه را بلد شدم و هم به اصطلاح پر و بالم باز شد و همراهی بچه ها به بازی وساعت تیری پرداختم، خلاصه روز ها، هفته ها، و ماه ها گذشت و ما در کمال صمیمیت و صداقت مکتب می رفتیم، سالها یکی پس از دیگری سپری شد.

وقتی مکتب دهاتی را تمام کردم، پدرم نیز قطعه زمین و چند تا درختی را که داشت فروخت، به علاقه داری آمد و در آنجا با یکی از دوستانش دکانی باز کرده، مرا هم شامل مکتب نمود، مکتب علاقه داری با مکتب دهاتی چندان فرقی از هم نداشت، آنجا هم روی گلیم فی نشستیم و درس می خواندیم و این جا هم روی گلیم می نشستیم و درس می خواندیم.

چند سال دیگر نیز گذشت و من مکتب ابتدائی را تمام کردم، پدرم چون خودش از نعمت سواد محروم بود، آرزو داشت که من با سواد بار آیم، او از علاقه داری به ولسوالی آمد و برایش دکان مستغلی باز

پس از خدا حافظی از مکتب خارج شد و معلمی که پدرم مرا به وی سپرده بود، دستم را گرفته و درگوشه، دیگری از صحن مکتب برد و مرا به معلمی که مصروف درس دادن بود معرفی کرد.

چشم بچه ها به من که به اصطلاح نوه کی بودم دوخته شده بود، همینکه معلم رقت، معلم خود ما در حالیکه سرا پای مرا روانداز می کرد گفت:

بر و بشی!

و من با ترس و لرز در گوشه، آخر گلیم، کمی دور تر از بچه ها نشستم، در ختم ساعت درسی معلم اولی آمد و در حالی که به من کتاب می داد گفت:

سر از صبا کتبت قلم و کاغذ بیاری.

نزدیک چاشت بود که رخصت شدیم، من نمی دانستم چه کنم و چطور خود را به خانه برسانم، در همین وقت پدرم مرا صدا کرد، من با خوشحالی خود را به او رساندم و به طرف خانه حرکت کردم...

فی دایم پنجساله بودم با شش ساله که یک روز پدرم مرا همراه خود به قریه، همجوار ما که با قریه، ما فاصله، زیادی داشت برد و شامل مکتب دهاتی کرد. بایدن مکتب، معلمین و بچه ها که برخی مصروف بازی بودند و تعدادی هم در گوشه های صحن مکتب روی گلیم نشسته و درس می خوانند و برایم تازه گی داشت، دهانم باز مانده بود و این طرف و آن طرف نگاه می کردم.

وقتی به خانه برگشتم، همینکه مادرم از بابت شمولیت در مکتب مطمئن شد با خوشحالی رفت و ازین یخدان پارچه، جیم مانندای را بیرون آورد، با قیچی و سوزن و تار به جانش افتاد تا برای من تیراق بدوزد، من نیز خوشحال بودم و هوای دیگری داشتم.

فردایش باز هم پدرم پیش از اینکه طرف دکان برود، مرا که که تیراق خالی ام را بر شانه انداخته بودم تا مکتب رسانید و تسلیم معلمی کرد که در اتاق بود. پدرم

کرد و مرا هم به مکتب متوسطه ولسوالی شامل نمود، این مکتب با مکتب علاقه داری تفاوت زیاد داشت، عمارت مکتب خیلی قدیمی بود و صنف ما و اتاقهای متعدد در آن وجود داشت، صنف ها همه رنگ روو رفته و بی ریخت بود، چوکی ها شکسته و ریخته و به اصطلاح کهنه و لقه بودند. یکی دو روزی که من کمی ناوقت به صنف رسیدم، چوکی ها توسط شاگردان

بزرگتر و تنو مندتر اشغال شده و متباقی شاگردان در آخر صنف یا روی تیراق یا روی دوشکچه بی که با خود آورده بودند چهار زانو نشسته بودند. گاهی هم به خاطر گرفتن چوکی جدال رخ می داد، حال و روز ما بچه های کم جان معلوم بود، همینکه وارد صنف می شدیم، آرام ویی صدا در آخر صنف چهار زانو می نشستیم. هیچ روزی نبود که در صنف ما به خاطر جر کردن چوکی نزاعی رخ ندهد و لب و دهنی خونین نشود.

بار ها معلمین که از زد و خورد بچه ها اطلاع یافته بودند، قبل از شروع درس به آنها نصیحت می کردند، اما به گوش کسی نمی رفت، سر انجام يك روز تفریح بود که آمر مکتب همه شاگردان را نزدیک اداره خواست و گفت:

تمام چوکی ها را به شمول چوکیهای معلمین از صنف های تان بکشین و ده صحن مکتب کوت کنین.

باجمع کردن چوکیها از صنف، بچه هایی که روی چوکی می نشستند با ناراحتی می گفتند:

چرا چوکیها ره جمع می کنن؟ ازی بعد ما چطور کنیم؟ یکی گفت:

ری نزن مه از خانه کتی خود میارم. همینکه چوکیها از صنوف کشیده شد، باز هم آمر مکتب امر کرد:

فرش گردیم؟



صنف ها رفتیم، صنف های خود را فرش شده و با گلیم یافتمیم و حیران شدیم.

قبل از شروع ساعت درسی نگران ها به شاگردان امر کردند که مقابل اداره جمع شوند. همینکه مقابل اداره جمع شدیم، آمر مکتب روی زینه استاده و خطاب به ما گفت:

میفامین که چرا در صنف های تان گلیم فرش گردیم؟

همه خاموش ماندیم تا علت این کار از زبان خود آمر صاحب بشنویم. آمر افزود:

تا جائیکه دیدیم و احساس کردیم، موجودیت همان چند تا چوکی کهنه و فرسوده عده زیاد شما را از کار و درس کشیده بود، و هرروز بر سر جر کردن چوکی نزاع و دعوا و بعضاً هم زد و خورد رخ می داد، ما به خاطر

ایکه، شما فقط و فقط متوجه درسهای تان باشین، چوکیهاره لیلان کردیم و در عوض ای گلیم ها ره خریدیم، تا همه تان آرام و بدون پر تری از یکی دگی تان روی آن بنشینید و سر چوکی دعوا نکنین و درس بخوانید، حالی دگه به صنف های تان برین. و ما شاگردان دست و پای و کم جرأت در حالیکه آمر صاحب مکتب را به خاطر این کارش تحسین می نمودیم، وارد صنف ها شدیم، همه شاگردان وارد صنفها شدند و



چار زانو روی گلیم نشستیم.

حالی تمام تان ده صنف های تان برین و صنف های تانه پاک و ستره مثل قف دست جارو کنین، مه می آیم و می بینم، وا بهجان اونهایی که صنف شان پاک و ستره نباشد. هیچکس نمی دانست که آمر اداره ازین کار خود چه منظوری دارد، با آنهم بچه ها به خاطر بدست آوردن جا درتکاپو شدند، خلاصه تمام صنف ها، همان گونه که آمر مکتب گفته بود پاک و ستره شد. آمر اداره پس از مشاهده صنف ها همه را رخصت نمود.

فردای آن روز وقتی به مکتب آمدم و به

مایوسی را نباید به خود راه داد

چرا بی حوصله گی؟

تلخیص و نگارش: ذکیر وردک

ماهتاب شبهای تاهستان فکر کنید. اینها چیزهایی است که همیشه در دسترس تان است ولی بعید نیست بدان توجهی نکرده باشید. به همین چراغ برق فکر کنید که بافشاردن دکمه، ای روشن می شود، همین خود نعمت بزرگیست. خلاصه فهرستی از همه این چیزها که باید موجب شکر گزاری تان شود، فراهم آورید.

به سلامت خود بنازید و شاکر باشید، حتی اگر چندان سالم نباشید، یقین داشته باشید که هم اکنون هزار نفر وجود دارند که دلشان می خواهد سلامت شان به اندازه سلامت شما باشد.

یا به مشکلات گذشته تان فکر کنید که اکنون دیگر وجود ندارند. به فرصت هایی که هر آن برای محبت کردن و محبت دیدن وجود دارد بیندیشید.

خوبست هر روز به یکی دو مورد از موارد بالا فکر کنید و چشم خود تا را باز کنید تا فایده و خاصیت هیچ چیزی از نظرتان پنهان نماند.

بیحوصلگی شما ممکن است بیشتر از این جاناتاشی شود که نمیدانید چگونه باید روز را شروع کرد؛ مثلاً اگر با بیحوصلگی و بدخلقی روز را شروع کنید، آنروز را با بیحوصلگی به پایان خواهید برد و بر عکس، پس متوجه باشید که روز تان را با لبخند و با خوشی آغاز نمائید.

وقتی ما گرفتار چنین حالت می شویم چه باید بکنیم؟ دوا های آزموده ای دراین باره می شناسیم که هر کسی میتواند با اندک تمرین و ممارستی آنرا فرا گرفته و استفاده نماید.

نخستین دواي این درد آنست وقتی که گرفتار بیحوصلگی و بیحالی شدید کوشش نمائید شکر گزار باشید، هر کدام ازما از نعمت هایی بر خورداریم که قدر آنرا نمی شناسیم و اکثر این نعمت ها بصورت استعداد هایی است که در ما وجود دارد و ما برای به ثمر رساندن آن کوشش به خرج نمیدهیم.

روبرت بروک، شعری نوشت و نام آنرا چنین گذاشت: «من برای این چیزها عشق می ورزیدم» آنوقت فهرستی از چیزهای کم اهمیت و پیش پا افتاده زندگی را بدست داده و مدعی شده است که این چیز های مبتذل روزمره سعادت او را در زندگی تأمین کرده است. شما هم تصمیم بگیرید فهرستی از چیز های کم اهمیتی که موجب خوشی شما می شود، تهیه کنید. به زیبایی چیزهای کوچکی بیندیشید که هر روز به شما لطفی می شود. به جوانه های درختان فکر کنید، به نقیصه پرندگان در بهار و تاهستان گوش کنید، به غروب آفتاب شگفتی انگیز، به امواج سهمگین دریا خیره شوید، به نسیم خنک سحری و به

رو شکر کن، مبادا از بدتر شوی.

«سعدی»

مردم ما مردمی هستند که خیلی زود در برابر نا ملایمات روزگار خودشان را می بازند و مایوس شده و تارک دنیا می شوند و حتی بعضاً به فکر خود کشی می افتند. نامیدی و یأس چیزی نیست که برای ما ناشناخته باشد چه همه ما کم و بیش گاهی باین مبتلا شده ایم و یا می شویم. مشکلات عصر ما زیاد است، مردم خشن و کم محبت شده اند، به سختی ممکن است به آرزو های خود برسیم، همه اینها موجب می شود که مایوس و بی حوصله بشویم.

احتراز از چنین قهارب تلخی امکان ندارد بطوری که اگر کسی به من بگوید که آه میزادی را سراغ دارد که هیچگاه در عصر امروز در زندگیش دچار بی حوصلگی و یأس نشده است.

فرق میان مردمان از این حیث نیست که یکی گرفتار بیحوصلگی می شود و دیگری نمی شود بلکه تفاوت آدمیان در نحوه روبرو شدن با این مصیبت ساری قرن ماست، زیرا زنان و مردانی هستند که می توانند بر بیحوصلگی و مایوسی خود مسلط شوند و عده ای برعکس قادر به چنین کاری نیستند و همیشه بیحوصله خشن و ترش روی هستند.

مثلاً وقتی که برای نماز صبح وضو می گیرید با صدای بلند باخود بگوئید: «فکر میکنم امروز روز خوشی باشد، کار ارزنده بی امروز انجام خواهم داد» وقتی که از خانه بیرون رفتید همین دو جمله را به تنادوب باخود تان تکرار کنید یقین داشته باشید که مغزتان تابع دستوری است که شما بدان می دهید.

بدین ترتیب رفته رفته به خود اعتماد پیدا خواهید کرد. وقتی که از خانه خارج می شوید مثلاً باخود تان بگوئید: «من به خدا ایمان دارم». آنوقت کار خودتان را در هرجائی که هست آغاز کنید. فراموش نکنید که اگر فکر کنید این خانه خویست این خانه خوب خواهد بود و اگر فکر کنید این خانه بد است این خانه بد خواهد بود، همه چیز تابع فکر ماست.

طی روز متوجه کلمات و افکار تان باشید. بعید نیست افکار منفی به ذهنتان هجوم بیاورد خصوصاً بوقت بیحوصلگی و مایوسی چنین افکاری بیش از معمول به ذهن آدمی می رسد. شما باید جای افکار منفی را به افکار مثبت و خوشبینانه بدهید.

مثلاً اگر حس میکنید که آدم ورزیده نیستید بیدرتنگ باخود بگوئید که آدم ورزیده هستید و از سلامت برخوردارید و از این قبیل.

خوب، تا کنون به سه چیز اشاره کردیم. که عبارتند از شکر کردن و امیدوار بودن و اعتقاد داشتن. شما باید بنحوی به این سه چیز پردازید که درذهنتان چیزی جز آن مقامی نداشته باشد.

همچنین باید بیاموزید که بنحوی زندگی تان را مرتب سازید که وقت اضافی نداشته باشید.

بزرگترین داری بیحوصلگی آنست که آدمی ذهنش پر باشد یعنی مشغله های ذهنیش زیاد باشد.

شاید شما هم متوجه شده باشید که چگونه وقتی بکاری مشغول می شوید، ناگهان بی حوصله گی ناپدید می شود.

علت بسیاری از بی حوصله گی های ما چیزهای جزئی است. يك كسی جهان بینی خود تان را عوض کنید مثلاً گاهگاهی خریست ذهن تان را متوجه امور مهمه زندگی بکنید.

وقتی که به چیزهای مهم فکر کردید غم های جزئی خودتان را فراموش خواهید کرد. سعی کنید شرح حال مردان و زنان بزرگ را بخوانید تا ببینید که آنها هم چگونه گاهگاهی دچار بیحوصلگی و نامیدی می شدند و بر آن مسلط می گشتند.

ذهن تان را باطراف متوجه سازید تا ببینید زندگی چقدر بزرگ است، آنوقت خواهید دید که بیحوصلگی و گرفتاری تان در مقایسه با عظمت طبیعت و با مهارزاتی که مردمان کردند و برنده شدند چقدر ناچیز و محقرانه است. بد نیست خودتان را بشناسید، فکر کنید که در آینده چگونه شخصی خواهید بود، آنوقت آنقدر بکوشید تا همان شخصی که می خواهید بشوید و به کمتر از آن قانع نشوید.

اول يك تصویر درست از خویشتن در ذهن خود ایجاد کنید و بعد مشغول فعالیت شوید اندکی بعد خواهید دید که چگونه کار و فعالیت هر روز به هدف خود نزدیک تر می شوند.

برای آنکه بر بی حوصلگی خود تسلط پیدا کنیم باید بدو نکته دیگر نیز توجه کنیم: نخست آنکه یاد بگیرد طوری زندگی کنید که فقط به امروز توجه داشته باشید، نه فردا و نه به دیروز. یکی از بزرگترین مواهی که خداوند «ج» نصیب ما کرده آنست که عمر ما را به روزهایی چند قسمت کرده است. با خود بگوئید امروز به من تعلق دارد و اکنون فقط مسئول اداره

آن هستم.

دوم- آنکه در پاره بی از اوضاع واحوال هست که باید یاد بگیریم در آن کاری نکنیم حوادث تلخ و مردمان تلخ تر وجود دارند ولیکن وجود شان موقتی است و گذرا باید عادت کنیم و با خود بگوئیم این نیز خواهد گذشت و دیگر اقدامی به عمل نیاوریم، زیرا وقتی که کاری در مورد مشکلی از دست ما ساخته نیست باید کاری به کار آن مشکل نداشته باشیم و به مرور زمان متوسل شویم. همیشه مجبور نیستید دست به اقدامی بزنید. بالاخره آنچه را که در بالا دوباره مرفع بیحوصلگی گفتیم ذیلاً خلاصه کنیم:

۱- نخست آنکه شاکر باشید.

۲- روز را با امید آغاز کنید.

۳- بخود تان اعتماد داشته باشید و با ایمان باشید.

۴- همیشه سعی کنید مشغول باشید و به مردم نیکی کنید.

۵- بلند نظر باشید و به عفت و پارسایی پی ببرید.

۶- تصویر درستی همیشه از خویشتن در نظر داشته باشید.

۷- امروز تان را به دیروز و فردا نفروشید و آنرا تهاه نسازید.

۸- یاد بگیرید که باید اقدامی نکرد و جریان حوادث را به مرور زمان وا گذاشت.

وقتی که روز را بدین ترتیب به پایان رسانیدید، شب هنگام قبول کنید که روز خوبی را پشت سر گذاشته اید و خدای «ج» را برای روز دیگری که نصیب تان خواهد شد شکر کنید و کار های خوبی را که کرده اید، پیش چشم مجسم سازید.

رفته رفته سعی کنید به این قرین ها خوی بگیرید، البته نه آنکه دیگر به بیحوصلگی و نامیدی دچار نخواهید شد، بلکه اگر به آن گرفتار شدید راه مهارزه با آنرا بلد خواهید بود.

نسل فردا و مسوولیت مادران

شخصیت کودک و اثر گذاری مادر

ع. سبا

ارائه می دارند، اطفال و کودکان را نباید از واقعیت های زنده گی دور نگهداشت، نباید آنها را در يك محیط مجرد از محیط اجتماعی با خصلت های فرهنگی اعم از فرهنگ مادی و معنوی به پرورش گرفت، زیرا همانگونه که تذکر رفت شخصیت دارای ابعاد مختلف است بصورت کل مجموعه یی است از کلیه ویژه گیهای روانی و جسمی مثل احساس، عواطف، انگیزه ها، خلق خوی و صفاتی که فرد را با محیطش سازش می دهد.

پس این مادران هستند که با تکیه بر این واقعیت ها، مسوول درجه يك در قسمت ساختار و تشکیل پهلوی های مختلف شخصیت کودکان شان می باشند.

اگر آنها، از يك سو اطفال شان را در يك محیط آرام و مرفه تربیت می کنند، از جانب دیگر بایست به آنها تلقین نمایند که در جهان گسترده شان همین اکنون هزاران طفل و کودک به

بزرگتری را درقبال اطفال خویش به عهده دارند که عبارت از رشد، پرورش و تقویت ذهنی و روانی کودک می باشد. مادر همواره به عنوان نمونه و الگودر ذهن کودک قرار دارد، وژه گیهای شخصیت مادر، همیشه آگاهانه غیر آگاهانه به طفل و کودک انتقال می یابد و شخصیت او را تحت تاثیر قرار می دهد.

بنابر آن مادران بادرک این مسوولیت عظیم اجتماعی که نه تنها در برابر اطفال خویش، بلکه در قبال نسل فردای جامعه دارند، بانیست در قدم نخست به خاطر رشد شخصیت فرزندان شان با آنها در يك فضای صمیمانه و مملو ازعاطفه و احساس بر خورد نمایند. مخصوصاً حساسیت روان کودک و آسیب پذیری شخصیت او را درک کنند و بعد آرام آرام او را با زنده گی به معنای واقعی کلمه و یا پهلوی های مختلف آن آشنا سازید.

طبق نظریاتی که جامعه شناسان و پژوهشگران عرصه روانکاری معاصر

در اثر تحقیقات و پژوهشهایی که توسط جامعه شناسان و روانشناسان صورت گرفته، این حقیقت روشن شده است که خانواده به ویژه مادر، نقش عمده و اساسی، در امرتشکل شخصیت اطفال و کودکان دارد، که این مساله وظیفه بس سترگ و مبرمی را فرا راه مادران که نقش شان نه تنها در تربیت کودکان، بلکه در تداوم نسل بشری، عمده و تعیین کننده می باشد قرار می دهد، وقتی از شخصیت صحبت می شود، ابعاد گوناگون آن عطف توجه می کند، بخصوص شخصیت سازی در کودکان که همچون گلهای ظریف، حساس و زیبا هستند و لازم است که با آنها طوری رفتار صورت گیرد که ویژه جسم و روان شکننده و انعطاف پذیر شان است.

این نکته را باید به خاطر سپرد که مسوولیت والدین و به گونه خاص مادران درین جا خائنه نمی یابد که آنها و سایل مادی زنده گی فرزندشان را فراهم کنند، بلکه آنها وظیفه مهمتر و



پیام یونسکو

بیماری «ایدز» بلای خائنان بر اندازی است که تا کنون دارو و درمان درست آن تشخیص داده نشده است.

امروز داروی بیماری «ایدز» سالیانه به میلیونها دالر بالغ می گردد و یک بخش قابل ملاحظه اقتصادی جهان غرب دین زمینه به مصرف می رسد.

در ماهنامه «پیام یونسکو» می خوانیم:

سازمان صحتی جهان تخمین می کند که از آغاز شیوع این بیماری مهلك همه گیر تا اوسط (۱۹۹۴) میلادی در حدود چهار میلیون زن و مرد و کودک به «ایدز» مبتلا شده اند. این رقم افزایشی برابر ۱.۵ میلیون را طی فقط یک سال نشان می دهد و تا سال (۲۰۰۰)م. رقم کلی مبتلایان در حدود ده میلیون خواهد رسید.

تعداد موارد ابتلا به «ایدز» در همه جا رو به افزایش است، این افزایش در مناطقی که این بیماری تازه گی دارد، مثلاً در قاره آسیا طی یک سال یعنی از اوسط ۱۹۹۳-۱۹۹۴ هجده برابر گردیده است. اما به طور مطلق، بیشترین شیوع بیماری هنوز در بخشهای از امریکای شمالی و افریقا است، یعنی در جاهایی که نخستین بار موارد «اچ-آی-وی» دیده شده است.

مثلاً در نیویارک، بیماری «ایدز» بزرگترین عامل مرگ و میر در میان مردان و زنان بین بیست و پنج تا سی و چهار ساله است، در ناحیه «ماساچوست» در کشور یوگندا، تلفات بیماری ایدز، به اندازه نصف تعداد مرگ و میر مجموع نفوس است.

بیماری «ایدز» در افریقا بیش از هر نسبت مرگ و میر و عوامل دیگر، دارای تاثیرات اجتماعی و اقتصادی می باشد. کار فرمانایان با مصارف گزاف پزشکی و از دست دادن کارمندان ورزیده رو برو شده

اند، اجتماعات روستایی شاهد از هم گسیختن واحد بنیادی خویش یعنی خانواده است و هر روز تعداد بیشتری از کودکان یتیم و بی سر پرست می شوند که این خود می تواند مسایل و پروبلمهایی را در جامعه ایجاد نماید سازمان صحتی جهان تخمین می نماید که تا سال (۲۰۰۰) میلادی در حدود هشت میلیون کودک، مادران شان را در اثر ابتلا به بیماری «ایدز» از دست می دهند. تا آنجا که به مبتلایان (اچ-آی-وی) مربوط می شود سازمان صحتی جهان رقم آنرا به بیش از نژده پیمایش می کند که بیش از (۴۰) درصد آنها در سر زمینهای زیر صحرای افریقا سکونت دارند، اما دامنه انتشار (اچ-وی-آی) اکنون به آسیا که نیمی از جمعیت جهان را در خود دارد کشیده شده است.

سازمان صحتی جهان اعلام می کند که تعداد کلی مبتلایان این بیماری در جنوب و جنوب شرق آسیا از یک میلیون به ۲.۵ میلیون تا اوسط سال ۱۹۹۴ رسیده بود. چین از این لحاظ بیشتر از هر کشور دیگر آسیب پذیر است، اگر دامنه انتشار به این پر جمعیت ترین کشور جهان برسد، تاثیر عظیمی بر آسیا خواهد گذاشت.

در کشور های آسیای میانه و اروپای شرقی بنابر احصائیه های سازمان صحتی جهان بیش از هشتاد هزار موارد ابتلا به ایدز تا سال ۱۹۹۴ دیده شده است.

در شمال افریقا و خاورمیانه منطقه یی دیگری که زمانی فکر می شد از دسترس «ایدز» به دور مانده است، حدود یکصد و بیست هزار مورد «ایدز» دیده شده است.

امریکای لاتین و منطقه کارتیب تا کنون بیشتر از دو میلیون مبتلا داشته است هر روز بخشهای بیشتر از برازیل که ممکن سبب توسعه بیماری درین منطقه شود، شاهد افزایش ابتلا به ایدز است.

موسم سرما،

زکام و سینه و بغل

دوکتور قادری

درمان و تداوی نمود:

- گرفتن مایعات به مقدار زیاد از طریق دهن، ندرتاً ایجاب هایدریشن وریدی را می نماید.

- (گرفتن انٹی بیوتیک)، کاهل: دوز نورمل پنسلین البته بعد از تبست برای مدت ده روز

در صورتی که مریض حالت تهوع و استفراغ داشته باشد، پنسلین پروکائین را به مقدار دوز معمولی از طریق عضله بگیرد و زمانیکه حالت تهوع و استفراغ از بین رفت، دوباره گرفتن تابلت شروع شود.

برای اطفال به مقدار نورمل و معیاری برای میتوپریم (سلفا) برای مدت هفت روز داده شود.

- به خاطر پائین آمدن تب برای بیمار «پراستامول» تجویز گردد.

بیشترین بیماران مصاب به «سینه و بغل» باید داخل بستر گردند. مریضانی که تعداد دفعات تنفس شان چهل بار در یک دقیقه باشد، و یا شعورشان مغشوش بوده و یا هم مصاب به سؤ تغذی باشند باید بستر و تحت نظر دوکتوران معالج قرار گیرند.

در صورتی وضع مریض بعد از چهل و هشت ساعت بهتر نشده، انٹی بیوتیک آن تغییر داده شود.

آن از تابلت «پراستامول» استفاده شود.

۳- در صورتی که اعراض بیماری تا هفت الی ده روز ادامه یافت و در وضع مریض بهبودی حاصل نشد و یا اگر تب بلند رفت، به دوکتور معالج مراجعه شود.

سینه و بغل:

عامل این بیماری يك عفونت جدی نسج ششها می باشد، این بیماری نسبت به زکام معمولی قدری جدی تر بوده و می تواند نزد اطفال و کودکان نوزاد، اطفال مصاب به سوء تغذی و اشخاص مسن خطرناک باشد. این بیماری ممکن است به صورت آنی و یا بعد از يك دوره بیماری به يك مریضی حقیف طرق تنفسی تحول نماید.

اعراض و علائم:

علائم و اعراض سینه و بغل این ها می باشد:

- تب

- تنگی پینی (ازدیاد دفعات تنفس)

- عسرت تنفس (نفس کوتاهی)

- انحطاط تنفسی (تپش منافذ پینی،

کش شدن قهرغه ها) به طرف داخل، خر خر

و سرفه نی که بیشتر مرطوب باشد)

طریقه تداوی:

این بیماری را به طریقه زیر می توان

زکام معمولی يك عفونت ویروسی بوده و غشای مخاطی پینی، گلو و طرق تنفسی علوی را مورد حمله قرار می دهد. نکته قابل تذکار این است که هیچگاه نباید این نوع زکام را با «انٹی بیوتیک» درمان تداوی نمود. «انٹی هستانیک» یا دویه ضد حساسیت، در صورتی که از سبب الرژی نباشد باعث سخت شدن بلغم گردیده و در نتیجه اطراح آن را به اشکال روبرو می کند.

اعراض و علائم انی زکام را میتوان

چنین شماره بندی کرد:

۱- افزایش شفاف آبگین از پینی

۲- گلو دردی خفیف

۳- تب خفیف

۴- سرفه یی که فاقد بلغم چرکین باشد

۵- گرفته گی صدا

راه های تداوی این نوع زکام:

۱- در صورت ابتلاء به این بیماری سعی شود تا مایعات به مقدار زیاد صرف شود، مخصوصاً مایعات گرم مانند چای، آب گرم و غیره.

۲- اگر زکام با گلو دردی و تب خفیف توأم باشد، برای بیمار آسپرین داده شود. و اگر آسپرین موجود نباشد به عوض

از لابلائی صفحات تاریخ

افغانستان در امتداد راه ابریشم

شهرک‌ها و بنادر آن وصل گردید. علت اصلی این کشف تجارت و خرید و فروش ابریشم بود، زیرا بازرگان مذکور در بخشی از سوریه امروز مراکز تجارتی داشت و می‌خواست تا ارتباطی میان منطقه تولید ابریشم و مراکز ویژه تاب دادن و رنگ آمیزی آن قایم نماید.

این دو محل از هم خیلی دور بود، بدین معنی که در آن زمان «مرکز تولید ابریشم ترکستان شرقی یا سنکیانگ بود که بنام هندوچین می‌خواندند و شهرهای مشهور تولید ابریشم در آن سرزمین عبارت بود از کاشغر و ختن. همچنان مراکز ابریشم تاب و رنگ آمیزی در خاکهای سوریه تا نزدیکی سواحل بحر روم موقعیت داشت.

ابریشم و پارچه‌های ابریشمی در قلمرو امپراطوری روم علاقه‌مندان و خریداران بی شماری داشت و پیوسته کاروانهای بزرگ اشتر بین کاشغر و ختن و شهرهای سوریه و بنادر بحر روم در حرکت بوده نقاط مهمی که در مسیر راه ابریشم قرار داشت از غرب ووق بزئید

های بحری، به خاطر حوادث و اتفاقی که در بحر رخ می‌داد از اهمیت خشکه و کاروان‌های تجارتی تا چندی کاسته نشده بوده نخستین کسی که راه خشکه بین یونان و باختر را کشف کرد، یکی از بازرگانان مقدونی بنام «ماتس گی تیانونس» بود. با این اکتشاف مراکز تجارتی و بازرگانی

قبل براینکه راهای بحری و دریایی کشف و مورد استفاده قرار گیرد رابطه‌ها و رفت و آمد‌ها و انتقال کالاهای تجارتی به وسیله کاروانها در خشکه صورت می‌گرفت که از کرانه‌های شرق بحیره مدیترانه یا بحر سفید تا قلب چین در آسیا امتداد داشت.



شمال افغانستان به ویژه شهر باستانی و زیبای بلخ به سواحل بحر روم و شهرها و

شواهد و اسناد تاریخی این نکته را نیز روشن می‌سازد که حتی پس از کشف راه

به شرق عبارت بود از «هراپولیس» شهری در کنار رود فرات، سیبی، هکتیان یا همدان، راگش یا راغس، یا ری، در نزدیکی ایران، هکاتوم در حوالی شاهرود. سپس راه مذکور از بخش هایی در حوالی بین مرو و هرات و بیشتر از هرات گذشته و به سوی بلخ بامی امتداد می یافت و از آنجا برخی از اوقات دوشاخه می گردید و از سواحل آمو دریا جانب کاشغر و ختن جلو می رفت. به همین گونه در داخل افغانستان کنونی می توان گفت که عده یی از کاروانهای راه ابریشم از دره واخان از دامنه های پامیر گذشته و از تاشقرغان که در دامنه های شرقی پامیر واقع است به سوی کاشغر و ختن در حرکت بود.

افغانستان در گذرگاه معروف ابریشم از موقعیت ویژه و ممتازی بر خوردار بود و از نظر مسایل بازرگانی سود زیادی نصیب می شد. و علت عمده آنهم این بود که عبور گاه «ابریشم» درین سرزمین چه به طرف شمال و چه بسوی جنوب امتداد می یافت. شهر بلخ در نقطه ای واقع گردیده بود که شاخه هندی یا جنوبی و شاخه شرقی یاچینی راه ابریشم در آنجا بهم اتصال می یافت و اشتر بخشی یعنی اشتر دو کوهانه از شهرت جهانی بر خوردار بود که درین کاروانها نقش مهمی داشت.

علاوه بر ابریشم که از طریق کاروانهای بازرگانی وارد سرزمین افغانستان می شد و از آنجا به شهرهای غرب آسیا انتقال می یافت، بعضی از محصولات نباتی و حیوانی و فرا آورده های معدنی مثل لاجورد، عقیق

پشم و قالی و میوه خشک از داخل افغانستان و برخی از کالا های دیگر مثل پنبه و مواد معطر نباتی، نیل و غیره از سرزمین هند وارد گردیده و از راه افغانستان به خاکهای آسیای غربی میرسید و بعد توسط بازرگانان یونانی و رومی به امپراطوری روم انتقال می یافت.

راه ابریشم که در بین مردم و ملل گیتی داری شهرت ویژه و بسزایی است، راه سراسری کاروان روی بود که نزدیک دو بخش قاره آسیا را فرا گرفته بود و نظر به ارزشمندی که از نظر اقتصاد و بازرگانی داشت عامل ارتباط کشورهای بزرگ جهان چون چین و دولت کوشانی و امپراطوری روم به شمار میرفت. ■

نسل فردا ...

خاطر فقر و گرسنه گی با مرگ دست و پنجه نرم می کنند و صد ها تن شان از گرسنگی می میرند.

همچنان مادران نباید نقش شان را در انتقال فرهنگ به اطفال و فرزندان شان فراموش نمایند، آنها باید در ساختن شخصیت فرهنگی کودک شان سهم فعال داشته باشند. از آغازین ایام کودکی به او تفهیم نمایند که کی هست، چه سابقه تاریخی دارد، زادگاهش کجاست و فرهنگ گذشته اش کدام است.

یکی دیگر از راههای رشد شخصیت در کودکان ایجاد محیط پر محبت خانواده گی است، تا در آن ناراحتی های جسمی و روانی کودکان از میان رفته و به عنوان افراد مهم و با اراده و داری اندیشه آزاد،

در پایه گذاری آینده سهمیم گردند. به کودک باید از نخستین سالهای زنده گی احساس مسوولیت و ابراز شخصیت تلقین گردد، هیچگاه از توهین و تحقیر در برابر آنها کار گرفته نشود اگر مرتکب خطایی می گردند با زبان خوش و طوری که شخصیت شان در برابر دیگران خورد نشود از آن کار باز داشته شوند، به پرسشهایی که در ذهن کودکانه، شان بعضاً خطور می کند با حوصله فراخ پاسخ گفته شود و به صورت عموم زمینه هایی مهیا گردد تا آنها بتوانند خود را تبارز دهند که در فرجام این تبارز احساس شخصیت و موجودیت نمایند. امکانات تفریحات سالم برایشان برابر گردد، مهارتها و استعداد های شان از همان ایام طفولیت کشف و رشد داده شود. که مجری این همه برنامه ها بازهم در گام نخست مادر می باشد.

از آنچه گفته آمد به این نتیجه می رسیم که جهت تشکیل شخصیت سالم، و اقبیین و با درك، و به خاطر تربیت درست نسل فردا و در نهایت به خاطر ساختار يك جامعه، مرفه و آرام، والدین بخصوص مادران پكوشند تا شخصیت اطفال و کودکان شان را از خردسالی به گونه یی رشد دهند که آنها، به عنوان افراد با مسوولیت و صادق و نه بی بند و بار و بی تفاوت به سرنوشت مردم بار آیند و جامعه یی را که در آینده می سازند عاری ازهر گونه بدبختی ها، بی دردی ها به تعصبات بی مورد و بر خورد های غیر سالم باشد. ■

خوشه‌ها از زمین‌ها

معبدی از آگینه

سلیمان پیامبر در معبدی که از آگینه ساخته بودند در آمد و بر عصایی تکیه زده و به جوار مغفرت الهی انتقال فرمود.

دیوان آن پیغمبر عالی شان را از بیرون آگینه ایستاده می دیدند، گمان می بردند که به نماز قیام می نماید.

بعد از انقضای يك سال که مهم ایشان به انجام انجامید، به واسطه خوردن ارضه (موریانه) عصای سلیمان علیه السلام شکسته، آن جناب بهشتاد و خبر فوتش در عالم اشتهار یافت. «از کتاب حبیب السیر»

دهقان

من پیامبر رابه دستار شبانی دیده ام
درکف دهقان بساط خسروانی دیده ام

آزادی

هیچ کلمه یی به اندازه کلمه آزادی

آذهان را متوجه خود نساخته است و به هیچ کلمه یی معانی مختلف مانند کلمه آزادی داده نشده است، حتی برای عده یی آزادی عبارت از این است که حق داشته باشند مسلح شوند و زور بگویند. (مونستکو)

اخلاق

صاحبان اخلاق روح جامعه خود هستند (امرسون)

بزرگترین دارایی

وقتی اسکندر کبیر به تخت سلطنت مقدونیه نشست، هرچه اموال و اراضی از پدرش به ارث برده بود، بین دوستانش تقسیم نمود، «پردیکاس» از او پرسید: - برای خودت چه نگاهداشتی؟
در جواب گفت:
امید، که بزرگترین دارایی انسان است.

رَبِّتْهَا...

هر شوک در ربیتها داوریدو توان نلری

(توفیق الحکیم)

کاراویزار

دکاراویزار گته داده چی ورخی لنهوی
او عمر ته اووردوالی بینی

زره ورتبا

دیوه زره و زره دپاره هر خه ممکنه ده

تاریخ...

- از چارلز برده، مورخ امریکایی
پرسیدند که میتواند تاریخ بشریت را خلاصه کند، در پاسخ گفت:
- ۱- «خداوند کسانی را که می خواهد به هلاکت برساند، گرفتار جنون سیادت می سازد»
 - ۲- «زنهور همان گلی را تلقیح می کند که عصاره اش را کشیده است»
 - ۳- «وقتی ظلمت حکمفرما شود، ستاره گان جلوه می کنند»

انار،

سرشار از انواع ویتامین ها

(میوه بی در روی زمین محبوبتر از انار نزد پیغمبر (ص) نبود.)

انار دارای مقدار زیادی ویتامین PPB6, B2, B1 است.

طرز تهیه: پوست ریشه انار:

۸. گرام پوست خشک شده انار را

مدت ۲۴ ساعت در دو گیلان آب تر

غوره و بعداً حرارت داده شود تا حجم آن

به یک گیلان برسد. مایع حاصل شده

باید بری دو یا سه بار به مصرف برسد.

بعضاً خوردن مایع مذکوره اسهال،

سرگیچی و استفراغ را بهار می آورد.

شلغم

درمان سرفه

ونفس تنگی

)

شلغم

بخورید و

مداومت

در

خوردن

آن داشته باشی،

زیرا کسی نیست که رگ جذام

در او نباشد، پس به وسیله خوردن

شلغم آنرا زایل کنی (امام صادق (ع)

ریشه شلغم تأثیر نرم کننده وارد و در

رفع سرفه، سیاه سرفه و نفس تنگی به

شکل جوشانده های غلیظ و یا مخلوط

با عسل مورد استفاده قرار می گیرد.

انسان مؤمن و خدا پرست حقیقی، در قبال مراهب بی شمار پروردگار، از آن جمله غذا های گوناگون و خوراکی های لذیذ، وظیفه دارد همیشه خداوند متعال و نعمت های او را یاد کند و الطاف پروردگار را فراموش ننماید، تفکر کند که حقیقتاً مقصود از آفرینش جهان

هستی چیست؟

و این همه

نعمت

های

را

که

خداوند(ج)

آفریده و در اختیار

انسان قرار داده است برای

چیست؟

خداوند(ج) در قرآن عظیم الشان میفرماید:

ای مردم نعمت های که خدا به شما مرحمت

فرموده به یاد آورید، آیا آفریدگاری غیر از خداوند

هست که شما را از آسمان و زمین روزی دهد؟

و نیز خداوند(ج) میفرماید؟

باید انسان به غلای خود بیندیشد، ما باران را

فرو ریختیم پس از آن زمین را شکافتیم، و

حبوبات، انگور، سیبزی، درخت های زیتون و خرما،

باغ های پر از درخت بزرگ و تنومند، سایر میوه

ها و گیاه زار را رویانیدیم تا شما از آنها استفاده

کنید و چهارپایان شما بهره مند شوند.

با شکر بی گران از موجودیت نعمات الهی

اینک دین شماره- مجله انکشاف به خاطر

استفاده بهتر خوانندگان عزیز صفحه ویژه

خوردنیها را باز غوره و گوشه های دسترخوان این

صفحه را با معلوماتی چند درمورد خوردنیها تزئین

می بخشیم. و از خوانندگان و علاقمندان محترم

خواهش می نمایم تا در غنایندی آن با مطالب

کوتاه و مفید ما را یاری برسانند.

آب انار بسیار مفرح و مدر است.

در بیماری های مجاری ادرار و در

موارد عدم ترشح کافی مجاری

صفراوی بسیار مفید است. پوست

ریشه آن نظر به داشتن pelletierine

یک ماده بسیار قوی ضد کرم بوده که

پس از خوردن پوست ریشه انار کرم

کودانه و پرازیت های دیگر بی حس و

بی حرکت شده با گرفتن مسهل به

سهولت دفع می شوند.

کند.

مغز تخم کدو دارای تاثیر ضد کرم بوده، سمی نیست و در رفع کرم در اطفال هم می تواند استفاده شود.

برای استفاده از مغز تخم کدو جهت رفع کرم، مغز تازه کدو را کوبیده و با عسل یا مربا مخلوط و خورده شود. خوردن یک مسهل روغنی پس از ۴-۵ ساعت در دفع کرم به حرکت کمک می نماید.

کدو مدر بوده و یرقان را برطرف می سازد. در بر طرف کردن تب نیز رول داشته سینه را نرم و بلغم و سرفه را برطرف می کند.

اگر حلزای کدو پخته شده و گرم، گرم به روی مالیده شود و پند از نیم ساعت شسته شود رنگ چهره را شاداب، روشن و زیبا می سازد.

روغن تخم کدو برای تسکین درد بواسیر و جوشانده گل آن برای سینه پسار مفید است.

یک صد گرام قسمت خوردنی کدو دارای این مواد میباشد:

رطوبت 92.6mg

شحم 0.1 mg

مواد رشتی 0.7 mg

کالوری 25

مگنیزیم 14.0 mg

مواد رشتی ۰.۹ ملی گرام

سایید کاربوهایدریت ها ۶.۲ ملی گرام

کالوری ۲۹ ملی گرام

کلشیم ۳۰ ملی گرام

فاسفورس ۴۰۰ ملی گرام

آهن ۰.۴ ملی گرام

تیماین ۰.۴ ملی گرام

رابوفلورین ۰.۴ ملی گرام

نیو تینک اسید ۰.۵ ملی گرام

کدو،

زایل کننده غم و اندوه

حضرت محمد (ص) پیغمبر بزرگ اسلام می فرمایند:

(کدو زیاد بخورید زیرا کدو غم و اندوه را برطرف می کند)

(خوردن کدو با عسل، رقت قلب می آورد)

پیغمبر اکرم (ص) کدو را دوست میداشت و دست می برد تا آنرا از میان کاسه غذا جستجو کند و میل فرمایند.

پیغمبر (ص) از کدو خوشش می آمد و به ازواج مطهره خویش خود دستور می داد تا هر وقت که گوشت می پزند، کدو در آن علاوه نمایند.

از جمله وصایای پیغمبر (ص) به حضرت علی این بود که فرمود: یا علی به خوردن کدو عادت کن، زیرا کدو دماغ و عقل را زیاد می



تصویر شلغم

جوشانده غلیظ شلغم به شکل ضما در تسکین درد های مفصلی، نقرس، آبله ها، سرما زده گی و غیره بکار می رود، شلغم دارای یکماده قوی ضد میکروبی بوده که به همین جهت در تداوی سرما خوردگی و مریضی های میکروبی تاثیر زیاد دارد.

شلغم دارای فاسفورس ، کلشیم، آهن و ویتامین های B و C است که در تقویت بدن انسان رول زیاد دارد. دانه شلغم دارای روغنی است که نرم کننده و ملین است و استعمال آن از درد های کبدی و کلیوی جلوگیری می نماید. یک صد گرام قسمت قابل خوردن شلغم حاوی مواد ذیل میباشد.

رطوبت ۹۱.۶ ملی گرام

پروتین ۰.۵ ملی گرام

شحم ۰.۲ ملی گرام

مواد معدنی ۰.۶ ملی گرام

بقیه در صفحه ۵۴

ده په احتمال بود بل څخه موثق توپیر لری. په لوگر، وردگو او غزنی کی په بوه مربع متر څمکه کی د غنمو د وړو شمیر په دریم جدول کی لیدل کیږی. دریم جدول: د برکی، مقر او سپد اباد په ولسوالیو کی په بوه مربع متر څمکه کی د غنمو د وړو شمیر:

د غنمو وړونه	د برکی ولسوالی	د مقر ولسوالی	د سپد اباد ولسوالی
Atay-85	۴۰/۵	۳۵/۰	۳۳/۵
Zardana	۳۳/۱	۳۳/۵	۴۰/۰
shaghsh	۴۵/۲	۴۲/۵	۴۰/۰
TM- Mutant	۴۱/۸	۳۰/۰	۳۵/۰
Marius	۴۷/۵	۳۵/۰	۳۸/۰
Local	۳۷/۵	۴۰/۰	۴۰/۵
Bidi 17	۴۲/۰	۴۰/۰	۴۱/۵
Pamir-94	۴۰/۵	۴۰/۰	۳۵/۵

دی. د لوگر په ولایت کی د ټولو څخه تیټ حاصلات د محلی غنمو، په مقر او سپد اباد کی د ټولو څخه تیټ حاصلات د Bidi 17 استعمال په صورت کی په لاس راغلی دی.

په تیرو پنځو کلونو کی په عمومی توگه په دری واپرو ولسوالیو کی په تیره بیا د لوگر د برکی په ولسوالی کی د غنمو د نورو ډولونو په پرتله د Atay-85 د استعمالیدو په نتیجه کی په لاس راغلی وو، خو سبز کال د زیاتو او رښت د کبله د Atay-85 حاصلات په زیاتره سیمو کی د ستاینې وړنه دی ځکه په ډیرو ځایو کی نوموړی غنم د سرخی د مرض په واسطه اغیزمن شوی وو.

د غنمو پر حاصلاتو باندی د کیمیاوی سرو د استعمال اغیزی په دویم جدول کی لیدل کیږی.

دویم جدول: د برکی، مقر او سپد آباد په ولسوالیو کی د غنمو پر حاصلاتو (په جریب کی په کابلې منه) د کیمیاوی سرو اغیزی.

نوټ: په عمودی قطارونو کی هغه معاملی چی ورته توری ونه لری په سلو کی

په لوگر وردگو او ...

د غنمو وړونه	د برکی ولسوالی	د مقر ولسوالی	د سپد اباد ولسوالی
Atay-85	۴۰/۵	۳۵/۰	۳۳/۵
Zardana	۳۳/۱	۳۳/۵	۴۰/۰
shaghsh	۴۵/۲	۴۲/۵	۴۰/۰
TM- Mutant	۴۱/۸	۳۰/۰	۳۵/۰
Marius	۴۷/۵	۳۵/۰	۳۸/۰
Local	۳۷/۵	۴۰/۰	۴۰/۵
Bidi 17	۴۲/۰	۴۰/۰	۴۱/۵
Pamir-94	۴۰/۵	۴۰/۰	۳۵/۵
اوسط	۳۸	۳۵	۳۷

د ۰.۰۵ په احتمال موثق توپیر لری.

د لومړی جدول څخه داسی بریښی چی د لوگر د ولایت د برکی په ولسوالی کی تر ټولو څخه لوړ حاصلات Pamir-94 په مقرر کی تر ټولو څخه لوړ حاصلات Atay-85 او په سپد آباد کی د ټولو څخه لوړ حاصلات TM-Mutant په استعمال سره په لاس راغلی دی. په لوگر کی په دوهمه درجه لوړ حاصلات د Marius او په مقر کی په دوهمه درجه لوړ حاصلات د Zardana دا استعمال په صورت کی او TM-Mutant د استعمال په صورت کی په لاس راغلی دی. د لوگر په ولایت کی په دریمه درجه لوړ حاصلات Atay-85، په مقر کی په دریمه درجه لوړ حاصلات TM-Mutant او په سپد آباد کی په دریمه درجه لوړ حاصلات د محلی غنمو د استعمال په صورت کی په لاس راغلی

د دریم جدول څخه داسی ښکاری چی په مربع متر کی د ټولو څخه زیات وړی په ترتیب سره د برکی سپد اباد او مقر په ولسوالیو لیدل شوی دی. په برکی او مقر کی Marius غنمو د نورو څخه زیات وړی تولید کړیدی» د سپد اباد په ولسوالی د ټولو څخه زیات وړی په Zardana کی لیدل شوی دی. په مقر او سپد اباد کی د ټولو څخه لږ وړی په Bidi 17 او په لوگر کی د ټولو څخه لږ وړی په محلی غنمو کی لیدل شوی دی. د لومړی او دریم جدولونو څخه داسی نه ثابتیږی چی مربع متر کی زیات وړی د زیات حاصل سبب گرځی د مثال په ډول په لوگر کی Pamir-94 او په مقر کی Atay-85 زیات حاصلات وروکړی دی چی د وړو شمیری د غنمو د نورو ډولونو په پرتله زیات نه دی. د زرو دانو غنمو

منابع

1. Haider, G 1951. Report on Laboratory work, Kabul, Afghanistan.
2. Nielsen, G.A. and Samin A.Q., 1966. "Use of fertilizer for high yields, Mimographed presentation at the Ministry of Agriculture, publication series.
3. Samin A.Q. and Nielsen, 19967. Fertilizer trials on wheat in Afghanistan. Technical Bulletin # 1 Kabul University publication.
4. Samin A.Q/ 1998. Seed and fertilizer Trails in Ghazni, Wardak, Logar, Paktia and Herat provinces of Afghanistan.
5. Samin A.Q., 1998. Wheat varietal and Observation plots in Wardak, Argu, and Ishkashim districts of Badakhshan province. Afghanistan wheat trials.
6. Winch, 1989. Where there is no farmer. ICRC. Peshawar Pakistan (unpublished data.)
- Pamir-94, په مفر کی Attay-85 او په سېد اباد TM-Mutant د نورو ټولو څخه زيات حاصلات وړکړيدي. په تېرو څو کلونو کې د Attay-85 حاصلات په نسبې توگه د نورو ډولونو څخه زيات وه.
- تېر کال د لوگر ولايت د برکي په ولسوالۍ کې د Pamir-94 په مفر کې د Attay-85 او د سېد اباد په ولسوالۍ کې د Zardan حاصلات د غنمو د نورو ډولونو په پرتله زيات لېدل شويدي.
- په برکي اوسېد اباد کې په جريب کې د ۲۷ کيلو گرامو نائتروجن او ۱۲ کيلو گرامو فاسفورس استعمال او په سېد اباد کې په جريب کې يوازي ۶ کيلو گرامو فاسفورس استعمال د زياتو حاصلاتو د توليد سبب گرځيدلي دي. په سېد اباد کې يوازي د ۶ کيلو گرامو فاسفورس استعمال د اقتصادي حاصلاتو سبب گرځيدلي دي.
- د برکي، مفر او سېد اباد په ولسوالۍ کې د هغو تېټ حاصلات په نسبې توگه لږو په کومو کې چې کيمياوي سره هيڅ استعمال شوی نه وه.
- په راتلونکي کال کې د غنمو هغه ډولونه چې لږ حاصلات نه توليد کوي بايد دلست څخه وويستل شي او پر ځای د غنمو د نورو ډولونو تر ازمويښي لاندې ونيول شي.
- وزنونه په لوگر، مفر او سېد اباد کې په څلورم جدول کې ليدل کيږي.
- څلرم جدول: د برکي، مفر او سېد اباد په ولسوالۍ کې د ۱۰۰۰ دانو غنمو وزن په گرمه
- د څلورم جدول څخه داسې ښکاري چې په لوگر کې د Marius، په مفر کې د Shaghasti او په سېد اباد کې د محلي غنمو د زرو دانو نونه د غنمو د نورو ډولونو په پرتله زيات دي. په لوگر کې د ۱۰۰۰ دانو بيخي لږ وزن د محلي، په مفر کې د ټولو څخه لږ وزن د TM-Mutant او په سېد اباد د زرو دانو لږ وزن Attay-85 ښودلی دی. د مفر په ولسوالۍ کې د ټولو څخه د زرو دانو زيات وزن Shaghasti، خود ټولو څخه د زرو دانو لږ وزن Attay-85 ښودلی دی.
- داهم بايد په ياد ولرو چې د زرو دانو زيات وزن د لږو حاصلاتو سبب نه گرځي ځکه په مفر کې د ټولو څخه زيات حاصلات attay=85 حال دا چې د ۱۰۰۰ دانو زيات وزن يې Shaghasti ښودلی دی.
- لنډيز: د لوگر په ولايت کې

هر گیاهی که از زمین ...

خرما هم خرما هم ثواب

پس باید بنگرد چه غذائی پاکیزه تر است، از آن غذا رزق و روزی برای شما بیآورد (این آیه مربوط به اصحاب کهف است، در زمانی که بیدار می‌شوند و گرسنه هستند، یکنفر از خودشان را مأمور می‌کنند که به شهر برود و برای آنان غذایی تهیه کند)

(منظور از بهترین و پاکیزه ترین غذاها خرماست، کسی که هفت دانه خرمای عجوه (یکنوع خرمای عالی و مرغوب که در مدینه به عمل می‌آید) هنگام خواب بخورد، گرم‌های شکم او کشته می‌شوند. (بهترین نوع خرما برنی است که مرض را از بین می‌برد و مرضی در آن نیست. خستگی را برطرف میکند و بلفم را تابود مینماید..)

خرما یکی از مواد غذایی است که از زمان‌های بسیار قدیم در اغلب نقاط زمین، جز مایحتاج روزانه بوده و مصرف زیاد داشته است، زیرا غذای کامل، طبیعی و مطبوع است که به آسانی هضم گردیده و مفید میباشد.

خرما حاوی مقدار زیاد قند بوده که اعراب و ایرانیان آنرا از نعم بزرگ می‌شمارند. خرما میوه‌ای شیرین و خوش طعم بوده که دارای ویتامینهای C و E و مقدار کمی ویتامینهای دیگر است.

خرما دارای سلفر، فاسفورس، کلسیم، منگنیم و مقدار زیاد آهن بوده که خوردن آن با ماست بسیار مفید و مغذی است. خرما خاصیت نرم کننده سینه و ضد کم خونی هم دارد.

با فرا رسیدن ماه مبارک رمضان، ماه فضیلت و برکت جهت آگاهی بیشتر خوانندگان عزیز مجله انکشاف اینک در این صفحه نکاتی چند در باره خرما و مزایای خوردن آن بر می‌چینیم.

شیرینی پیغمبر اکرم (ص) خرما بود. اگر سر سفره ای خرما بود، اول از خرما میل می‌فرمود. در موقع افطار، چنانچه وقت رطب (خرمای تازه) بود، با رطب و گزنه با خرما افطار می‌کرد.

یکی از اصحاب میگوید: امام زین العابدین (ع) علاقه داشت که اشخاص خرما دوست داشته باشند، زیرا که پیغمبر (ص) خرما دوست داشت.

پیغمبر خدا می‌فرماید من از کسی که خرما را دوست داشته باشد خوشم می‌آید.

خداوند (ج) میفرماید:

آهن	0.7 mg
پتاشم	139.0 mg
سلفر	16.0 mg
ویتامین A-I.U.	84
راییوفلونین	0.04 mg
ویتامین C	2.0mg
پروتین	1.4mg
مواد معدنی	0.6mg
سایکاربو هایدريت ها	4.6 mg
کلشیم	10.0 mg
فاسفورس	5.6mg
سودیم	5.6 mg
مس	0.20 mg
کلورین	4.0 mg
تیماین	0.06mg
نیکوتینک اسید	0.5mg



تصویر کدو

سندروفه، جواهر

(ویژه فلکلور)

فال نیک و شکونها

× ده صندلی زن که برف می باره
× کلی ره شور نئی که جنگ می شه
× دان قیچی ره وانکو که دان دشمن وا می
شه
× سر لحک نشی که بابت قرضدار می شه
× آگه قف دست خارید، پیسه می آیه

و
اگر چادر گوشه داد
یا آگه خمیر پرید
میمان میایه

چشمه ساران کوهسار

ازی دریا به او دریا گذر نیست
جگرم گل زده مادر خبر نیست
جگرم گل زده عین جوانی
چطور مادر که از دختر خبر نیست

الا مادر مه خو خوب دختر استم
مرا جایی بتی که سیاسر استم
مرا جایی بتی کارام باشم
اگه نارام پدم پرو اگر اسم

ضرب المثل ها

خانه ظلم آخر خراب اس.
دست بی هنر در آستین به
زخم شمشیر میره، اما زخم زبان نه،
خاک وطن از ملک سلیمان بهتر
خلق خوش خلق راشکار کند.

نذر ها و نیاز ها

× نذر بی بی مشکل کشا: برای رفع مشکل.
× نذر بی بی پرده پوش: به خاطر حفظ
عفت و پرده داری.
× نذر بی بی قفل: برای قفل زدن به دهان
هرزه گوینان.
× نذر سمنک: که در آغاز بهار تو ام با
میله شبانه از سوی زنان و با سرودن ترانه
های ویژه و دف نواختن اجرا می شود.

* * *

سمنک در جوش ما کفچه زنیم
دیگران در خواب ما دفچه زنیم
سمنک نذر بهار اس
میله شب زنده دار اس
این خوشی سال یکبار اس
سال دیگر با نصیب

سمنک در جوش ما کفچه زنیم
دیگران در خواب ما دفچه زنیم

× نذر بی بی سه شنبه: برای زایمان سهل و
آسان
× نذر چهلتن: برای مدد جستن از چهلتن
پاک.

پنبستولندی

آشنامی بیا وطن ته راغی

زه به خندايم نری سترگی تورومه

*

ارمان ارمان خپله وطنه

دخيل وطن جامی می ولویدی له تنه

*

ته په مخ غه مه ایساریه

تر شادی ناوی پنبستنه ولاړه یمه

*

زه چې کورنه یم، ته رانشی

تا ته به کور په بنو شوک جارو کوښه

*

ستا به دگلو دوران تیرشی

زما به پاته شی د زړه سوی داغونه

آیا موزیم منی ...

با حکومت کابل بلند شد و حکومت ناروی بنا بر شرایط نامطمین امنیتی به اتباع خود اجازه نداد تا به ساحه کار بروند و فعلاً که هوا سرد و پارتندگی ها زیاد است امیدوارم در بهار همین سال کار را آغاز کنیم. باید بگویم که حفاظه و حمایه آن ضرورت مبرم و عاجل است.

منار چکری کابل مربوط قرون اول میلادی بوده با اثر اصابت راکت به خاک یکسان و ما قادر به نجات آن نشدیم.

قصر دارالمان شدیداً صدمه دیده و ترین که مکمل بود امروز دزدید شده و در آنجا موجود نیست و بصورت داغمه فروخته شده است. SPACH آفرینش این آثار گرانبها را در فایل ها نگهداشته این فایل ها دارای تصاویر و کتلاک های مهم است که حالت قبلی و فعلی آثار را نشان میدهد. در دوران استاد برهان الدین ربانی اجناس و اموال دارایی های موزیم را ثبت و در هوتل کابل انتقال دادند در زمان طالبان میخواستند این دارایی را دوباره به موزیم انتقال دادند چون موزیم ویران شده بود و مصارف ترمیم آنرا کدام مؤسسه قبولی قبول نتوانسته است ۱۴ بکس اجناس که معلوم شده نتوانست که کدام اجناس در این ۱۴ بکس گذاشته شده اند به وزارت اطلاعات و کلتور برده شد فعلاً آنها به وزارت اطلاعات و کلتور موجود و محفوظ میباشد.

در نظر داریم پروگرامهای ترمیمی دوباره باستان شناسی Archeology دایر فائیم ولی مشکلی که به آن مواجه شدیم عدم موجودیت متخصصین در کابل بود. اگر در لاهور و یا کدام کشور دیگری دایر شود مشکل لسانی شاگردان مطرح می شود SPACH پیشنهاد آموزش لسان انگلیسی را نمود که در مورد کدام علاقه نشان داده نشد. فعلاً طالبان

میخواهند موزیم را ترمیم کنند اما نه موسسات ملل متحد و نه کدام موسسه دیگر حاضر شدند تا موزیم را مجدداً احیاء نمایند. این بود شمه از فعالیت ها و پلان های SPACH

سوال: لطفاً در مورد SPACH و ALE که چگونه با هم در همکاری بوده و چگونه محکم یکدیگر اند معلومات بدهید؟

جواب: اکثر ادارات و موسسات بالای تعلیمات ابتدایی و عالی کار میکنند اما طرح من اینست که ما باید آنرا چیزی بپردازیم که از آن مستفید شوند. من در هر مجلس میگویم که مصرف بالای دو اصل فوق بی جای است و من ازین سبب بسیار مشهور باین شده ام که نانی به تحصیل علاقه ندارد، ولی من میگویم وقتی آموزندگان برای آموزش مراد ندارند چگونه میتوانند بیاموزند، آن بود که من بکس های ALE را به قرأ ارسال نمودم تا مردم در دهات و ولسوالی ها جمع شده و منبع مطالعه بر ایشان موجود باشد. در کتابخانه های سیار فوق کتاب های مسلکی زراعت، انجمنی، صحنی کتاب های حرفوی مانند ترمیم تراکتور ها، قصه های کوتاه، کتاب های تاریخی، ادبی، تفریحی و سایر مضامین شامل است. من علاقه دارم تا افغانها این کتاب ها را نه تنها برای کسب معلومات بخوانند بلکه از خواندن آن حض هم ببرند. بعداً به نقشه اشاره نمود که موجودیت کتابخانه ALE را در قریه های داخل افغانستان نشان میداد.

همچنان ما برای فعال نمودن کتابخانه های ALE مانند CoAR اعضای دیگری هم داریم. این بکس ها در دفاتر، کلینیک ها، مسجد ها و دکانها غرض استفاده مردم قرار گرفته آنها را امانت برده و بعد از مطالعه دوباره می آورند. ولی با تأسف باید بگویم که زنان درخانه نمیتوانند از کتاب های مورد نظر شان استفاده نمایند. یکی از موسسات لست

های کتاب ها را تهیه و به مردم توزیع نموده است. که زنان در خانه میتوانند با انتخاب کتابهای دلخواه از روی لست آنرا بدست آورده و استفاده نمایند.

در کابل در مکتب های خانگی هم بکس های ALE غرض استفاده موجود است. شاگردان کتاب ها را به خانه می برند والدین هم بعد از مطالعه آن اظهار شکران و توصیف از کتابخانه های مذکور نموده پیشنهاد موجودیت بعضی کتاب های جدید را با من در میان میگذازند. و ما از این مادران ده ها نامه امتنانیه داریم و ما هم سعی و تلاش مینمائیم تا فرمایشات این خانم ها را بر آورده ساخته و کتاب های دلخواه شانرا تهیه کنیم.

بعداً به بعضی کتاب ها اشاره نمود و گفت که در قسمت کار مشترک SPACH و ALE باید بگویم که این نوع کتاب ها را SPACH که چاپ و نشر نموده نسخه های آن توسط کتابخانه، سیار ALE به دهات ارسال و مردم محل از آن استفاده مینمایند، باید بگویم که SPACH مرجع آگاهی دهنده و بیدار کننده است که مراجع دیر بط را متوجه میسازد و ساحه ARIC منبع معلومات است. خوب محترم خانم نانی از احساس والا و انسانی تان که در برابر حفظ آثار و میراث های فرهنگی افغانستان دارید، به نمایندگی از مردم خود قلباً اظهار سپاس میکنم، و ازینکه شما با همان عواطف بشری مصمم هستید تا میراث های تاراج شده کشور ما دوباره گرد آوری گردد و از شما اظهار شکران مینمایم و در راه رسیدن به این اهداف عالی و انسانی از خداوند بزرگ برایتان توفیق مزید و طول عمر استعده میکنم. نسل امروز و نسلهای آینده افغانستان مرهون این زحمات خیر خواهانه شما خواهد بود.

دځمکي دکړی تولیدوڅخه

تولید ۵,۲ فیصده د ۱۵ کلو په اوږدو کی داکم کړی شی. ددی فیصلي په اساس ۳۸ هیوادونه مجبور دی چه د کاربن دای اکساید تولید د ۱۳۶۹ کال حد ته راتیټ کړی. په دی هیوادو کښی د امریکا ۷ فیصده د اروپائی اتحادیه ۸ فیصده د جاپان ۶ فیصده ونډه ده. دا فیصله په عمومی ډول په تیره بیا د صنعتی دولتونو له خوا تقدیر شوه. خو دیوه ژر عملی کولو پروگرام احساس هم وشو. او د موټرو، فابریکو، دسکرو او تیلو د کمپنیو اوصنایعو د فشار سره سره وویل شول چه دا فیصلي په زړه پوری دی.

۶- څرنګه دنړی لکړتیا کمه شی: ځینی عمده مفکوری چه وکولای شی دنړی ککړتیا او تود والی کنترول کړی په لاندی ډول دی:

۱- د ځنگلونو له وهل کیدو څخه دی په حتمی توګه ډډه وشي او هغه خلک چه دا نه منی باید جزا ورکړل شی. د ځنگلونو احیا او به ښارونو کښی ونی ایښودل ضروری دی ځکه ونی کاربن دای اکساید دضیائی تعامل لپاره استعمالوی او هغه بار سپکوی چه دکاربن دای اکساید د زیاتوالی له کبله په اتموسفیر باندی پروت دی همدارنګه په دی عملیه کی اکسجن چه دنړی د

چاپیریال په ګټه دی تولیدیږي، او دباغونو اوونو ایښودل هواینه کوی چه دا کار د یخچال او دکورونو د پخلی لپاره دا نرجی لږښت تیتوی.

۲- هغه موټرونه چه زیات لوری کوی په عاجله توګه دی له واپ څخه لری کړی شی اوورسته له ترمیم څخه ترینه استفاده وشي. د دولتی او شخصی موټرونو څخه باید هغه وخت کار واخیستل شی چه ورته ضرورت وی. او د دریدو په وخت کی چالانه پاتی نشی. دا به ښه وی چه له عمومی ترانسپورت څخه اعظمی ګټه واخیستل شی. له عمومی ترانسپورت په وسایلو کی لکه بسونه لاری او داسی نور کوشش وشي چه له گاز (propane) څخه استفاده کړی او دلرله انرجی څخه ګټه واخیستل شی.

۳- دانرجی له سپما څخه په جدی توګه ګټه واخیسته شی. باید هغه وسایل چه انرجی مصرفوی او ورته ضرورت نه وی استعمال نه شی. لکه بخاری ریفریجریټر، پکه چراغونه، تلویزیون، اجاقونه او داسی نور ویل کیږی که دغه خبره عملی شی نو دا نرجی په لګولو کښی به په سلوکښی شل سپمامینځ ته راځی.

باید داسی پروگرامونه په تلویزیون اوراډیو کښی په کارولویږی چه دانرجی محافظت او موثریت مینځ ته راوړی.

ترڅو عام خلک خبرشی.

۴- هغه وسایل چه C.F.C مصرفوی باید دا امکان تر حده راتیټ کړی شی اوله تولید څخه نی په ممکن حد جلوگیری وشي.

۵- ددی لپاره چه ددنیا له تودید و په ضد د چټکی پرمختیا په هکله موثر تدابیر نیول شوی وی نو لازمه ده چه په دی هکله په بین المللی سطحه تصمیمونه ونیول شی ځکه چه اتموسفیر ملی سرحدات نه پیژنی نو دا په لاندی ډول دی.

الف: باید ضروری او موثر اقدامات ونیول شی ترڅو دنړی تودیدل کم کړی شی باید مالی وجوهات او تخنیکي راهنمایی له صنعتی نړی څخه واخیستل شی.

ب- د پرمختیائی هیوادو څخه د هستوی انرجی استعمال د صنعت او سوله ایزه اهدافو لپاره موافقه واخیستل شی. باید د نړیوالی همکاري په اساس د تکنولوژی او طبیعی منابعو انکشاف په هکله موافقه واخیستل شی.

ج- د چاپیریال د تعلیم په هکله باید بین المللی انستیتوت ته انکشاف ورکړشی.

د- د چاپیریال او سنی نړیوال قوانین باید په جدی او مستحکم ډول تطبیق شی.

پای

دهقان و مزرعهء سبزش

از کابل به غزنی و از آنجا به هرات می رفت و در آوان آواره گی
ما فریاد می زد:

خدایا هیچ من درمن ندارم
فغان در وصل و در هجران ندارم
اگرچه درد هجرم سوخت یارب
مگر در پیش جانان جان ندارم

باری دهقان مدتها در هرات ماند، به گازرگاه و خیابان رفت و آمد داشت و ساعتها در مزار پیر هرات خواجه عبدالله انصاری و تربت شیخ جام و در کنار هریرود می نشست و با ادبا و شعرای هرات: توفیق، مایل، بشیر، شایق و دیگر ادیبان محشور می شد، بعد سفری به ایران نمود و فرصت مرور آثار کلاسیک ادبیات فارسی دری را نیز در آنجا پیدا کرد، سپس به کابل آمد و شاعر نابینا باقی قایل زاده و طالب همدم او گشتند. بسمل، شایق جمال، مولانا قربت و مولانا خسته هم به دکانش می آمدند و گاهی به خواهش و اصرار پایش را به مشاعره می کشاندند، استاد خلیلی هم زمانی در سالگرد مولانای بلخی شعری از دهقان خواست که مثنوی «خلاصه مثنوی» را در آن وقت سرود، وقتی که سعید نفیسی محقق ایرانی به کابل آمد، در يك تصادف دهقان را دید و چند بار دیگر به دکانش آمد و با او صحبت های شاعرانه و صوفیانه نمود.

دهقان با شیفته گی و شوریده گی در کنار دریای کابل شاعر شد، و وقتی که عارف شد شعر بهترین زبان معانی مرموز عرفانی او مثل همه عرفا گردید.

زبان شعر دهقان زبان عرفان و معرفت بود، به این جهت با وجود شعرشناسی، خوش ذوقی و نازک اندیشی به فحواي گفته مولوی به قافیه نمی اندیشید، می گفت:

خوب است که چون آبله های کف دهقان

گر قافیه تنگی بکنند پیش برآنیم

و هم خودش در مثنوی (عایشه سمرقندی) که بین شاعر و

شعرک ساز فرق قایل می شود، سخن تقلیدی و شعر سازی را ابلهی می داند، می گوید:

آنکه از عشق معنی بی دارد
بگر طبعش نشانی بی دارد

و در شعر دیگری می گوید:

نه منم شاعر صورت که بیافم خم زلف
نه منم هندی و جوگی که بچینم خط وخال

خلاصه اینکه ادب شناسی می نویسد: «زنده گینامه دهقان بسی شاعرانه و عارفانه و عاشقانه است، ابتدای آن به زنده گی شمس و اوسط آن به زنده گی «عطارد» و آخر آن به زنده گی حافظ کم و بیش شباهت داشت.

دهقان میگفت: شمس بزرگترین عارفی است که او شناخته است، اما زبان نداشت تا اینکه مولانای بلخ ترجمان راز درون او شد. بالاترین مرتبه در تصوف و عرفان را به عاشقان عارف و عرفای عاشق نسبت می داد.

دهقان در باره عقل و عشق و معرفت نکات عارفانه بسیار دارد که از آن جمله گوید:

بیاتو نیز چو بلخی مرید عشق بشو

زسیر معرفت اینجا کتاب را چه خبر

و در پایان کلام، این سخن دهقان را به عنوان حسن ختام میآوریم که فایزگر مهر ورزی و دل بسته گی اش به سرزمین است، به میهن:

مرحبا ای آبشار هندوکش

دامن تو سبز و آواز تو خوش

خوب و زیبا و بلند و خرمی

این چنین به آشیان آدمی

من مبارکباد گویم هر بهار

قامت را جامه از پروردگار

زابلستان تو بی رستم مباد

زال گردونت نباشد بی قباد

دایه علمت نماند بی پسر

مام گردونت نبیند بی هنر

گوهر و گنج تو بی خاقان مباد

یک قدم خاک تو بی دهقان مباد

مؤسسه هماهنگی ...

افغانستان باید نظرداشت عنعنات و کلهچر آنها ابقا و تقویه گردد.

در افغانستان تنها افغانها صلح آورده ميتوانند مردم خارجي و منابع قوملي دلسوز به افغانها صرف اين پروسه را تقويت کرده ميتوانند.

تمام منابع قوملي بايد همکاري و هماهنگي بين خود را تنظيم وادامه بدهند.

تمام منابع انساني داخلې و خارجي افغانستان براي پروسه صلح بکار انداخته شوند.

در استفاده از امداد هاي عاجل معيار هاي مناسب که باز سازي و انکشاف را آسان سازد بکار برده شود. براي NGO ها تنها بکار بردن لغت صلح کفايت نميکند، بايد عملاً اقدام نموده و نتايج دست آوردها و تجارب خود را به ارتباط صلح ارزايي و غرض استفاده ساير نهاد هاي که در اين راه فعاليت دارند پگنارند.

موسسات خيريه نقش قوماندانهاي جديد را براي مردم افغانستان ايفا نکنند.

حقوق زنان بايد در جامعه افغاني تدريس و رعايت گردد.

به پروژه هاي تعليماتي اهميت بنيادي بخاطر انکشاف صلح و باز سازي داده شود.

متخصصين و سرمايه داران افغان براي عودت و سرمايه گذاري در افغانستان جلب و تشويق گردند.

طرح: پي ريزي و تطبيق پلان هاي طويل المدت انکشاف اقتصادي و اجتماعي روي دست گرفته شود.

اين بود نکاتي چند خلاصه از نتيجه ورکشاپ (From Rhetoric to Reality) منعقدۀ لندن. بايد گفت که تا حال راپور نهايي ورکشاپ از انگلستان ترسيده که با رسيدن آن انشالله معلومات بيشتر خدمت برداران و خواهران افغان خود تقديم خواهيم نمود.

پرسش: چون سال ۱۹۹۸ رويه اتمام است، فعاليت ها و پروژه هاي موسسه تاثيرا با در نظر داشت شرايط بود جوي و اجتماعي شامل پلان سال ۱۹۹۹ چگونه پيش بيني مينمائيد؟

پاسخ: بلي، چون سال ۱۹۹۸ رو به اختتام است، ما قسمتي از پلان و پروگرام سال ۱۹۹۹ و سالهاي بعدي را روي کار گرفته ايم. با در نظر داشت شرايط پيچيده و نامعلوم قلعي در کشور نه تنها براي موسسات افغاني بلکه براي موسسات بين المللي و منابع قوملي هم دشوار گرديده که پلان هاي عملي را با اطمينان کامل رويست گيرند.

اکثر منابع قوملي ترجيح ميدهند صرف به حالت امداد عاجل کار کنند زيرا شرايط براي تطبيق پلان هاي دراز مدت انکشافي را عملي نمي بينند. در حالیکه پروگرام هاي امدادي عاجل اکثراً مردم یک ملکمت را متکي به کمک هاي بيروني بار آورده و مشکل اصلي مردم ما را حل کرده نمي تواند.

خلاصه به ارتباط موسسه CoAR بايد بگريم، که جاي خوشي است که موسسه CoAR با شروع سال ۱۹۹۹ به

موافقه منابع قوملي شان پروژه هاي کوتاه مدت خود را به پروگرام هاي دراز مدت عوض نموده و ساحه فعاليت هاي خود را محدود ساخته است تا بتواند که نتيجۀ و ثمره فعاليت هاي خود را در منطقه محدود ارزايي نمايد و بعد از بدست آوردن يك فودل (فونۀ) موفق انکشافي ساحه فعاليت خود را تدريجاً به نقاط ديگر افغانستان توسعه دهد.

با اين اقدام موسسه CoAR خواهد توانست که روي توانايي و ظرفيت خود بيقرازايد و فرصت بيشتر براي تداوم فعاليت هاي خود بدست بياورد و در آينده مصدر خدمت بهتر براي مردم رنجديده افغانستان گردد.

براي سال ۱۹۹۹ موسسه CoAR در مورد ساحه پروژه، نوع فعاليت ها و وجوها مالي آن به همزي منابع قوملي بحث نموده و در مورد همکاري براي سال ۱۹۹۹ به موسسه CoAR اطمينان داده شده است علاوه بر آن منابع قوملي در مورد پلان سه الي پنج ساله به همزي موسسه CoAR صحبت هايي نموده که اميدواري زياد براي پروگرام هايي طويل المدت انکشافي پيشيني ميگردد.

خوب محترم انجنيير سليبي دايکتر موسسه CoAR از اينکه با وجود مصروفيتهاي فراوان تان حاضر شديد با ما مصاحبه يي انجام دديد، از شما اظهار سپاس و شکران مينمايم. اميدواريم موسسه CoAR با اهداف عالي و تلاشهاي انساني شما و همکاران تان روز تا روز گامهاي محکمي بخاطر بهبود وضع زندگي مردم رنجديده ما بر دارد.

و من الله توفيق

سرمقاله

مجاهدیت می ورزند تا بر فراز ویرانه ها، بنای نو و طرح نو در افکنند. درب و درپچه های تازه و نوی را بگشایند تا از وزای آنها روشنی دانش و علم و معرفت بپراورد و تور زنده گی پر تو افکنند. هانا! گشایش درپچه ها و باز نمودن روز نه ها برای اعمار افغانستان جنگ زده و ایجاد آسایش و آرامش و زنده گی بهتر برای مردم افغان، اینجا و آنجا حتی الامکان به ثمر می نیشیند.

افغان و اشخاص اداره ها و موسساتی هستند که به خاطر باز سازی و آبادانی وطن پیوسته دست بکارند که درین شمار می توان از موسسه هماهنگی کمکها برای افغانها (CoAR)، نام برد. این نامی است آشنا برای مردم ما، آشنا به خاطر ایجاد پروژه های عام المنفعه و اجتماعی اش. آشنا به جهت تأسیس و بازسازی درسخانه ها و هنرسه هایش و بالاخره آشنا به خاطر اهداف انکشافی و انسانی اش.

آری (CoAR) درعرصه انکشاف دهات و روستاها، تا شهرها و شهرکهای کشور با رویارواست و خدمتگزار، و این خدمتگزاری آنگاه بیشتر مؤثر تر و متمایز تر است که هر هموطن در تطبیق پروژه های انکشافی و خیر خواهانه این مؤسسه، عام المنفعه دست پاری دهند و بازی همکاری، به امید برآوردن شدن چنین آرزوی عالی و انسانی!

خدیجه کبرا...

روایت است که جبرئیل (ع) نزد پیامبر (ص) آمده برایش گفت:

ترجمه: «به خدیجه سلام پروردگارش را برسان»

همچنان به او مژده، کاخی در بهشت داده شده است که از مرورید پوشیده شده و در آن مشقت دیده و شنیده نمی شود.

زمانی که این بانوی بزرگوار در سن شصت و پنج ساله گی چشم از جهان پوشید، هنگام دفن رسول الله (ص) با قلبی لبریز از غصه و اندوه وارد قبرگردید و با دستهای مبارک خویش پیکر سرد و بیجان محسوس مهربان را در داخل آرامگاه نهاد. مرگ آن عزیز بر پیامبر (ص) گران آمد، حضرت خدیجه دستپاری روحی و عاطفی محمد (ص) بود، چه سال غمباری. آن سال غم انگیز را پیامبر بزرگ سال اندوه نامید.

داستان کوتاه شال سبز رنگ

انشاء الله خوب می شود، اهمیت ندارد و مریض را این دایه های بی انصاف چندان مواظبت خوب نکرده اند، بهرحال پریشان نباشید. دواکتور پس از هدایات لازم پی کار خود می رود.

* * *

صبح است، هنوز آفتاب سر از گوشه افق بیرون نیاروده که پدر و شوهر در صحن حویلی مضطربانه صحبت دارند، دوشب است که آنها خواب نکرده اند، سبای پریده رنگ و چشمان فرورفته شان از شدت غم و اندوه حکایت می کند، هیچ صدايي جز ناله خفیف و دردناک مریض بگوش نمی رسد، مادر بدبخت بر سر دختر جوان و بیمار خویش نشسته و به آهسته گی اشک می ریزد.

عرق سردی پیکر بیمار را استیلا کرده و حالت احتضار را دارد، با ضعف و صف ناپذیری یک قطره آب سرد می خواهد، سپس کودکش را طلب می کند، نگاه عمیقی بصورتش می افکند، بعد مادرش را نزدیکتر دعوت کرده، در حالیکه دو قطره اشک از مژگانش فرو می ریزد با آهسته گی می گوید:

این کودک را چون من عزیز بندار، مرا ببخش...

* * *

دیگر نمی دانه چه کردند وجه نکرده اند، اینک تابوت را که همان شال سبز رنگ شب عروسی به روی آن کشیده شده حمل میکنند، مرد محاسن سپیدی که قوه حرکت ندارد و جوان بلند بالای که اشک مانند باران از چشمانش فرو می ریزد او را دروازه رفتن کمک میکند، نیزبا ماهمراه هستند. مابه طرف قبرستان روان هستیم.

او را به خاک می سپارند، در بالای سر قبر نشسته ام، نمی توانم از گریه خور داری کنم، بادم از همان شب عروسی این تازه عروس، این مادر بیست و یک ساله می آید... سرود خن تابان را می شنوم که می خوانند:

از کوتل تاخان کسی تیر نشد
از مردن آدمی زمین سیر نشد
بیا که برویم به پیش استلال اجل
مردن خو حق است ولی جوان پیر نشد

رینفورم دهات

- استفاده موثر از موسسات، اشخاص، افراد و اجتماعات بومی: موسسات و اشخاص و افرادی که سابقه کاری داشته در راه تحقق آرمانها و تغییرات در زنده گانی اهالی ده بی اندازه موثر می باشد مخصوصاً آنده که قبلاً آموزش دیده باشند و از تجارب شان در زمینه استفاده نمود. زیرا موجودیت اوشان باعث سرعت عمل در کار پلان شده و با در نظر داشت معیار های با ارزش فرهنگی آنها کارمندان اصلی حمایت و تقویه می گردند. موضوع اصلی اینست که تمامی تغییراتی که در زنده گی دهات بوجود می اید از راه تفاهم مطابق طرح برنامه ها ممکن شده میتواند. این عمل مطابق برنامه خاص عملی میگردد. رشد فکری اشخاص در دهات و تغییراتی در سلوک، روش و طرز فکر و نحوه کار آنها در بالا بردن سطح زنده گی آنها رول بسزائی دارد که با بالا بردن چنین امری راه را برای ترویج و تطبیق هنر و آرزوها و امیال هموار ساخته میتواند. متخصصین تغییر دهنده به این عقیده اند که در این رابطه هرگاه علمای با دانش محل و سایر بزرگان در تطبیق پروگرام همکاری نمایند در سرعت بخشیدن آن مفید واقع میگردد، تا آنکه نظر آنها واراده شان جلب نشود تطبیق برنامه ها به رکود مواجه میگردد و حتی عملی شدن آنها به ناکامی می گراید. چنانکه بعقیده آنها در طرح و تطبیق چنین برنامه هائی و پروسه عملی آن کمبودها وجود دارد مثلاً میگویند که در عملی ساختن تغییرات در پروگرام ها

استفاده از منابع تحت الارضی و دارائی های محلی و رشد طبیعی فکری مردم به آنها توجه بسیار کمی مبذول میگردد و از آنها استفاده اعظمی بعمل نمی آید. در اینجا مهمتر و ضروری تر از همه آنست که ضروریات و نیازمندیهای مردم را تحلیل و ارزیابی و همزمان با پروگرام های اصلاحی اقدامات مقتضی صورت پذیرد. هکذا تحلیل منابع نیز در عین وقت تعمیل گردد. به اینصورت به وضاحت گفته میتوانیم که رسیدگی به نیازمندیها (احتیاجات) و منابع و دارائی ها يك عمل اقتصادی بوده و ریشه ناگستنی باهمی دایی با اجتماع دارند و چنان باهم آمیخته اند که لازم و ملزوم یکدیگر اند. بناءً استفاده از تجارب و نظریات بزرگان و موسفیدان محل و سازمانهای اجتماعی جزء حتمی در تطبیق برنامه میباشد. این موضوع را نیز نباید از نظر دور داشت که سازمانها و موسسات محلی هر يك برنامه های خاص خود را دارند که جلب توجه آنها به برنامه های منظور نظر از یکسو و توجه متنفذین محل کار ساده نیست. تمامی این کارها وقت و پشتکار و اتقاضا مینماید هکذا شامل ساختن موسسات مذکور در پروگرام باری است که کار روتین روزمره آنها را دوبالا می سازد، از طرفی هم تشویق آنها به برنامه مورد دلچسپی شان نبوده و نمیخواهند که خود را در کارها و پروگرام های دیگری خارج از وظیفه شان ولو که به نفع آینده شان هم است ذیدخل سازند. به همین منوال شمولیت کلاتهای محل متنفذین و موسفیدان چه انتخابی باشند و یا انتصابی تماماً در تغییرات

پروگرامی با اهمیت بوده و پشتیبانی آنها در زمینه حتمی است شاید هم جوانانی جهت تطبیق پروگرام در منطقه وجود داشته باشند اما آنها از پشتیبانی مردم بهره مند نیستند و حقیقت امر اینست که به کار طور درست و اساسی اقدام نمود و موسسات اجتماعی و کلاتهای محل را جستجو کرد. کوشش شود تا پشتیبانی آنها را کمائی نمود در غیر آن هرگاه موافقه شان گرفته نشود باید توجه نمود تا اقلأ نظر شان در رابطه حاصل شود در حالیکه در تطبیق برنامه سهمی نمیگیرند در تطبیق ان سد واقع نشده باعث اخلاخل در عملی ساختن پروگرام و تعمیر آن نشوند.

این هم يك امر واضح و روشن است که زنده گی مجموعه ای از فعالیتهای متنوع و قسماً قسم میباشد که انسان در راه تحقق آرمان زنده گی بهتر و خیرتر مطابق شرائط اقتصادی و اجتماعی محیط و ماحول خود به پیش میبرد و در مجموع هر نوع تغییر در زنده گی شان را نظر به ساعده فعالیت و نیازمندیهای شان تحلیل و مورد مذاقه قرار میدهند. بدین معنی که آنها، خود را آگاه میسازند که آیا چنین تحولی در زنده گی شان و در کلتور و فرهنگ شان چه اثری واردمی نمایداز همینجاست که در گام نخست دلچسپی شان درین زمینه جلب می گردد یکی از نکات برجسته اینست که زنده گی مردمان ده نسبت به شهر ساده بوده و باهم پیوند ناگستنی دارند که میبایست پروگرامها طوری جامه عمل بیوشد که در قدم اول رفع نیازمندیهای آنها را کرده بتواند تا بدینصورت پروگرام عمومیت و پیدا نماید و مفید و مؤثر واقع ورق بزنید

نشان داده میشود.

طریقه دومی: کار برد وسایل ارتباط همه گانی است مثل رادیو، تلویزیون، روزنامه و اقامر مصنوعی که با سیستم های بفرغتیکه دارند ساحات وسیعی را زیر تاثیر گرفته و اثرات مثبتی را به آنها بجا میگذارند. گرچه این، پروگرامها جزئی از برنامه های آموزشی غیر رسمی را میسازد. اما در دهات پناهر عقب مانده گی آنها از نظر منطقی و محیطی علی الخصوص در کشور های جهان سوم و عقب مانده با محدودیتهای عدیده، رو به رو بوده که طرق مفاهمه را نیز محدود ساخته اند.

پنا ایجاب مینماید تا تغییراتیراکه مطلوب است، مطابق شرایط و اقتضای زمان و تقاضای محیط با پیش پیام ها و استفاده از سیستم های فوق الذکر به باشندگان انتقال کند تا بدینوسیله در توسعه و رشد و تغیر فکری مردم موثر واقع شود. در کشورهای عقب مانده و باکشور های رویه انکشاف از پروگرامهای فوق الذکر تحجارب زیاد مورد تطبیق قرار گرفته که حاصل های همه برنامه ریزی ها را برمیشریم:

الف- استفاده از دو یا سه طریق از هر ترکیبی که دارای نتایج بیشتر و بهتر و خویتر باشد.

ب- پیام های مفاهمه بی که نیازمندیهای مردم را بر آورده ساخته بتواند (بخصوص ضروریات و نیازمندیهای اولیه) آنها را تأمین نماید. پیام ها باید دلچسب بوده و به سویه ششوندگان منطقه باشد، سعی شود پیام فصیح و داملدار بوده و بموقعش به سمع ششونده گان (اهالی) رسانیده شود.

ادامه دارد.

که از نظر کلتوری هم تغیراتی را حایز باشد و حتی مشتمل بر حساسیت هائی هم باشد آنرا بنظر اغماض مینگرند و با گذشت زمان نقطه، چرخش در زنده گی شان میگردد. که به این ترتیب راه را برای تغیر هموار میسازد.

غرض رسیدن به هدف طرق دیگری نیز وجود دارد و آن اینکه:

با تطبیق برنامه های آموزشی غیر رسمی میتوان درنحوه زنده گی مردم دهات تغیرات قابل ملاحظه بوجود آورد، این مامل در کشورهای رو به انکشاف باستراتیژی خاص ان عملی میشود. در اینجا رول موسسات حکومتی و غیر حکومتی هرکدام پر اهمیت بوده اثرات خاص را حایز اند، که در این زمینه توجه جدی صیذل داشته با مفاهمه با آنها اجراءات لازمه مرعی گردد تا نتایج مطلوب بدست آید. این عمل درآموزش و پرورش غیر رسمی زیاده تر رول داشته و حایز اهمیت است که به یک پیمانده وسیع در برنامه های تغیر پذیر زنده گی دهات از آن استفاده بعمل می آید. از همین سبب است که مفاهمه و مذاکره در تغیرات و عملیه آن درقما می پروسه آن عنصر مهم و رکن اصلی را تشکیل میدهد.

درآموزش و پرورش غیر رسمی و پروگرام های آن مفاهمه به دو سیستم مرعی الاچراست:

طریقه اولی که خیلی ها ساده بوده و به شکل گراپیکی و بوسیه سمعی و بصری که همراه با تشریحات و ثبوت هائی هم توام باشد و در یک منطقه و ساحه جغرافیائی کوچکی به مردم آنها فی المواجه گفته و

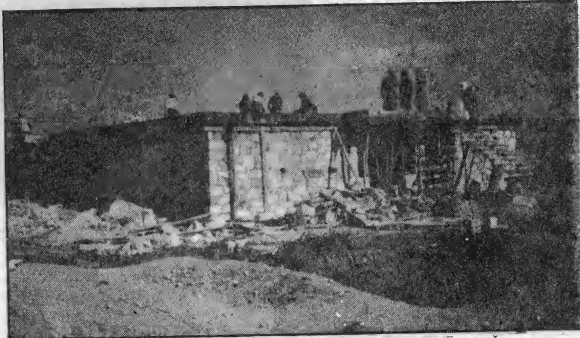
گردیده باعث بروز مشکلات نگردد. (بر مبنای پرنسپب هذا، برنامه های انکشاف دهات خصوصیت مشابه دارند که جهت انکشاف آنها و سازمانها دیگری اسماء و نامهای مشخصی را بالای شان میگذارند). کارمندان باید طوری تحت آموزش و پرورش قرار گیرند که پاسخگوی خواهشات اولی مردم شده بتوانند و توانندی و قدرت آنها دارا باشند که میان مردم اهداف خویش را تا حد ممکن عملی نموده و از همکاری و معاونتهای بیدریغ آنها بهره مند شوند. و توانندی رهنمایی مردم را تا حد توان داشته زمینه رفع مشکلات آنها را فراهم ساخته بتوانند. به همین منوال موسسه بی که درجهت تغیر در زنده گی دهات ایجاد میشود بر علاوه فعالیتهای اساسی و طبقه وای اش فعالیتهای دیگری را هم در ساحه و محل انجام دهد که این امر مستلزم آنست تا باشندگان ده را در عرصه های حیاتی و رفع نیازمندیهای آنها باری رسانند.

دانش باشندگان ده ما ذهنیت هاو رویه آنها از همه گذشته آوردن و تطبیق تغیرات در زنده گی آنها همگون نیست، درمیان آنها عده هم وجود دارند که عنعنات سابقه خود ها را تا کنون حفظ نموده و تغیری در ان نیاورده اند، تغیر آوردن به آنها متضمن احتیاط و درایت کامل میباشد. زیرا که هر تغیری را با ارزیابی جهات مثبت و منفی آن می پذیرند. چنانکه تغیرات کم و مثبت جواب مثبت ارائه کرده و پلانهاییکه در آن ضرر و نقصان نباشد مورد توجه شان قرار می گیرد تغیرات دیگری در مقابل ساحات دیگری

گزارشها

● کار ترمیم کلینک «تنگی سیدان» با سهم مسرولانه شان را ایفا نموده و . موقعیت دارد که در سال ۱۹۸۷ در مرکز «صحی اساسی تنگی سیدان» که در اگست سال ۱۹۹۸ آغاز گردیده، به اتمام رسیده و آماده بهره برداری یک حلقه چای آب با واترپمپ ، یک باب تشناب داخل تعمیر و دوباب تشناب خارج عمارت را اعمار و حمایت طفل و مادر، دواخانه، لابراتوار، اتاق عاجل و غیره می باشد.

این کلینک در اثر جنگ های داخلی به ویرانه یی مبدل گردیده بود که مردم ازین ناحیه مشکلات زیاد احساس می نمودند. اما خوشبختانه قسمی که گفتیم این مرکز صحی به کمک مالی سفارت هالند و کار و فعالیت کارمندان مؤسسه (CoAR) ترمیم و دوباره فعال ساخته شد. این مرکز صحی دارای ۱۸ تن پرسونل پسنوده و اهالی قریه تنگی سیدان، فرملی علیا، فرملی سفلی، لندرشاه توت، قلعه لقمان، قلعه سفید، قلعه جانخان، قلعه میرسید عزیز، قلعه



کارگران مربوط مؤسسه CoAR در حال ساختمان مکتب آبرو گردیده است. جهت استفاده اهالی این منطقه انجیران مؤسسه (CoAR) در آماده ساختند. قسمت تهیه آب آشامیدنی و تهیه تشنابهای داخل عمارت و خارج تعمیر شهر کابل در ولسوالی چهار آسیاب

مساعادت مالی و کمک های انسان دو ستانه NCA در ولسوالی های پره کی ولایت لوگر، آب بند ولایت غزنی و سید آباد ولایت وردک به صورت پخته و اساسی اعمار و برای آموزش اهالی این مناطق آماده سازد. این مکاتب هر يك دارای (۹) صنف درسی بوده و در تطبیق این پروژه ها مردم و اهالی مناطق مذکور سهم فعال و ارزنده گرفته و از این کار و اقدام مؤسسه (CoAR) اظهار خرسندی و شکران نمودند. مکتب پره کی در ساحه (۲۰۰۰) متر مربع و مکتب آب بند در ساحه (۴۰۰۰) متر مربع ساخته شده و در سال ۱۹۹۸ کاملاً برای تدریس و دانش اندوزی آماده گردیده است.

ازین مکاتب اطفال و کودکان (۲۰۰۰) خانواده از گرد و نواحی استفاده می نمایند...

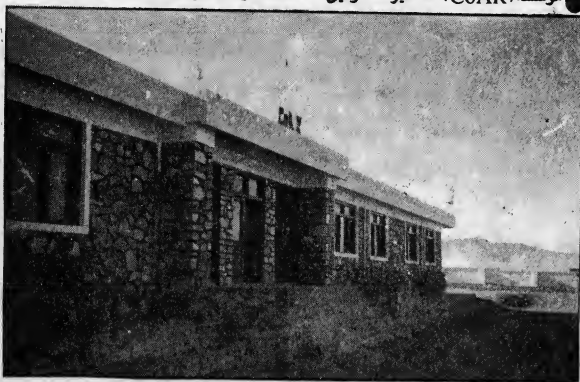
× همچنان کار اعمار مکتب سیدآباد ولایت وردک در ساحه (۱۴,۱۰۰) مترمربع در طی تکمیل و اخیراً مورد استفاده قرار گرفته است. ♦♦♦

چندی قبل آغاز گردیده بود که درین اواخر به اتمام رسیده و مورد استفاده شاگردان قرار گرفته است.

این مکتب در ساحه (۱۰۰۰) متر مربع در ولسوالی شاه شهید ولایت کابل اعمار و در ابتدا دارای شش باب صنف درسی بود که بعداً به (۹) صنف ارتقا نمود و از ابتدای به متوسط

عمرخان قلعه، گلپاغ، قلعه فقیر و غیره از آن استفاده می نمایند. که قبل ازین با طی مسافتات زیاد به کلنیک های داخل شهر مراجعه می نمودند. منسوپین کلنیک و اهالی منطقه از مساعادت مالی سفارت هالند و زحمات مؤسسه (CoAR) ابراز شکران و خوشنودی نمودند.

● مؤسسه (CoAR) اخیراً توفیق



نمای از تعمیر مکتب شش قلعه ولایت وردک

حاصل نموده تا مکتب شاه شهید مشهور به مکتب بیلری که در سال ۱۹۶۲ اعمار و در اثر جنگهای داخلی کاملاً ویران و از فعالیت بازمانده بود، دوباره احیا و به بهره برداری سپارده.

کار اعمار این مکتب به کمک های مالی (NCA) به سلسله اعمار و ساختمان مکاتب در داخل افغانستان، مؤسسه CoAR مؤفق گردیده تا به باب مکتب را به کمک و



INKESHAF

PUBLICATION OF THE COORDINATION OF AFGHAN RELIEF (CoAR).

THIRD YEAR

JULY-DECEMBER, 1998

VOL 11-12

IN THIS ISSUE

ARTICLE	PAGE
♦ The New Construction Over The Ruins.....	2
♦ CoAR, Coordination Of Afghan Relief "Interview With Eng. M. Naeem Salimee"	3
♦ Effects Of Wheat Varieties And Chemical Fertilizer's Usage On Wheat Production At Ghazni, Logar & Wardak Provinces.....	5
♦ Farmer And His Green Farm.....	8
♦ The Global Earth's Warming And Our Future	11
♦ Quran The Illuminating Lamp Of Humanity's Path	14
♦ Will Afghanistan's Natural Museum Be Rehabilitated? "Interview With Mrs. Dupree"	16
♦ Rural Reformation.....	19
♦ The Green Shawl "Short Story".....	22
♦ Language And Literature Of Dari Along The Periods.....	25
♦ Natural Resources And Their Effects	28
♦ Khadija-Tul-Kubra, At The Top Of Belief.....	30
♦ Nayestan "Poems Special".....	32
♦ Proposals And Models For The Development Of Afghanistan.....	36
♦ Special Pages About Women	38
♦ An Effective And Beneficial Work (A Scot).....	40
♦ Why Impatience?.....	42
♦ Future Generation And Mothers' Responsibilities	44
♦ AIDS, The Murderer Calamity Of Our Century.....	45
♦ Winter Season, Cold, Flu & Gripe	46
♦ Afghanistan Along The Silk Route.....	47
♦ Ears From Harvests	49
♦ Any Herb That Grows From The Earth	50
♦ Jewel Safe	55
♦ Reports	63

PUBLISHED BY:

*Coordination of Afghan Relief
(CoAR)*

EDITORIAL BOARD MEMBERS:

- M. Naeem Salimee
- Haji A. G. Ahmadyar
- Mir Amanuddin Haidri

MANAGING EDITOR:

- Mir Amanuddin Haidari

ASSISTANT MANAGING EDITOR:

- Zakia Wardak

DESIGN & PHOTOGRAPHY:

- Ahmad Shah

ADDRESS:

19-Chinar Road University Town Peshawar. P. O. Box
1013 (UPO)

Ph: 91-40789, Fax: 91-42789,

email: coar@coar.pwr.sdnpk.undp.org
coarnet@psh.brain.net.pk

NOTE:

The editor of Inkeshaf will be pleased to receive contributions from interested professionals, regarding resettlement of peace and the rehabilitation of Afghanistan, the editors are especially interested in the practical aspects of rebuilding Afghan educational, health, agricultural and other infrastructural systems. The editors believe that Inkeshaf can be a source of useful information enabling people to enrich their ideas and assist in the reconstruction of Afghanistan. All contributions will be gratefully received.



Coordination of Afghan Relief

INKESHAF

Quarterly
Vol: 11-12
1998

